

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب اول

مردان بنیاد دعا

به طرروت باران

(۱۱۰ حکایت اخلاقی ، عرفانی و معنوی شهیدان و
رزمندگان همراه با تحلیل و نتیجه گیری از آیات و روایات)

دکتر حمیدرضا پورقربان

حکایت

انتشارات سحاب رحمت

سرشناسه پورقربان، حمیدرضا، ۱۳۳۸/۱۲/۱ -
عنوان و نام پدیدآور به طراوت باران (۱۱۰ حکایت اخلاقی ، عرفانی و معنوی شهیدان
و رزمندگان همراه با تحلیل و نتیجه گیری از آیات و روایات) //
حمیدرضا پورقربان
مشخصات نشر اصفهان: سحاب رحمت، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری ۲۵۴ ص
وضعیت فهرست نویسی فیبا
شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۵۵-۶۴-۲
یادداشت این اثر با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس
استان اصفهان منتشر شده است.
موضوع کتابنامه: ص. ۲۳۹- ۲۴۳.
جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات
Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Personal narratives
جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات
Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Diaries -- Martyrs
شناسه افزوده بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. اداره کل حفظ آثار و نشر
ارزشهای دفاع مقدس استان اصفهان
رده بندی کنگره DSR1۶۲۸
رده بندی دیویی ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی ۸۸۸۵۴۸۴

به طراوت باران

حمیدرضا پورقربان

انتشارات سحاب رحمت

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۵۵-۶۴-۲

این اثر با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای
دفاع مقدس استان اصفهان منتشر شده است

تماس یا نویسنده: ۰۹۱۳۳۱۶۶۸۸۳

جهت تهیه این کتاب با شماره ۰۹۱۳۳۱۶۶۸۸۳ تماس
گرفته شود

اهداء:

به اولين امام مظلوم شهيد، مولی الموحدين حضرت وصی، ثارالله، امير المومنين علی (عليه السلام) و سلطان عشق، ثارالله، حضرت ابا عبدالله الحسين (عليه السلام) و شهدای کربلا و شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و مدافع حرم و شهدای سلامت و همه شهدای مسلمان در طول تاریخ که به حق پیرو واقعی سید شهدا (عليه السلام) بودند و تمامی رزمندگان گرامی، آزادگان سرافراز، جانبازان عزیز، خانواده‌های صبور و بزرگوار آنها و امام شهیدان، معمارانقلاب، خمینی بت شکن^(ره) و سکان دار کشتی انقلاب بسوی ساحل مهدویت، مقام معظم رهبری (مدظله العالی).

و پدر و مادر مرحوم که الفبای دین داری را به من آموخت و خواهر جوان ناکام و همه دوستان شهیدم، بالاخص سردار شهید حاج اکبر آقابابایی.



فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار
۲۳	۱. من نزد، خدا زد! حسینعلی محمّدی
۲۵	۲. دو نیمه سیب یکی از رزمندگان
۲۶	۳. عمل به تکلیف حسین (غلامرضا) سالمی
۲۸	۴. طلبیده شده‌ی الهی محمّدعلی فلاحت
۲۹	۵. خدمت به دیگران محمّدرضا جعفری
۳۱	۶. عشق و ایثار سید حسین واعظی
۳۳	۷. اوج عدالت مرحوم محمّدرضا جعفری
۳۵	۸. اهمّیت عاقبت به خیری اصغر محسنی
۳۷	۹. آگاه بودن شهید! اصغر محسنی
۳۸	۱۰. خبر شهادت! حمیدرضا پورقربان



۴۰

۱۱. توجه ویژه به خط اول

محمدرضا جعفری

۴۱

۱۲. ستارالعیوب بودن خداوند

حجت الاسلام حمیدرضا احمدی

۴۲

۱۳. به دست خدا بودن عزت و ذلت

مسعود خیام

۴۵

۱۴. ساده زیستی

بستگان شهید

۴۸

۱۵. به دست خدا بودن حیات

محمّدعلی فلاحت

۴۹

۱۶. تأثیر کلام فرمانده

محمّدعلی فلاحت

۵۲

۱۷. اثر آیه الکرسی!

غلامرضا اکبرآبادی

۵۴

۱۸. اثر آیه الکرسی!

حمیدرضا پورقربان

۵۷

۱۹. الهام قلبی

محمّدعلی فلاحت

۵۸

۲۰. سالم بودن بدن شهید!!

مادر شهید

۶۱

۲۱. بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت!!

حمیدرضا پورقربان

۶۳

۲۲. ترجیح دادن خدمت به شهادت!!

محمود نجیمی

۶۴

۲۳. هدایتگری شهدا!!

وابستگان شهید



- ۶۷ ۲۴. تواضع فرمانده لشکر
محسن سیوندیان
- ۶۹ ۲۵. آیت ادب
برادر شهید
- ۷۲ ۲۶. عدالت فرمانده
دوستان شهید
- ۷۳ ۲۷. ایثار
رضا مهماندوست
- ۷۵ ۲۸. رعایت بیت المال
حمیدرضا پورقربان
- ۷۷ ۲۹. فرشته مأمور
عبدالمجید طیب
- ۸۰ ۳۰. رسیدگی به خانواده‌های مجروحین و شهدا
دوستان شهید
- ۸۲ ۳۱. سقایی عشق
هم‌رزم شهید
- ۸۴ ۳۲. آگاه از غیب
یکی از رزمندگان
- ۸۶ ۳۳. حق الناس
دوست شهید
- ۸۷ ۳۴. آخرین مانع
دوست شهید
- ۸۹ ۳۵. لبیک به دعوت الهی
شهید دکتر مصطفی چمران
- ۹۱ ۳۶. محبت به بازماندگان دشمن!!
یکی از دوستان شهید



۹۳

۳۷. ارتباط روحی و معنوی!

منوچهر معتمدی

۹۴

۳۸. به یاد ما بودن شهدا!!!

اصغر ابراهیمی

۹۶

۳۹. مزار من!

دوست شهید

۹۸

۴۰. ایثار

دوست شهید

۹۹

۴۱. نه گفتن به خود!

حجت الاسلام سید محمدرضا علاءالدینی

۱۰۱

۴۲. دست نداری، نیا جبهه!

دوست شهید

۱۰۳

۴۳. آدمم نبودید، وعده‌ی ما بهشت!

یکی از فرماندهان جنگ

۱۰۵

۴۴. مرد آهنین لشکر امام حسین علیه السلام

دوست شهید

۱۰۶

۴۵. عنایت شهید

یکی از متوسلین به مزار شهید

۱۰۸

۴۶. آداب زیارت

یکی از دوستان شهید

۱۱۰

۴۷. حسرت در قیامت!

حجت الاسلام محمد مهدی ماندگاری

۱۱۳

۴۸. عاشورا درسی برای مقاومت تا شهادت

همسر شهید

۱۱۵

۴۹. اقتدا به علی اکبر علیه السلام

دوستان شهید



- ۱۱۶ ۵۰. درس از عاشورا
خانواده شهید
- ۱۱۸ ۵۱. مصمم
دوستان شهید
- ۱۱۹ ۵۲. لباس سپاه
دوست شهید
- ۱۲۰ ۵۳. فرمان و عمل
دوستان شهید
- ۱۲۱ ۵۴. تدبیر در قرآن
دوست شهید
- ۱۲۴ ۵۵. سوز خدمت
حمیدرضا پورقربان
- ۱۲۶ ۵۶. نظم
دوست شهید
- ۱۲۷ ۵۷. بیت المال
دوستان شهید
- ۱۲۹ ۵۸. دلسوز مردم
دوستان شهید
- ۱۳۱ ۵۹. دويدن برای دوری شیطان!
اکبر صیاد پورانی
- ۱۳۳ ۶۰. بیکه تاز
دوست شهید
- ۱۳۵ ۶۱. کار فرهنگی و ارشادی
دوستان شهید
- ۱۳۶ ۶۲. محاسبه نفس
مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)



۱۳۸

۶۳. ولایت‌پذیری

دوستان شهید

۱۴۱

۶۴. مانند نیروها

دوستان شهید

۱۴۳

۶۵. نماز شب

محسن شاه‌رضایی

۱۴۶

۶۶. ایثار و شهادت‌طلبی

محسن شاه‌رضایی

۱۴۸

۶۷. به هنگامه‌ی آفتاب!!

محمّدعلی صلصالی

۱۵۰

۶۸. نماز اوّل وقت

دوستان شهید

۱۵۲

۶۹. خمس مال

همسر شهید بابایی

۱۵۳

۷۰. حرمت مادر

عباس محمّدی

۱۵۵

۷۱. درخواست شهادت

دوستان شهید

۱۵۶

۷۲. تواضع

حمیدرضا پورقربان

۱۵۷

۷۳. شهادت‌طلبی

حمیدرضا پورقربان

۱۵۹

۷۴. انصاف

دوستان شهید

۱۶۱

۷۵. تربیت از راه انفاق

دوستان شهید



- ۱۶۲ ۷۶. یاری
میرزا کرم زمانی
- ۱۶۴ ۷۷. وصیت شهید قوچانی
خانواده شهید
- ۱۶۶ ۷۸. اعتراض
دوستان شهید
- ۱۶۷ ۷۹. مرز و بوم من، مگه‌ی من!
همسر شهید
- ۱۷۰ ۸۰. سه برادر، سه عروج
دوستان شهید
- ۱۷۱ ۸۱. ایثار و شهادت طلبی
محسن شاه‌رضایی
- ۱۷۳ ۸۲. عشق به نماز
دوستان شهید
- ۱۷۴ ۸۳. مبارزه‌ی همه‌جانبه
دوستان شهید
- ۱۷۶ ۸۴. ساده‌زیستی
دوستان شهید
- ۱۷۷ ۸۵. امداد غیبی
دوستان شهید
- ۱۷۹ ۸۶. اخلاص کامل
عباس محمّدی
- ۱۸۱ ۸۷. لباس‌های شسته شده
خلیل صراف
- ۱۸۳ ۸۸. دنیاگریزی و ساده‌زیستی
دوستان شهید



- ۱۸۵ ۸۹. ولایت مداری
دوستان شهید
- ۱۸۷ ۹۰. فرمانده جدید
دوستان شهید
- ۱۹۰ ۹۱. وقت نماز
دوستان شهید
- ۱۹۱ ۹۲. ارتباط معنوی
سید حسین موسوی
- ۱۹۴ ۹۳. همدلی
یکی از دوستان شهید
- ۱۹۷ ۹۴. اوج صبر در عشق به امام!!
حمیدرضا پورقربان
- ۲۰۰ ۹۵. جذب و هدایت
دوستان شهید
- ۲۰۲ ۹۶. موقّیّت به برکت مکتب امام حسین علیه السلام
حمیدرضا پورقربان
- ۲۰۴ ۹۷. لیست ترور!
دوستان شهید
- ۲۰۶ ۹۸. از خود گذشتگی تا شهادت
محمّد عباس شفیعی
- ۲۰۷ ۹۹. مقام رضا و تسلیم
حمیدرضا پورقربان
- ۲۱۱ ۱۰۰. دوری از حبّ دنیا
حجّت الاسلام فلسفی
- ۲۱۳ ۱۰۱. دعا در بقیع
مادر شهید



- ۲۱۵ ۱۰۲. محبت حتی به دشمن!!
حمیدرضا پورقربان
- ۲۱۷ ۱۰۳. اشک شوق
خلبان عباس فرین
- ۲۱۹ ۱۰۴. راننده
خانواده شهید
- ۲۲۲ ۱۰۵. غذای فرمانده
خلیل صراف
- ۲۲۴ ۱۰۶. آینده‌نگری
از یادداشت‌های شهید جعفرزاده
- ۲۲۷ ۱۰۷. نماز و نیایش
محسن شاه‌رضائی
- ۲۲۹ ۱۰۸. نگهبانی
دوستان شهید
- ۲۳۲ ۱۰۹. کمک به نیازمندان
حمیدرضا پورقربان
- ۲۳۴ ۱۱۰. جسمی که جان شد
دوستان شهید
- ۲۳۷ مهم‌ترین محورهای پیام شهیدان در وصیت‌نامه‌های خود
- ۲۳۹ منابع



پیشگفتار

صحنه‌های دفاع مقدّس سرشار از ایثار و فداکاری و جانفشانی در راه خدا و مکتب و ناموس و کشور است.

عشق به قرآن و اهلبیت (علیهم‌السلام) و اطاعت محض از امام امت، خمینی کبیر (رحمه الله علیه) از جوانان ما شیر مردانی مجاهد، عارف و سالک ساخته بود که افکار و اعمال آنها ترجمان عمل خالصانه به قرآن و سیره عملی ائمه اطهار (سلام الله اجمعین) بود.

چگونه می‌توان از حکایات اخلاقی، عرفانی و معنوی رزمندگان جبهه سخن گفت، وقتی که امام شهدا، خمینی مجاهد (رحمه الله علیه) درباره آنان می‌فرماید:

"قلم و بیان من عاجز است که مقاومت عظیم و گسترده میلیون‌ها مسلمان شیفته خدمت و ایثار و شهادت را در این کشور صاحب الزمان - ارواحنا فدا - ترسیم نماید، و از حماسه‌ها و رشادت‌ها و خیرات و برکات فرزندان معنوی کوثر، حضرت زهرا (علیها‌السلام) سخن بگوید، که همه این‌ها از هنر اسلام و اهل بیت و از برکات پیروی از امام عاشورا سرچشمه گرفته است. (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹۸).

اما به حسب وظیفه و سفارش حضرت امام (ره) و مقام رهبری (مد ظله العالی) مبنی بر زنده نگه داشتن، یاد و خاطرات رزمندگان و شهدای دفاع مقدّس، توفیق الهی پیدا شد تا تعدادی از خاطرات اخلاقی، عرفانی معنوی شهیدان و رزمندگان مطرح



شود و بطور فشرده از قرآن واحادیث به نتیجه گیری و تحلیل آنها پرداخته شود. شکر و سپاس خدای تعالی را پس از تالیف کتاب "لبخند سنگر" که شامل ۱۱۰ شوخ طبعی و شیرین کاری رزمندگان اسلام است، و بحمدالله بااستقبال خوبی روبروشد و به چاپ هفتم در ۲۱۰۰۰ نسخه رسید و موجب گردید تا جلد دوم آن را اقدام نمایم، اکنون به چاپ کتاب اول "به طراوت باران" (حکایات اخلاقی، عرفانی و معنوی شهیدان و رزمندگان) موفق شدم.

یکی از دوستان رزمنده اهل قلم بنده، جناب آقای حسینعلی محمدی که کتاب لبخند سنگر بنده را ویراستاری نمودند، خاطره‌ای اخلاقی و معنوی از رزمنده‌ای برایم بیان فرمودند که خودشان شاهد عینی آن در جبهه بودند، تحت عنوان "من نردم خدا زد" که حکایت اول این کتاب شد و از اخلاص این رزمنده شهید، تحلیل و نتیجه از یک آیه قرآن برایم حاصل شد، لذا توفیق پیدا نمودم، حکایات اینگونه را با تحلیل و نتیجه از قرآن واحادیث، ادامه دهم. حدود ۵۰ حکایت را نوشته بودم که ملاقاتی با سردار رزمنده اهل قلم جناب آقای سید علی بنی لوحی که از یادگاران هشت سال دفاع مقدس و اهل قلم دفاع مقدس می‌باشد و کتب زیادی در این زمینه نوشته است، داشتم و راجع به روش کار خود در این کتاب با ایشان مشورت نمودم.

سردار بنی لوحی فرمودند: من با اهل قلم دفاع مقدس کشور جلسه و سمینار داشته‌ام و با آثار آنها آشنا هستم و اینگونه کسی حکایات جبهه را بیان ننموده است. نوشتن شوخ طبعی و شیرین کاری‌های رزمندگان توسط شما، خوب و لازم بوده است، لکن این کار شما که مسائل اخلاقی، عرفانی و معنوی رزمندگان را با



تحلیل و نتیجه قرآنی و روایی مطرح و شرح نموده اید، کاری مهم تر، ارزشمندتر و ماندگار است زیرا شما ریشه و زیر بنای فکری و عملی شهدا و رزمندگان را مطرح ساخته اید و حتما این کار خود را ادامه دهید.

سخنان سردار بنی لوحی باعث دلگرمی بیشتر اینجانب شد و تصمیم گرفتم ۱۱۰ حکایت را اینگونه بنویسم، لکن پس از اتمام آن دیدم حکایات در این زمینه بسیار است و با زندگی و صفات بسیاری از شهدا و رزمندگان آشنا شدم و تاکنون ۲۳۱ حکایت را در چند جلد نوشته‌ام و تعدادی دیگر از شهدای عزیز را شناسایی نمودم که اگر توفیق پیدا نمایم امیدوارم به تعداد ۳۱۳ یاور خاص امام زمان (عج) تعداد حکایات را بتوانم بنویسم (انشاءالله).

ویژگی‌های این کتاب:

۱- ملاک در انتخاب حکایات این مجموعه بیان صفات اخلاقی، عرفانی و معنوی شهدا و رزمندگان است.

۲- ترکیب شهدای و رزمندگان در این کتاب از شهیدی ناشناس بعنوان یک نیرو هست تا شهدای فرمانده، دسته، گروهان، گردان، لشکر و نیرو را شامل می‌شود.

۳- در بعضی حکایات بعد از بیان حکایت و یا زندگینامه کوتاه از رزمنده یا شهید مورد نظر صفات اخلاقی او مطرح و یکی از صفات بارز او از قرآن و روایات به طور کوتاه و فشرده شرح می‌شود.

۴- تنها شهدای یک مجموعه مطرح نشده است بلکه از تمام نیروها از جمله نیروی زمینی، هوایی و دریایی و تمامی یگان‌های از جمله سپاه، ارتش، بسیج و نیروی انتظامی، یاد شده است.



- ۵- تنها شهدای دفاع مقدّس مطرح نشده بلکه از شهدای قبل انقلاب، دوران انقلاب، دفاع مقدّس، مدافع حرم، ومدافع سلامت نیز مطرح شده است.
- ۶- فقط از شهدای ایرانی یاد نشده بلکه از شهدای فلسطین، لبنان، افغانستان، مصر وسایر کشورها حتی شهیدی از فرانسه، یاد شده است.
- ۷- تنها از شهیدان خاطره مطرح نشده بلکه از رزمندگان جانباز نیز خاطراتی مطرح شده که مقام معظم رهبری ^(مدظله العالی) در باره جانبازان فرمودند: همه ما از جنگ فارغ شدیم، اما این جانباز است که تا آخر عمرش از جنگ فارغ نخواهد شد. وزنه ایثار هفتاد درصد به بالا، به تعبیری سنگین تر از از مسئله شهادت است. (در دیدار با تعدادی از جانبازان در ۱۳۹۰/۷/۶).
- ۸- خاطرات این کتاب هم برای رزمندگان وروایتگران دفاع مقدّس مفید و یادآور آن دوران با عظمت است و هم برای نسل جوان ومردمی که در دفاع مقدّس شرکت نداشتند، مثمرتر است، تاقدیر شهدا وخانواده‌های شهدا و امنیّت کنونی را بیشتر بدانند و همگی آمادگی لازم را برای دفاع جنگ نرم وسخت دشمن پیدا کنیم. (انشالله).
- ۹- برای نوشتن این خاطرات هم از مصاحبه شفاهی عزیزان رزمنده بهره گرفته شد و هم ازسخنرانی‌ها، کتابها، مجلات و سایت‌ها استفاده گردید.
- ۱۰- برای استفاده راحت تر از این کتاب تصمیم شد در چند جلد با حجم مناسب مسابقه، این مجموعه انشالله به چاپ برسد.
- ۱۱- در کتاب اول این مجموعه تعداد ۱۱۰ حکایت، به برکت نام حضرت علی علیه‌السلام آمده است.



به طرزوت باران

۱۲- در پایان کتاب ۲۰ سوال تستی مطرح شد، تا سازمانها، ادارات و کانونهای فرهنگی با برگزاری مسابقه بتوانند، مردم و جوانان عزیز را بیشتر با مسائل معنوی شهدا و رزمندگان آشنا سازند.

لازم به ذکر است: اهداء جوایز به عهده سازمان، اداره و کانون برگزار کننده مسابقه می باشد.

از همه عزیزان رزمنده و عموم مردم گرامی، خواهشمندم با پیشنهادات و انتقادات سازنده خود، بنده رادر ارائه هرچه بهتر این مجموعه کتاب، بهره مند سازند. باتشکر.

شماره تماس: ۰۹۱۳۳۱۶۶۸۸۳

حمید رضا پورقریان

hpg.yaali@gmail.com



امام خمینی (ره)

* از مجاهدینی که سنگرهای نبرد را تبدیل به مساجد و میدان‌های جهاد را با بانگ تکبیر مهبط ملائکهٔ الله نمودند، چگونه سخن توان گفت؟!
* خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۲)

* ما شروع کننده‌ی جنگ نبوده‌ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده‌ایم و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله‌ی جهان‌خواران بوده است.

(دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی ره، ص ۱۱۱)

* خطاب به روحانیون می‌فرمایند: هفتاد سال عبادت کردید، خدا قبول کند، ولی بروید یکی از وصیت‌نامه‌های شهدا را بخوانید. این هار هفتاد ساله‌ی ما را یک شبه طی کردند.

(سایت: پایگاه خبری دیار آفتاب)

* ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. «

(نامه اسفندماه ۱۳۶۷ خود به روحانیت سراسر کشور)



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

*دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر ایثار و از خود گذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.

(۱۳۸۸/۶/۲۴)

*من مشتاقم که جوان‌های ما قصه جنگ تحمیلی هشت ساله را بدانند که چه بود..... یک نگاه کلان به این هشت سال، با اطلاع از جزئیاتی که وجود داشته است، خیلی برای برنامه ریزی آینده ی جوان در روزگار ما مهم است.

(۱۳۸۷/۸/۸)

*من توصیه می‌کنم این کتابهایی که در شرح حال سرداران است.... را جوانها بخوانند.

(۱۳۸۷/۲/۱۴)

*اکثر این جوانهایی که در جنگ نقش‌های موثر ایفا کردند، از قبیل همین دانشجوها بودند و خیلی هایشان هم جزو نخبه‌ها بودند.

(۱۳۸۳/۷/۵)

*خاطرات جنگ گنجینه‌ی تمام نشدنی برای آیندگان است.
*این جنگ یک گنج است، آیا ما خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم؟
این هنر ماست که بتوانیم استخراج کنیم.

(۱۳۷۰/۴/۲۵)



* امروز، فضیلت زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از خود شهادت نیست.

(۱۳۹۹/۱۱/۱۲)

* یاد دوران دفاع مقدّس را نگذارید از یادها برود.

(۱۳۹۳/۱/۶)

* عزیزان من! آنچه که این قضیه را تمام می‌کند، این است که روایت این حادثه به‌درستی صورت گیرد. نقش شما این‌جا معلوم می‌شود. اگر این حادثه بزرگ، درست روایت شود، این اثرات ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود، یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد. نه این که به کلی از بین برود؛ لیکن بسیار کم خواهد شد. اگر خدای نکرده مغرضانه روایت شود، قضیه بعکس خواهد شد.

(۱۳۷۹/۷/۶)

بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدّس



۱. من نزدم، خدا زد!

حسینعلی محمّدی

سال ۱۳۶۱، منطقه پاسگاه زید، من در لشکر ۳۰ زرهی (که بعداً لشکر زرهی ۲۸ صفر نام گرفت) بودم.

عراقی‌ها با تانک پاتک کردند. یکی از بسیجی‌ها که من او را نمی‌شناختم با آر. پی. جی. یک تانک عراقی را هدف قرار داد. پس از منهدم کردن تانک، پرید بالا و آر. پی. جی. را بالای سرش به حرکت درآورده و چند بار بلند فریاد زد «تانک را زدم، تانک را زدم»؛ ناگهان ساکت شد و گویا از گفته خود پشیمان گردید، آر. پی. جی. را روی زمین انداخت و بلند چند بار فریاد زد: «من نزدم، خدا زد. من نزدم، خدا زد، من نزدم خدا زد».

در همین حین گلوله تویی در کنارمان به زمین خورد، همه درازکش شدیم. بعد از اینکه گرد و غبارش برطرف شد، از یکدیگر جویای سلامتی شدیم، معلوم شد تنها همان بسیجی ترکش خورده و به شهادت رسیده است!!



تحلیل و نتیجه:

گویا او به آیه (وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...)^۱ اشاره کرد و گویا خداوند به او فرمود اکنون خالص شدی، بیا در بزم جانانه ما "شهادت" نتیجه‌ای که برای من و تو دارد ای هوشیار، هرچه هستی، و هرکه هستی و به هرکجا رسیدی [مثلاً شدی نفر اول المپیاد ریاضی در جهان] نگو «من» بگو: «بحول الله و قوته». یعنی دست قدرتمند حق تعالی را در تمام موفقیت‌هایت بالای دست خود بدان و اصل موفقیت خودت را نیز از جانب او به حساب آور.



۲. دو نیمه سیب

یکی از رزمندگان

در منطقه علمیات فاو و در خط مقدم، بیرون از سنگر، شهید غلامعلی آخوندی که پیرمرد ۶۰ ساله از روستای باباعرب جهرم و مسئول تدارکاتی گردان فاطمة الزهرا (س) از لشکر المهدی (عج) بود ایستاده بودیم. در کنار ما برادران دیگری از جمله: مسیح کریمی و محمد دودمان بودند، شهید غلامعلی آخوندی بین برادران در حالی که کهنوت سن داشت ولی بسیار شوخ بود، سببی در دست او بود، رو به بچه‌های رزمنده کرد و در حالی که لبخندی بر لب داشت گفت: بچه‌ها من نصف این سیب را هم اکنون می‌خورم ولی نصف دیگر آنها از دست حورالعین در بهشت خواهم خورد. به او خندیدیم و گمان کردیم مثل همیشه با ما شوخی می‌کند. هنگام نماز ظهر بود. آماده نماز شدیم؛ ناگهان صدای سوت خمپاره‌ای به گوش رسید. همه زمین گیر شدیم. تنها کسی که با ترکش خمپاره شهید شده بود، شهید غلامعلی آخوندی بود. مقداری سیب در دهانش بود و در دست او نیمی از سیب وجود داشت!!

تحلیل و نتیجه:

بر اثر اخلاص و مبارزه با نفس افراد مومن بجایی می‌رسند که اگر خداوند صلاح بداند، زمان مرگ یا شهادت آنها را به ایشان الهام می‌نماید!



۳. عمل به تکلیف

حسین (غلامرضا) سالمی

می گفت: دوست دارم شهادت در حال سجده باشد. یکی از دوستانش می گفت: در حال عکس گرفتن بودم که دیدم، یک نفر به حالت سجده، پیشانی بر خاک گذاشته است. فکر کردم نماز می خواند، اما دیدم هوا کاملاً روشن است و وقت نماز گذشته، همه تجهیزات نظامی را هم با خود دارد. جلو رفتم، تادر همین حالت از او عکس بگیرم. دستم را روی کتفش گذاشتم، به پهلو افتاد. دیدم گلوله ای از پشت به او اصابت کرده و به قلبش رسیده، آرام بود، انگار در این دنیا دیگر کاری نداشت. صورتش را که دیدم، زانوهایم سست شد، روی زمین نشستم، با خود گفتم این که «یوسف شریف» است. آدم عجیبی بود. برای همه ثابت شده بود که احساس تکلیف می کند و از سرهمان احساس تکلیف هم جبهه حاضر شده بود. یک روز می گفت: فردای قیامت از ما نمی پرسند چرا بغداد را نگرفتید؟ چرا بصره را نگرفتید؟ می پرسند به تکلیفتان عمل کردید یا نه؟

تحلیل و نتیجه:

انسان باید در هر حال برمدار تکلیفش شرعی عمل کند و وقتی که به انجام یا ترک فعلی موظف شد بنا بر تکلیف عمل نماید، خواه به نتیجه نایل شود یا نشود. هیچ گاه علم مکلف به عدم حصول نتیجه ظاهری رافع تکلیف نیست تاچه رسد به ظن و شک نسبت به آن.

۱- جاده‌های بهشتی، سالمی، غلامرضا، ص، ۲۱.



حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: همه ما مامور به تکلیف ایم نه مامور به نتیجه^۱.

رزمندگان عزیز ما از جمله شهید والامقام «یوسف شریف» براساس عمل به تکلیف شرعی در جبهه‌های حق علیه باطل حضور پیدانمودند و مامور انجام به وظیفه شرعی بودند نه مامور به نتیجه. یعنی اگر در این راه به پیروزی ظاهری می‌رسیدند و دشمن را شکست می‌دادند مثل عملیات بیت المقدس، آزادسازی خرمشهر، پیروز ورستکار بودند و اگر در عملیاتی مثل کربلای چهار به ظاهر شکست می‌خوردند و شهدای بسیاری می‌دادند، باز پیروز ورستگار بودند، زیرا عمل به تکلیف شرعی نموده بودند.

۱-سایت پرتال امام خمینی (ره)



۴. طلبیده شده‌ی الهی

محمدعلی فلاحی

در عملیات خبیر من گردان امام حسن علیه السلام بودم.

یکی از رزمندگان به نام «شهید حمزه بهرامی» برای من تعریف کرد. من در گردان ابوالفضل لشکر امام حسین علیه السلام بودم. پاسگاه زید بود. در حال پدافندی تعدادی رزمنده دور هم بودیم. یک گلوله خمپاره صدای سوت آن آمد همه روی زمین درازکش کردیم، من افتادم روی یکی از رزمندگان. خمپاره بین ما به زمین خورد، وقتی بلند شدیم از همدیگر سراغ گرفتیم، تعجب کردم زیرا تنها کسی که به پهلویش ترکش خورده بود و شهید شده بود، کسی بود که من رویش افتاده بودم. از زیر بدن من پهلویش ترکش خورده بود و شهید شده بود، خدا او را طلبیده بود!

تحلیل و نتیجه:

وقتی کسی برای شهادت طلبیده شده باشد، چیزی مانع از رسیدن این فیض بر آن شخص نیست! و شهید از جمله اولین افرادی است که وارد بهشت می‌شود. از امام رضا علیه السلام از پدراناش نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الشَّهِيدُ ...». ^۱ «نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود شهید است ...».

۱- الحکم الزهره، ص ۳۵۲، ح ۹۱۲، به نقل از بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۲.



۵. خدمت به دیگران

مرحوم محمدرضا جعفری

سال ۱۳۶۲ من به طور بسیجی در خدمات برق لشکر امام حسین علیه السلام شهرک دارخوین بودم. شبی در موقعیت عرب بودم. ساعت از ۱۲ شب گذشته بود. سردار شهید حاج اکبر آقابابایی را دیدم که پشت سنگر نشسته بود و یک جفت پوتین را واکس می‌زد؛ اما از دستهای او که خیلی از واکس سیاه شده بود معلوم بود که تنها همین یک جفت پوتین را واکس نزده است. خیلی صبر کرد تا من بروم. من رفتم پشت تانکر آب پنهان شدم تا سر از کار او درآورم دیدم او می‌رود ۵ یا ۶ جفت پوتین از جلوی سنگرها می‌آورد، واکس می‌زند، می‌برد سر جایش می‌گذارد و دومرتبه این کار را تکرار می‌کند. حدود ۳۰۰ جفت پوتین جلوی سنگرها بود او به کار خود ادامه می‌داد. من حدود یک ساعت بود که کار او را مشاهده می‌کردم. دیگر خسته شدم. به سوی سنگرم به راه افتادم و با خود می‌گفتم: «واقعاً چنین افرادی لیاقت فرمانده گردانی و تپیی را دارند»، صبح که شد تمام پوتین‌ها را شبانه واکس زده بود!

تحلیل و نتیجه:

افرادی که مؤمنین را یاری می‌کنند، برگزیدگان یاران ائمه اطهار (علیهم السلام)

هستند!!

امام صادق علیه السلام فرمودند: «... یکی از اعمال صالح، نیکی کردن به برادران و تلاش برای برآوردن نیازهای آنان است، که این کار بینی شیطان را به خاک می‌مالد و دوری از آتش دوزخ و داخل بهشت شدن است. [به راوی گفتند:]



آنچه گفتم به دوستان برگزیده‌ات بگو. راوی می‌گوید: گفتم دوستان برگزیده‌ام کیستند؟ فرمود: آنان یاری‌کنندگان به برادرانشان در سختی و آسانی‌اند.^۱

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۲.



۶. عشق و ایثار سید حسین واعظی

آقای دکتر سید حسین واعظی می گوید: در عملیات خیر طلایه دیده بان بودم. عراق آتش سنگینی می ریخت که باعث شده بود تعداد زیادی از رزمندگان شهید و زخمی شوند. حدود ساعت ۵ عصر بود که دستور عقب نشینی آمد و عراق به طور گزانبری با تانکها و نیروی پیاده خود جاده طلایه را داشت تصرف می کرد. از بس زخمی زیاد بود آمبولانسها جا نداشت. برخی از آنها هم گلوله توپ خورده بودند و سوخته بودند؛ لذا تویوتا‌های وانت در مسیر افراد زخمی را در پشت ماشین سوار می کردند. من با چند تن از دوستان در حال بازگشت پیرمردی را دیدیم که زخمی شده بود و خون زیادی از بدنش رفته بود. من و یکی دیگر از هم‌رزمانم از تویوتا پریدیم پایین. او رو به قبله در حال مناجات با خدا بود و اصلاً به ما توجهی نکرد!

جلو رفتیم. سلام کردیم. جواب سلام داد. گفتیم پدرجان دستت را به ما بده تا شما را سوار ماشین کنیم. با دست اشاره کرد، نه بروید. گفتیم پدرجان مگر متوجه نیستی خون زیادی از شما رفته و عراقی‌ها در حال آمدن هستند. ذکر و مناجات خود با خدا را قطع کرد و گفت: «بروید مجروحین دیگر جوان‌تر از من هستند. آنها را ببرید. من دیگر عمر خود را کرده‌ام». هرچه اصرار کردیم، فایده نداشت. سوار تویوتا شدیم و از او دور شدیم و او همچنان در حال مناجات با خدا بود و ما متحیر از ایثار او بودیم!!



تحلیل و نتیجه:

ایثار و از خود گذشتگی از نشانه‌های بزرگواری مردان خداست و ایثار برترین عبادت و والاترین بزرگی است!

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «عِنْدَ الْإِيثارِ عَلَى النَّفْسِ تَبَيَّنَ جَواهُرُ الْكُرماءِ»^۱. «هنگام ایثار و مقدم انداختن دیگران بر خود، جوهره‌ی بزرگان بروز می‌کند.»
و فرمودند: «الْإِيثارُ أَفْضَلُ عِبادةٍ وَ أَجَلُّ سِياذَةٍ»^۲. «ایثار، برترین عبادت و والاترین بزرگی است.»

بعضی از رزمندان دارای چنان روح بزرگی بودند که در هنگام خطر جان خود را فدای دیگر رزمندگان می‌نمودند! زیرا این کار را از برترین عبادات در راه خدا می‌دانستند! و این کار آنها نشانگر بزرگی و عظمت روح الهی آنان بود.

۱- بهشت اخلاق، ج ۲، ص ۴۳۹، از غرر الحکم، ح ۶۲۲۶.

۲- همان، از غرر الحکم، ح ۱۱۴۸.



۷. اوج عدالت

مرحوم محمدرضا جعفری

در سال ۱۳۶۳ در خدمات برق لشکر امام حسین علیه السلام در شهرک دارخوین بسیجی بودم. یک روز از محوطه فرماندهی ستاد لشکر عبور می کردم. فرمانده لشکر حاج حسین خرازی را دیدم که در حال شستن لباسهایش بود، در آن زمان یک دست خود را در عملیات خیبر از دست داده بود، لذا وقتی می خواست آب لباس را بعد از شستشو بگیرد یک طرف لباس را زیر پا می گذاشت، روی سنگ تمیزی که قبلاً آن را شسته بود و با یک دست آن را می پیچاند تا آب اضافی آن خارج گردد.

جلو دویدم و هرچه اصرار کردم که اجازه بدهید من لباس های شما را بشویم قبول نکرد. به ایشان گفتم، ماشین لباسشویی از کارمندان انرژی اتمی از قبل در شهرک وجود دارد، اجازه بدهید یکی از آنها را برای شما بیاورم و نصب کنم. گفت هر وقت توانستید برای همه گردانها نیروی پیاده لشکر لباسشویی بگذارید، بعد برای اطاق فرماندهی هم بیاورید. هرچه او را قسم دادم و گفتم شما یک دست دارید و فرمانده هستید و وقت شما کم است و... شما به این ماشین بیشتر از سایرین نیاز دارید، به من نگاه تندی کرد و به هیچ وجه قبول نکرد و گفت همان که گفتم!



تحلیل و نتیجه:

فرماندهان دفاع مقدّس با رعایت عدالت از توانگرترین افراد بودند چون آنها مستغرق در رحمت الهی بودند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْعَدْلُ أَعْنَى الْغِنَاءِ»^۱. «عدل توانگرترین توانگریست».

و فرمود: «هرکه در شهرها عدالت ورزد، خدا رحمت خود را بر او انتشار

دهد».^۲

۱- شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۸۶.

۲- همان، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۸۶۳۸.



۸. اهمیت عاقبت به خیری

اصغر محسنی

آقای اصغر محسنی بیان می‌کند یکی از اساتید دوره عقیدتی سیاسی سپاه قم از قول سرلشکر شهید حاج احمد کاظمی نقل می‌کند که ایشان گفته بود: وقتی یکی از شهدا را برای به خاک سپاری آوردند و می‌خواستند او را در قبر قرار دهند، یکی از نزدیک مشاهده می‌کند، پلاستیکی که روی این شهید کشیده شده، جای تنفس بر روی آن است. می‌گوید گویا این شهید تنفس کرده است.

دیگران می‌گویند این چند روز در سردخانه بوده و این پلاستیک عرق کرده. او می‌گوید: حالا شما یک پزشک بیاورید تا مطمئن شویم. پزشک می‌آید: احتمال تنفس شهید را می‌دهد و اینکه ممکن است زنده باشد. او را به بیمارستان انتقال می‌دهند و شوک می‌دهند، شهید زنده می‌شود و به جامعه برمی‌گردد و به زندگی ادامه می‌دهد. ولی متأسفانه به سوی گناه روی می‌آورد. چهار مرتبه دستگیر می‌شود؛ تا اینکه مرتبه چهارم، قاضی حکم اعدام او را می‌دهد و پس از اعدام در همان قبرستان در قسمتی که غیر قطعه‌ی شهدا، به خاک سپرده می‌شود!!

تحلیل و نتیجه:

سرلشکر شهید حاج احمد کاظمی این را نقل می‌کند و می‌گوید: ما تا آخرین لحظه از حیات عمرمان در معرض امتحان خداوند هستیم و عاقبت به خیری بسیار مهم است.



شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین دعاها، طلب عاقبت به خیری است و لذا در دعاها وارد شده است از آن جمله:

«وَاجْعَلْ خَيْرَ الْعَوَاقِبِ عَاقِبَتِي» «عاقبت من را بهترین عاقبت قرار بده».^۱

۱- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه ائمه المؤمنین.



۹. آگاه بودن شهید!

اصغر محسنی

در سال ۱۳۸۶، که مقام معظم رهبری به همدان تشریف بردند و گروه‌های مختلفی با ایشان دیدار داشتند، از جمله خانواده شهید بودند که به یکی از دختران شهید کارت ملاقات نمی‌رسد و او هرچه تلاش می‌کند، موفق نمی‌شود که کارت ملاقات برای جلسه بدست آورند. ناراحت می‌شود و خیلی از این بابت غصه می‌خورد. شب آن روز پدرش را در خواب می‌بیند، به او می‌گوید من موفق به دریافت کارت و دیدار مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) نشدم. پدرش در خواب به دخترش می‌گوید فردا بر سر مزار من بیا. دختر بر سر قبر پدرش می‌رود؛ در حال خواندن حمد و سوره و قرآن بوده که متوجه می‌شود کسی بر سر مزار پدرش آمد. سر خود را بالا می‌برد، مشاهده می‌کند مقام معظم رهبری تشریف آورده‌اند. با خوشحالی ایشان را ملاقات و حرفهای دلش را برای او می‌زند.

تحلیل و نتیجه:

به کسی که در راه خدا کشته می‌شود، شهید گویند چون او در دنیا بر ما شاهد است و در قیامت نیز از گواهان و شاهدان قیامت است. قرآن کریم در زنده بودن شهید می‌گوید: «(وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا، بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)» (ای پیامبر) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند»



۱۰. خبر شهادت! حمیدرضا پورقربان

من روز جمعه ۸۹/۴/۱۸ در همایش شهدای سرزمین مجاهدت‌های خاموش که در اردوگاه تفریحی درجه برگزار شد، شرکت کردم. حجت الاسلام حاج آقا سید علی محمد فلسفی از روحانیون فعال در کردستان ضمن سخنرانی فرمودند: قبل از عملیات کربلای ۵ خواب شهید افیونی و شهید هشتمردی را دیدم، گفتند: در این عملیات ما هم می‌آییم؛ ولی حاج حسین خرازی را با خود می‌بریم. من با حال نگرانی از خواب بیدار شدم، فردای آن شب حاج حسین خرازی را دیدم، می‌خواستم خواب را تعریف کنم و بگویم که در این عملیات ممکن است برای شما اتفاقی بیفتد (و یا شهید می‌شوید) اما خودنگهداری کردم، حاج حسین خرازی رو به من کرد، لبخندی زد و گفت: می‌خواهی بگویی در این عملیات شهید می‌شوم، این را من خودم می‌دانم!!

حاج احمد کاظمی می‌گوید:

عملیات کربلای ۵ رو به پایان بود. من به سنگر حاج حسین خرازی رفتم تا با هم به جلسه قرارگاه برویم. من جیب می‌راندم و ایشان بغل دست من نشسته بود. به من نزدیک شد و دستش را روی شانهام گذاشت و گفت: احمد من آماده‌ام و هیچ کاری ندارم. همین دوسه روز شهید می‌شوم. از این روشن‌تر و واضح‌تر نمی‌توانست خبر بدهد و همین هم شد.^۱

۱- چلچراغ، نصرالله شکل آبادی، ص ۶۰



به طرزوت باران

روح ایشار و عشق و سربازی
ثبت و ضبط است نام خرازی^۱

در مقام جهاد و جانبازی
تا ابد زیب صفحه تاریخ

تحلیل و نتیجه:

اگرچه خواب حجت نیست، اما مؤید است. لذا در تقسیم‌بندی خوابها ما خواب‌های حقیقی هم داریم. قبلاً نیز اشاره شد که بر اثر اخلاص در بندگی و جهاد خالصانه در راه خدا، خدای متعال زمان شهادت برخی از رزمندگان را به آنان الهام می‌فرماید!

۱- مصطفی هادوی (شهیر اصفهانی)، از هر چمن گلی، ص ۱۸۰



۱۱. توجّه ویژه به خط اول

مرحوم محمّد رضا جعفری

سال ۱۳۶۳، منطقه هورالعظیم، جاده خندق، یکی از گردانهای لشکر امام حسین علیه السلام جاده خندق در اختیارشان بود. عراق هم روی این جاده آتش زیادی می ریخت. هوا بسیار گرم بود و نیروهای این جاده خیلی اذیت می شدند. حاج حسین خرازی دستور داد هر روز نیروهای این جاده و خط اول را چلوکباب و چلومرغ بدهند.

تحلیل و نتیجه:

در این لشکر بین بسیجی ها معروف بود که با یکدیگر می گفتند حاج حسین خرازی دستور داده است که خط اول را چلوکباب یا چلومرغ و بهترین غذا را بدهند، گروه پشتیبانی غذایش چلو خورشت باشد و در موقعیت غذا چلو ساجمه (منظور پلو عدس) باشد.

عدالت فرماندهان این چنین حکم می کرد که هرچه رزمندگان در سختی و تلاش بیشتری، مثل خط اول هستند، امکانات بهتری داشته باشند.

چون فرماندهان دفاع مقدّس دارای کرامت بودند و فوز و رستگاری دنیا و آخرت را در رعایت نمودند عدالت می دانستند. همانگونه که علی علیه السلام می فرماید: «الْعَدْلُ قُوْزٌ وَ كِرَامَةٌ»^۱ «عدل رستگاری و کرامت است».

۱- شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۷۹.



۱۲. ستارالعیوب بودن خداوند حجت الاسلام حمیدرضا احمدی

سال اول طلبگی من ۱۳۷۳ بود. آیت‌الله عبودیت درباره ستارالعیوبی خداوند سخن می‌فرمودند که: زمان طاغوت شخصی بود لات و روی سینه خود عکس زشتی را خال کوبی کرده بود. انقلاب که شد متحول گردید و توبه کرد و اهل مسجد و نماز و راهپیمایی شد؛ تا اینکه انقلاب پیروز شد و پس از مدتی جنگ علیه ایران آغاز گردید. او هم از طریق بسیج به جبهه رفت و حسابی متحول شد و به دوستان صمیمی خود می‌گفت از شهادت هیچ باکی ندارم، ولی تمام غصه من این است که اگر شهید شوم و وقت غسل و کفن این خال کوبی ناجور دیده شود آبرویم خواهد رفت. او در یکی از علمیات‌ها به شهادت می‌رسد. دوستان صمیمی او نگران این مسئله بودند و خود را بالای جسد این شهید می‌رسانند با تعجب مشاهده می‌کنند که سینه او چنان ترکش خورده است که اثری از آن خال کوبی بجای نمانده است، همگی به ستاریت حضرت حق عزوجل اعتراف می‌کنند و خدا را شکر می‌نمایند.

تحلیل و نتیجه:

خداوند ستارالعیوب است و در دعاهای مختلفی این صفت باری تعالی مطرح شده است. در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: «یا سائرَ کُلِّ مَعْيُوبٍ» (ای پوشاننده همه عیب‌ها). و در فراز دیگر این دعا آمده است: «یا سَتَّارَ الْعُيُوبِ» (ای پرده‌پوش عیب‌ها). در دعاهای دیگر مثل دعای کمیل و سایر ادعیه ستارالعیوب بودن خداوند مطرح است و خداوند در این حکایت عیب بنده‌اش که به سویش توبه و هجرت و جهاد کرده و به شهادت رسیده را پوشانده است.



۱۳. به دست خدا بودن عزت و ذلت

مسعود خیّام

سال ۱۳۵۳، تهران ازدواج کردم؛ با اینکه اهل اصفهان بودم. راننده پایه یک بودم و مرتب به جبهه بعنوان راننده ماشین سنگین مأموریت می‌رفتم. خانم من زیاد مؤمن نبود و چون دو بچه داشتیم یکی دختر و دیگری پسر، مرتب به من اعتراض می‌کرد که چرا زیاد به جبهه می‌روی و بار زندگی و این دو فرزند را به دوش من انداخته‌ای. هرچه به او می‌گفتم کشور ما مورد هجوم دشمن است، من برای کشور و اسلام می‌روم، قانع نمی‌شود؛ تا اینکه خواهر و برادران عیالم به آلمان رفتند و مرتب نامه می‌دادند و عکس ارسال می‌کردند و تلفن می‌زدند و همسرم را تحریک می‌کردند که به اتفاق شوهر و فرزندان به آلمان بیا.

همسر بنده هم پا توی یک کفش کرد که بایستی برویم آلمان و الا طلاق مرا بده من خودم به تنهایی می‌روم. من قبول نمی‌کردم. چندین سال گذشت. فرزندانم بزرگ شدند و همسرم چند بار علیه من به دادگاه شکایت کرد و به دروغ می‌گفت نفقه نمی‌دهد و مرا می‌زند. خلاصه به او گفتم من آلمان نمی‌آیم و حاضرم توالت‌های مملکت خودم را بشویم ولی به کشور بیگانه نیایم که زیر بار خارجی بروم و اختیار تو را از دست بدهم و بتوانی آنجا به راحتی علیه من اقدام کنی و طلاق بگیری.

خلاصه همسرم مرا مجبور کرد او را طلاق دهم. سه روز مانده به عقد دخترم بود، هرچه گریه کردم لااقل سه روز صبر کن عقد بشود، قبول نکرد، طلاق گرفت.



من گریه کنان چند خیابان تهران را طی کرده بودم، ناگهان به شاه عبدالعظیم رسیدم. رفتم زیارت. وقت وضو خیلی گریه می کردم و به یاد سخنان زنم به هنگام طلاق افتادم که می گفت دیگه سگ هم به تو زن نمی دهد و تو باید بروی زیر پل سید خندان چادر بزنی. گریه می کردم و می گفتم خدایا با این دو فرزند بدون مادر چه کنم؟! کسی سراغ من آمد و گفت: «هر مشکلی داری خدا هست». این سخن او قوت قلبی به من داد. من آمدم اصفهان، دخترم ازدواج کرد و خوشبخت شد و پسرم فوق لیسانس زبان گرفت و استاد دانشگاه شد. خانه بزرگ و خوبی خریدم و با زن مؤمنه‌ای ازدواج کردم و زندگی شاد و پراز امیدوی پیدا کردم.

اما زنم که طلاق گرفت، هرچه کرد آلمان برود، برادر و خواهرش برای او دعوت نامه از آلمان ندادند و گفتند تو به شوهر و فرزندان وفا نکردی، ما نگفتیم تو طلاق بگیر و با او قطع رابطه کردند. غمگین و تنها شد، حتی اقوام و دوستانش او را رها کردند و مجبور شد در یک مهد کودک ۴۰ بچه را تر و خشک کند، کسی که حاضر نشد دو بچه خودش را نگهداری کند!

وقتی برای مراسم عروسی پسرم از تهران آمد که افسردگی گرفته بود و وقتی دید یک ماشین بی. ام. و. و خانه بزرگ، زن و دو بچه از او دارم مرا در آشپزخانه صدا زد و گفت: من قباله همسرت را می دهم، او را طلاق بده، با من زندگی کن. گفتم: متأسفم من لباس و کفش نخریدم، بلکه ازدواج کرده‌ام و همسرم با تلخ و شیرین من ساخته است و زن مومنه و خوش اخلاقی است و من هرگز او را طلاق نمی دهم. خلاصه پاسخ بی وفایی اش را دیدم! و من نتیجه صبر و توکل به خدا و یاری حضرت حق را در زندگی ام مشاهده نمودم!



تحلیل و نتیجه:

طبق آیات و روایات، آدمی نتیجه عملش را در دنیا و آخرت می‌بیند. در سوره نجم آمده است: «وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» (و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست * و اینکه تلاش او به زودی دیده می‌شود).

مولوی هم می‌گوید:

این جهان کوهست و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا^۱
خلاصه اینکه در همین دنیا هم آدمی نتایج اعمال خوب و بدش را می‌بیند، چه رسد به جهان آخرت، که در قیامت نتیجه کامل اعمالش را خواهد دید.

۱- نجم / ۳۹ و ۴۰

۲. مولوی، جلال‌الدین محمد، دفتر اول، بیت ۲۶۵.



۱۴. ساده زیستی بستگان شهید

در فامیل پیچیده بود که عباس^۱ دو رشته قبول شده؛ پزشکی و خلبانی. همه فکر می‌کردند معلوم است کدام را انتخاب می‌کند؛ البته وقتی شنیدند خلبانی را ثبت‌نام کرده، تعجب نکردند؛ چون او همیشه کارهای عجیب و غریب می‌کرد. مدرسه که می‌رفت، خودکار و دفتر کم می‌آورد؛ نه اینکه گم کند، بذل و بخشش می‌کرد. مدتی صبح‌های زود از بالای دیوار می‌پرید در مدرسه تا به فراش مدرسه که کمردرد داشت کمک کند، و هزار کار دیگر که بزرگ‌تر از سَنَس بود.

وقتی رفت تهران برای ثبت‌نام و آموزش‌های اولیه، تیپ و قد و قواره‌اش به خلبانی می‌آمد. برای آموزش هواپیماهای جنگی او را فرستادند آمریکا؛ در آنجا پرونده‌اش پر بود از گزارش‌های رنگ و وارنگ: «پپسی نمی‌خورد؛ چون کارخانه‌اش مال اسرائیلی‌هاست. با هم‌دوره‌ای‌هایی که مشروب می‌خورند، حشر و نشر ندارد. نماز می‌خواند».

روزهای بهمن ۵۷، قصه جدیدی در زندگی‌اش آغاز شد. امام را که دیده بود، تا مدت‌ها احساس نوراقت می‌کرد. زمان جنگ فرمانده پایگاه اصفهان بود. مسئولیتش که بیشتر می‌شد، سادگی زندگی‌اش و کم‌توجهی‌اش به دنیا هم بیشتر می‌شد. گاهی جای سربازها بدون اینکه آنها بشناسند، پست می‌ایستاد تا مشکلاتشان را بفهمد. وقتی فهمید یکی از پرسنلش با هشت بچه در خانه‌ای

۱- شهید خلبان عباس بابایی.



کوچک زندگی می‌کند، خانه‌اش را به او داد و خانواده‌اش را به جای دیگری برد. هیچ چیز انگار تکانش نمی‌داد؛ حتی درجه سرتیپی. نوبت حج رفتنش بود. می‌گفت: «حجّ من این است که مواظب باشم نفت کش‌ها از خلیج فارس به سلامت بگذرند». اما این بار همسرش را هم راهی کردند تا راضی شود. دم رفتن، قول داد تا روز مراسم خودش را برساند. قول داد عید قربان را کنار همسرش باشد. فقط سفارش کرد که «آنجا از خدا صبر بخواه و طول عمر امام و تعجیل ظهور». روز عید قربان، سر ظهر وقتی از مأموریت برمی‌گشت، گلوله پدافند به دستش خورد و تا گردنش رفت؛ درست همان لحظه‌ای که خیلی‌ها او را در کنار چادر همسرش در عرفات دیدند!!^۱

تحلیل و نتیجه:

ایثار و از خود گذشتگی و مسئولیت‌پذیری در بین بسیاری از فرماندهان جنگ به چشم می‌خورد و از جمله در زندگی سرلشکر شهید خلبان عباس بابایی، نمونه‌های فراوانی دارد!

آری امثال شهید بابایی در راه دفاع از ملت مسلمان و انقلابی خود از لذات دنیا گذشتند! و از نظر پیامبر اکرم ﷺ از بهترین امت هستند که فرمود: «خَيْرُكُمْ الْمُدَافِعُ عَنْ عَشِيرَتِهِ مَا لَمْ يَأْتُمْ»^۲ (بهترین شما کسی است که از طایفه خود دفاع می‌کند به شرط آن که در این راه مرتکب گناه نشود). شهید عباس بابایی در ابعاد مختلف زندگی برای همه سودمند و دلسوز بود! از این نظر نیز او از بهترین مردم

۱- از نشریه المهدی (عج) - شماره پنجم، ۱۵ مرداد ۱۳۸۹، شهادت خلبان عباس بابایی (۱۳۶۶)

۲- نهج الفصاحه، ح ۱۵۱۹، ص ۳۱۸.



به طرزوت باران

بود که پیامبر ﷺ چنین افرادی را اینگونه توصیف نموده است: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ

لِلنَّاسِ» (بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد).^۱

در حدیث دیگری آمده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوال شد:

محبوبترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: «أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ»^۲ کسی که سودش

به مردم بیشتر باشد.

و فرمود: هر کس تجاوز آب و آتش را از گروهی از مسلمین بگرداند دور کند

بهشت برایش واجب می گردد.^۳

و فرمود: عابدترین مردم کسی است که نسبت به همه مسلمین خیرخواه تر و

پاکدل تر باشد.^۴

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: بر تو باد که برای خدا نسبت به مخلوقاتش

خیرخواه باشید که هرگز خدا را به عملی بهتر از آن ملاقات نمی کنی.^۵

۱- همان، ج ۱۵۰۰، ص ۳۱۵.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۹، ح ۷

۳- همان، ح ۸

۴- همان، ص ۲۳۸، ح ۲

۵- همان، ص ۲۳۹، ح ۳



۱۵. به دست خدا بودن حیات

محمدعلی فلاح

سال ۱۳۶۱، کردستان، محور صلوات آباد نزدیک سنندج بودیم. من نیروی پیاده گردان جندالله بودم. رئیس ما سردار شهید حسینعلی اکبری بود. پاسدار محمد محمدی فشارکی که همراه ما بود در درگیری با کومله و دموکرات سه عدد تیر ژ-۳. به صورت و گردن و فک او اصابت کرد و شهید شد. آن را به سنندج بیمارستان توحید بردیم و داخل سردخانه گذاشتیم. یک لحظه متوجه شدیم که بخاری از دهان و خارج شد. هرچند پزشکان او را متوفی و شهید اعلان کرده بودند، او را به اطاق احیا بردیم. بعد از ۴۵ روز به هوش آمد وزنده شد و هم اکنون هم او در قید حیات است و از بازنشستگان سپاه اصفهان می باشد.

تحلیل و نتیجه:

حیات و ممات به دست خداوند متعال است. در قرآن کریم آیات زیادی را به این مطلب اختصاص داده است از آن جمله:

(وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ...)^۱ (خداوند زنده می کند و می میراند).

همه چیز به دست خداست. پروین اعتصامی چه زیبا سروده است:

ما به دریا حکم طوفان می دهیم	ما به سیل و موج فرمان می دهیم
نقش هستی نقشی از ایوان ماست	خاک و باد و آب سرگردان ماست
ما بسی گم گشته باز آورده ایم	ما بسی بی توشه را پرورده ایم
میهمان ماست هرکس بی نواست	آشنا با ماست چون بی شناست ^۲

۱- آل عمران / ۱۵۶؛ و آیات اعراف / ۱۵۸، مؤمنون / ۸۰، دخان / ۸، حدید / ۲ و دخان در همین رابطه اند.

۲- گلوازه، مطهر، محمد، ج ۱، ص ۶.



۱۶. تأثیر کلام فرمانده

محمدعلی فلاحت

سال ۱۳۶۱، فرمانده گروهان از گردان جندالله بودم. هوا خیلی سرد بود و ارتفاعات پیرانشهر سردشت پوشیده از برف بود. با نیروهایم در عملیات پیرانشهر سردشت شرکت کرده بودیم. خیلی خسته به سنندج بازگشتیم، سردار شهید حاج اکبر آقابابایی فرمانده سپاه سنندج بود. به من گفتند حاجی تو را می خواهد. با خود گفتم، ای وای الان حاجی یک کاری برایم جور کرده و من با این خستگی که از عملیات آمدم نه خودم و نه نیروهایم حالش را نداریم که مأموریتی انجام دهیم.

با اخم‌های در هم سراغ سردار شهید حاج اکبر آقابابایی رفتم. حاج اکبر وقتی مرا با این حال دید گفت: یک خانواده پنج نفری شخصی با زن و بچه درجاده کامیاران به اسارت کومله درآمده، شما هم اصلاً ناراحت نباش اگر غیرت تو قبول می کند برو راحت بخواب.

تأثیر عجیبی کلام حاج اکبر رویم گذاشت که تمام خستگی و بی‌خوابی از تن و روحم بیرون برد. با روحیه‌ای بالا یک دسته از گروهانم انتخاب کردم. چون به منطقه اشراف داشتم، سریعاً وارد عمل شدم. افراد کومله که اقدام به این کار کرده بودند را دستگیر و خانواده پنج نفری را بحمدالله سالم آزاد کردیم.



تحلیل و نتیجه:

خدا غیرتمند است و انسان‌های غیرتمند را دوست دارد. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ الْغَيُورَ»^۱ غیرت رزمندگان ما از ایمان آنها سرچشمه می‌گرفت. چنانچه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «الغِيْرَةُ مِنَ الْاِيْمَانِ الْمَذَاءُ مِنَ التَّفَاقِ»^۲ (غیرتمندی از ایمان و بی بند و باری از نفاق است).

غیرتمندی از صفات الهی است و حق تعالی غیور است و به همین خاطر زشتی‌ها را حرام فرموده است:

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَغَيُورٌ، وَ لِأَجْلِ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِش»^۳

امیر سخن حضرت وصی مولا علی (علیه السلام) میوه شجاعت را غیرتمندی می‌دانند. لذا فرمودند: «تَمَرَةُ الشَّجَاعَةِ الْغَيْرَةُ»^۴

و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پدرم ابراهیم انسانی غیرتمند بود و من از او غیرتمند ترم.^۵

۱- نهج الفصاحه، ص ۱۴۳، ح ۷۰۶.

۲- همان، ص ۴۳۳، ح ۲۰۴۵.

۳- بهشت اخلاقی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱.

۴- همان، ح ۳.

۵- همان، ح ۵.



فواید و آثار غیرتمندی

- موجب حفاظت و صیانت از حقوق شخصی و خانوادگی و اجتماعی می شود.
- تقویت کننده روحیه مردانگی است.
- گسترش فضائل اخلاقی است.
- مانع نشر رذائل و زشتی ها است.
- موجب حفظ مرزهای دینی و حفظ سنت های ملی است.
- مانع نفوذ دشمن می باشد.
- رشد دهنده نهاد خانواده است.
- حفظ دین و نهادهای دینی را به همراه دارد.^۱

۱- بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۳۵۷



۱۷. اثر آیه‌الکرسی!

غلامرضا اکبرآبادی

یکی از خصوصیات رزمندگان ما این بود که در سختی‌های جنگ دلشان متوجه خدا بیشتر می‌شد و از جمله دعاهایی که ما را حفظ می‌کرد و اثرات معجزه‌آسایی از آن مشاهده می‌کردیم آیه‌الکرسی بود از جمله حوادثی که اثر معجزه‌آسای آیه‌الکرسی را دیدم در مقابل منطقه فاو، این طرف آب که منطقه و خاک خودمان بود، در منطقه خسروآباد، زاغه مهمات داشتیم. عراقیها زاغه مهمات ما را زدند. من و تعدادی از رزمندان با یک توپوتا به طرف فاو در حرکت بودیم. وقتی عراقیها زاغه مهمات را زدند، گلوله‌های کاتیوشا بود که در کنار ما زمین می‌خورد. ما اشهد خود را گفتیم و یکی از رزمندگان گفت: بگذار لا اقل اگر شهید می‌شویم با گلوله‌های خودمان شهید شویم. اطراف ما جهنم سوزانی از انفجار گلوله‌ها بود و ما مرتب آیه‌الکرسی می‌خواندیم. اما به برکت آثار شگفت‌انگیز آیه‌الکرسی بحمدالله هیچکدام از ما آسیبی ندیدیم و این حیرت‌انگیز بود و چیزی نبود مگر اثر آیه‌الکرسی!!

تحلیل و نتیجه:

«آیه‌الکرسی» از همان زمان نزولش جایگاه خاصی داشته است. پیامبر اکرم ﷺ

فرمودند: «(آیه‌الکرسی، عظیم‌ترین آیه است)».^۱

۱- آیه‌الکرسی کلید درهای بسته، ص ۸۹، به نقل از میزان، ج ۲، ص ۵۱۵.



آیه‌الکرسی را بعضی از روایات سید آیات برشمرده است.^۱
 آیه‌الکرسی دارای اثرات فراوانی است که از آن جمله این است که پیامبر اکرم
 ﷺ فرمودند: «هرکس آیه‌الکرسی را هر روز صبح بخواند و از خانه بیرون رود
 خداوند او را از جمیع بلاها حفظ می‌گرداند».^۲

اسم اعظم خداوند

حضرت صادق علیه السلام به اصحاب خود فرمودند: آیا می‌خواهید که اسم اعظم
 خداوند را بدانید؟ عرض کردند: آری.
 فرمودند: هر بار سوره حمد و توحید، انا انزلناه را با آیت الکرسی بخوانید اسم
 اعظم خداوند را به زبان آورده اید. و بعد از آن رو به قبله حاجت خود را از خداوند
 بخواهید برآورده می‌شود انشاءالله.^۳
 شیخ طوسی در کتاب آمالی خود آورده است که حضرت علی علیه السلام فرمودند:
 اگر بدانید این آیه (آیه الکرسی) چیست؟ و یا در این آیه چیست؟ در هیچ حالی
 آن را ترک نخواهید کرد.^۴

۱- همان، ص ۹۰، به نقل از: ریاض السالکین، ج ۷، ص ۴۲۶.

۲- همان، ص ۳۶، به نقل از: کتاب مد هامتان مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی.

۳- همان، ص ۳۴، از نسخه شفاء، ص ۸۰.

۴- همان، ص ۳۷، امالی شیخ صدوق.



۱۸. اثر آیه الکرسی!

حمیدرضا پورقربان

سال ۱۳۵۹ سرباز لشکر ۷۷ خراسان بودم و جنگ ایران و عراق آغاز شد. ما را به منطقه اسلام آباد و گیلان غرب بردند. عراقیها روی ارتفاعات تنگه جاجیان مسلط شده بودند. مدت یک هفته بود که لشکر ۷۷ خراسان و نیروهای بسیج بومی منطقه با عراقیها روی این ارتفاعات درگیر بودند. لازم بود مهمات به نیروهای ما برسد. منطقه کوهستانی بود و در دید دشمن، به همین خاطر ما تعداد زیادی شهید داده بودیم. فرمانده گردان گفت: یک راهنما می‌خواهم که کوهنورد باشد و بتواند این گروه را که بایستی به رزمندگان دیگر مهمات برساند هدایت کند. من داوطلب شدم و از داخل شیاری افراد با به بالای کوه بردم.

در مسیر، دیده‌بان عراقی ما را دید و با هدایت آتش او ما را گلوله‌باران کردند. همه زمین گیر شدیم. به طوری که تکه‌های ترکش به کلاه آهنی ما می‌خورد و قطعات سنگ بر ما می‌ریخت. نه رفتن ما ممکن بود و نه زمین گیر شدنمان؛ چون در هر دو صورت اطراف ما گلوله‌باران بود. من فریاد زدم آیه الکرسی بخوانید و خودم چند آیه الکرسی خواندم و زیر گلوله‌های فراوان دشمن که اگر ترکش آن به ما و مهمات ما می‌خورد تکه بزرگمان گوشمان بود، این اکیپ را بحمدالله به سلامت بالای ارتفاعات رساندم و مهمات را به رزمندگان دادیم و به برکت آیه الکرسی هیچ کس کوچکترین صدمه‌ای ندید!



تحلیل و نتیجه:

همان گونه که بیان شد آیه‌الکرسی دارای اثرات فراوانی است که از آن جمله در امان بودن از انواع بلاهاست که نمونه‌هایی از آن مطرح گردید و موارد آن بسیار زیاد است.

پیامبر اکرم ﷺ اثرات فراوانی برای تلاوت آیه‌الکرسی بیان فرموده‌اند که ۲۰ اثر آن را در حدیثی مطرح نموده‌اند که فهرست‌وار عبارتند از:

- ۱- ایمنی از وسوسه‌ی شیطان، ۲- روزی من لا یحتسب، ۳- ایمنی از فقر، ۴- محفوظ بودن از بلاها، ۵- حفاظت از دزد و ناامنی، ۶- صحت بدن، ۷- برکت در مال، ۸- دیدن جایگاه خود در بهشت (در صورتی که هر روز خوانده شود)، ۹- بازگشت به سلامتی از مسافرت، ۱۰- پیدا کردن چیز گم شده، ۱۱- چیز گم شده را خداوند به او متذکر می‌شود، ۱۲- حفاظت از فرزندان (به شرط اینکه همراه آنان آیه‌الکرسی باشد)، ۱۳- برطرف شدن تب، ۱۴- طلب مغفرت فرشتگان، ۱۵- محفوظ شدن از شر ظالمین، ۱۶- محفوظ شدن از بلاهای آسمانی و زمینی (مثل زلزله)، ۱۷- محفوظ شدن از وحشت (اگر ده بار خوانده شود)، ۱۸- برآورده شدن حاجت مهم (اگر ۱۲۰ بار خوانده شود)، ۱۹- ایجاد محبت بین مرد با همسرش، ۲۰- بدون عذاب دوزخ و قبر، بهشتی شدن (اگر بعد از نماز خوانده شود).^۱

آیت‌الله بهجت برای بطلان سحر و دفع چشم‌زخم خواندن «آیه‌الکرسی» و تکرار آن را توصیه نموده‌اند.^۲

۱- آیه‌الکرسی کلید درهای بسته، ص ۳۷ تا ۳۹، به نقل از کتاب: «مد هامتان» مرحوم شیخ علی اکبر نهانندی.
۲- همان، ص ۴.



آیت‌الله سیّد علی‌آقای قاضی می‌گوید: در تعقیب نماز تسبیح صدیقه کبری،
و آیه‌الکرسی ترک نشود.^۱

مرحوم آیت‌الله کشمیری فرمودند: روزی ۲۱ مرتبه خواندن آیه‌الکرسی برای
تقویت حافظه بسیار نافع است.^۲

خواندن آیت الکرسی بعد از نماز های یومیه

مرحوم آیت‌الله بهجت می‌فرماید: البته شاید آیت الکرسی برای تمام خطرها نافع
باشد و بعد از نمازهای یومیه خیلی فواید دارد.^۳

و می‌فرماید: برای سلامتی چشم بعد از نمازها آیت الکرسی خوانده شود.^۴
حاج آقا جواد رحیمی نیز بر خواندن آیت الکرسی بعد از نمازهای یومیه سفارش
اکید می‌فرمودند.^۵

ثواب آیت الکرسی بعد از وضو گرفتن

از حضرت امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که فرمودند: هر کس بعد از وضو
گرفتن یک بار آیت الکرسی را بخواند خداوند ثواب چهل سال عبادت را به او
می‌دهد و ۴۰ درجه را برایش بالا ببرد و ۴۰ حورالعین را به او تزریق کند.^۶

۱- همان، ص ۵.

۲- همان، ص ۲۱.

۳- همان، ص ۲۵، در محضر بهجت، ش ۹۸۹

۴- همان، ر.ک، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۶۷ و مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۶۶، باب ۲۱

۵- همان، ص ۲۷

۶- همان، ص ۳۵، از جامع الاخبار، ص ۴۵



۱۹. الهام قلبی

محمدعلی فلاحی

این داستان را بسیجی شهید اصغر مهر علیان برای من تعریف کرد که: در مهرماه ۱۳۶۱ در عملیات رمضان هنگام عقب‌نشینی در لشکر امام حسین علیه السلام بودم. در یکی از کانالها هندوانه آوردند. در آن هوای گرم خیلی می‌چسبید. تا آن را پاره کردند، گل هندوانه را به یک بسیجی دادند. او رو به من کرد و گفت آیا این گل هندوانه قسمت من هست که بخورم یا نه؟!

من تعجب کردم که او چه می‌گوید؛ ناگهان صدای سوت گلوله توپ آمد. همه درازکش شدیم. گلوله توپ بین ما خورد و گرد و غبار بپا خواست. وقتی گرد و غبار فرو نشست، مشاهده کردیم تنها کسی که بر اثر اصابت ترکش گلوله توپ شهید شده، همان بسیجی بود و گل هندوانه سالم روی سینه اوست، و قسمت او نشد که آن را بخورد!!

تحلیل و نتیجه:

قبلاً ذکر شد که در سایه‌ی عبادت خالصانه و ترک معصیت، خداوند حکیم زمان شهادت بعضی از رزمندگان را به آنها الهام می‌فرمود.



۲۰. سالم بودن بدن شهید!!

مادر شهید

مادر شهید محمدرضا شفیعی از شهر مقدس قم نقل می‌کند:

درب منزلمان را زدند و خبر دادند که بدن پسر شهیدم محمدرضا را بعد از ۱۶ سال شهادت صحیح و سالم آوردند. صدام دستور داده سه ماه بگذارند آن را در آفتاب گرم عراق بلکه از شناسایی بیفتد، اما آفتاب هیچ آسیبی به بدن او نرسانده بود!! بعد پودر آهکی رویش ریخته‌اند که اگر روی هر جسدی ریخته شود، پودر می‌شود و به هوا می‌رود، اما بر اثر آن پودر هم، بدن محمدرضا هیچ تغییری پیدا نکرده بود!!

خبر دادند، فردا صبح بیاید بهشت معصومه(س) او را ببینید. فردا صبح بهشت معصومه(س) رفتیم، تابوت را از سردخانه آوردند بیرون و درب تابوت را کنار زدند. یک پیچ روی سرش بود ما به او می‌گفتیم محمدرضا تو دو تازن می‌گیری دیدم پیچ به سرش هست، موها، ریش، بازو پرگوش، دهن، دماغ، همه سالم. نشستم حرف‌های دلم را با او زدم، یک پاسداری آمد گفت: مادر اگر اجازه بدهید محمدرضا را ببریم مصلی، بعد از نماز جمعه نماز به او بخوانیم. قبول کردم. او را مصلی بردند و نماز به او خواندند و ساعت ۲ بعد از ظهر او را تشییع کردند. من را به گلزار شهدا بردند. قبری که شانزده سال پیش برای محمدرضا خالی گذاشته بودند. خودم رفتم تو قبر نشستم که بدن محمدرضا را به دست خودم در قبر بگذارم. سرهنگ به من گفت اگر گفتمی چرا بدن محمدرضا بعد از ۱۶ سال به این



تمیزی و سالمی است؟! گفتم از بس بچه‌ام مؤمن و سالم و نماز اوّل وقت خوان بود. گفت بگذار من برایت بگویم من ۵ سال با او همسنگر در جبهه بودم. همیشه با وضو بود و نماز شب او ترک نمی‌شد. زیارت عاشورا خیلی می‌خواند، حتی بیشتر از ما زیارت عاشورا می‌خواند، گریه‌هایی که برای امام حسین علیه السلام می‌کرد به صورت و دستها و بدنش می‌مالید. آب کم بود، جمعه‌ها سهمیه آب خود را نمی‌خورد و غسل جمعه می‌کرد. گفت وقتی عراقی‌ها محمدرضا را سر مرز آوردند خودم تحویل گرفتم عراقیها گریه می‌کردند و می‌گفتند ما چه کسانی را شهید کردیم... گفتم: من که می‌گویم پسرم خیلی خوب بود، گفت: مادر اگر اجازه دهید من محمدرضا را در قبر بگذارم از قبر بیرون آمدم تا او پسرم را در قبر بگذارد. یک آقایی عرب مانند، پیراهن بلندی پوشیده بود، او مرا شناخت، من او را نشناختم، گفت مادر محمدرضا یک قدم بیا، جلو رفتم انگشتر عقیقی به من داد و گفت: بدن محمدرضا خیلی تبرک دارد، این انگشتر را بدهید به بدن او بمالند متبرک شود!

من انگشتر را به سرهنگ دادم، سرهنگ انگشتر را به زیر زبان، به چشم‌ها و بدن محمدرضا مالید و به من داد. من هرچه گشتم انگشتر را به آن آقا بدهم، دیگر آن را ندیدم!

این انگشتر نزد من ماند، افرادی که عقیده داشتند، تاکنون حدود ۶۰، ۷۰ نفر مریض را شفا داده است!!

الهی به حق پنج تن آل عبا، خدا حاجت همه را برآورده کند، همه عاقبت به خیر شوند. اسلام پیروز شود. ظلم سرنگون شود. بر محمد و آل محمد «صلوات».



تحلیل و نتیجه:

مواردی خدای مهربان بر مقتضای حکمت خود، دست قدرت خویش را به جهانیان نمایش می‌دهد، تا همه بدانند که همه چیز بدست ید قدرتمند اوست. موارد مختلفی داشته‌ایم که مثل علمای سلف که بعد از سالها بدن عالم ربانی بزرگواری سالم بوده است، ابدان مطهر شهداء نیز در مواردی پس از سالها، سالم بوده و تعجب همگان را برانگیخته است!! و شاید بتوان گفت همان‌گونه که حضرت امام خمینی: فرمودند: «برخی از رزمندگان ره صد ساله را یک شبه طی می‌کنند». بعضی از رزمندگان ما چنان خالص و عابد و تزکیه می‌شدند که پا به پای عالم ربانی از توفیقات آنها بهره‌مند می‌شدند.

از جمله علمایی که پس از ۹۰۰ سال بدنش سالم بود شیخ صدوق است^۱. کتاب اجساد جاویدان گزارش مستند ۱۳۶ تن از پیامبران، شهیدان، عالمان و صالحانی که پس از ده‌ها، صدها و احیاناً هزاران سال پیکر پاکشان تر و تازه پدیدار گشته است نوشته علی اکبر مهدی پور به همت انتشارات رسالت در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.^۲

در این کتاب نویسنده طبق روایات می‌نویسد: پیکر ده گروه در قبر نمی‌پوسد: جهادگران، اذان‌گویان، دانشمندان، حاملان قرآن، شهیدان، پیامبران و بانوانی که در حال زایمان بمیرند. کسانی که به ستم کشته شوند. آنان که روز جمعه بمیرند و کسانی که در شب جمعه بمیرند.^۳

۱- سایت خیرگزاری تسنیم از کتاب روضات الجنات خوانساری

۲- سایت خیرآنلاین

۳- همان، ص ۶۱



۲۱. بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت!!

حمیدرضا پورقربان

روز جمعه ۲۵ فروردین ۱۳۹۱، مراسم بیست و پنجمین سالگرد شهادت سردار محمدرضا مغزبان در منزل والدین او برگزار گردید. پدر شهید مغزبان در ضمن مطالبی پیرامون پسر شهیدشان گفتند:

یکی دو روز قبل از خبر شهادت محمدرضا، یک نفر از اقوام آمدند و گفتند: خبری از محمدرضا ندارید؟ من پرسیدم مگر خبری شده؟! گفت: نه! و رفت. روز دیگر مجدداً آمد و همان سؤال را تکرار کرد. من هرچه اصرار کردم خبر دارید؟! نگفت. تا اینکه جنازه محمدرضا را آوردند و فهمیدم شهید شده است. وقتی از آن فرد سؤال کردم شما خبر شهادت را می دانستید؟ گفت: دو روز قبل پدرت را خواب دیدم، و با کهولت سنی که داشت و از دنیا رفته بود، در خواب به من گفت: یک دست لباس سپاه برایم تهیه کنید، می خواهم به جنگ بروم! از او سؤال کردم: شما که مسن هستید؛ نمی توانید به جنگ بروید؟ گفت: من در اینجا دارای قدر و مقام بالایی هستم، اما محمدرضا را آوردند و به مقامات بالاتر بردند. من اینجا متوجه شده‌ام که مقام شهدا از همه برتر است. (و لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ).^۱

بعد پدر شهید مغزبان گفتند: پدرم اهل نماز شب بود و بسیار رعایت حلال و حرام می کرد و یک ریال حرام در زندگی او نبود و خمس مال خود را پرداخت

۱- آل عمران / ۱۶۹. «(ای پیامبر) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»



می نمود و با اخلاص مسجد بهشت را در خیابان آپادانای اصفهان ساخت. با این همه اوصاف، ایشان در برزخ دریافته بود که، مقام شهید بالاترین مقام است!!

تحلیل و نتیجه:

با شرافت‌ترین مرگ، شهادت در راه خداست. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ» (شهادت با شرافت‌ترین مرگ است) و باز حضرت ﷺ فرمودند: «فَوْقَ كُلِّ بَرٍّ حَتَّى يَقْتُلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ...»^۱ (بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا آدمی در راه خدا کشته شود، هرگاه در راه خدا کشته شود، بالاتر از آن، نیکی وجود ندارد).

حضرت علی علیه السلام ارزشمندترین مرگها را شهادت دانستند و می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ. وَ الَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ، لِأَلْفِ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مَيِّتَةٍ عَلَى الْفِرَاشِ»^۲

ارزشمندترین مرگها شهادت است. سوگند به آن کس که جانم به دست اوست هزار ضربت شمشیر برای من آسان تر از مردن در بستر است. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که در راه خدا کشته شود خداوند او را از هیچ یک از گناهانش آگاه نمی گرداند.^۳

۱- الحکم الزاهره، ص ۳۵۱، ح ۹۰۶.

۲- همان، ص ۳۵۱، ح ۹۰۴.

۳- همان، غررالحکم، ص ۲۵۰.

۴- همان، ص ۳۵۳ از مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۳.



۲۲. ترجیح دادن خدمت به شهادت!!

محمود نجیمی

آقای محمود نجیمی می گوید بعد از عملیات خیر از حاج حسین خرازی پرسیدم: وقتی مجروح شدی و دستت قطع شد و بیهوش شدی چه وضعیتی برایت پیش آمد؟ ابتدا از جواب دادن طفره می رفت ولی در آخر با اصرار زیاد من گفت: اگر قول بدهی تا زنده ام به کسی نگوئی برایت می گویم. وقتی دستم قطع شد و بیهوش شدم، ملائکه مرا به بالا بردند طوری که جزایر مجنون و منطقه طلائیه و حتی شلمچه و رودخانه اروند را زیر پای خود می دیدم. ملائکه به من گفتند: «می خواهی ترا به بالا و بهشت ببریم؟ به آنها گفتیم: نه می خواهم امام خود را یاری کنم و به محض گفتن این حرف به هوش آمدم.»^۱

تحلیل و نتیجه:

این مطلب بسیار مهمی است که حاج حسین خرازی که عمری عاشق شهادت بود، وقتی او را مخیر بین بهشت یا بازگشت در دنیا می کنند، یاری رساندن به امام؛ و رزمندگان را به شهادت ترجیح می دهد و خداوند او را به دنیا بازگردانید و خدمات خود را باز ادامه می دهد، اما نهایتاً خدای مهربان شهادت را که بهترین نوع مرگ است، نصیب او گردانید!!

۱- چلچراغ، شکل آبادی، نصرالله، ص ۷۶.



۲۳. هدایتگری شهدا!!!

وابستگان شهید

شهید سجاد ناجی اصفهانی دانشجو و طلبه که در عملیات کربلای ۵ در شلمچه به درجه رفیع شهادت رسید، اقوام او در شستن سنگ قبر او و آبیاری گلدان‌های مزارش از هم سبقت می‌جستند و برای اینکه این توفیق برای همگان باشد نوبت‌بندی کردند. روزی که نوبت یکی از اقوام بود وقتی به قبر شهید ناجی رسید، دید سنگ مزارش شسته شده و گل‌های گلدان‌های او آبیاری شده است. به سراغ اقوام آمد و شکایت و شکوه نمود که چه کسی از شما این کار را کرده است. آنها گفتند کار ما نبوده است. او تعجب کرد و روزی که نوبتش بود صبح زود به گلستان شهادت رفت و از دور قبر شهید سجاد ناجی را که در ردیف اول ضلع شرقی مرقد شهید شمس آبادی بود، زیر نظر گرفت.

ناگهان دید دختر خانمی آمد قبر را شستوشو داد و گل‌های گلدان را آبیاری نمود!! آهسته، آهسته جلو رفت. آن دختر که متوجه او شد از سر قبر شهید سجاد ناجی برخاست و سعی کرد از آنجا دور شود؛ اما این شخص نزدیک رفت و دید او از اقوام نیست! با تعجب پرسید: دختر خانم چرا این کار را انجام می‌دهی؟! دختر جواب داد: برای ثواب. آن شخص پرسید: این همه قبر شهید چرا تنها سراغ این شهید می‌آیی؟!

دختر جواب داد: زیرا او دوست من است. آن شخص با توجه به اینکه شهید ناجی مجرد بوده و تنها هنگام شهادت حدود ۲۰ سال داشته است، با تعجب می‌پرسد:



دوست تو بوده؟! دختر در جواب می گوید: نه آنچه از دوست به نظر شما می آید؛ بلکه داستان زندگی من حکایتی دارد که منجر به دوستی او شده است!!

و بعد اضافه می کند من دختری بودم بی نماز و بدحجاب و دارای دوست پسر و به پارتی و شب نشینی می رفتم. یک شب که به یکی از این مجالس رفتم، شراب خوردم و به رقص و پای کوبی مشغول شدم. شب به صبح رسید و دوست پسر مرا فلکه شهدا، صبح هنگام رها کرد و رفت. من به راه خود ادامه دادم و ناگهان خود را در مقابل درب ورودی گلستان شهدا دیدم. نسیم صبحگاهی مستی را از سرم برد و من متوجه شهدا شدم و گریه زیادی کردم و با خود گفتم اینها چه پاک و معصوم، جان خود را فدای دین و اسلام و کشور و آزادی ما نمودند و ما چه می کنیم و من کجا و آنها کجا؟! و وارد گلستان شهدا شدم و بین قبور شهدا راه می رفتم و اشک می ریختم و از کرده های خود پشیمان بودم و به خداوند متعال عرضه داشتم، خدایا مرا به قبر مطهر شهیدی هدایت کن که مرا هدایت کند. ناگهان بالای سر قبر شهید سجاد ناجی اصفهانی رسیدم. به دلم الهام شد در کنار مزار این شهید بنشینم و با او درد و دل نمایم، شاید که هدایت شوم!!

این کار را کردم و در بین حرفها و گریه هایم با این شهید به او گفتم اگر تو شهید حقی هستی و در نزد خداوند اجر و قربی داری، مرا هدایت کن و مرا از گناه نجات بده و گریه زیادی کردم. به خانه بازگشتم. شب در عالم خواب دیدم که درب منزل ما را می زنند. پشت در رفتم، درب را باز کردم، یک بسیجی را با لباس رزمندگی مشاهده کردم. به او گفتم: شما چکار دارید؟ گفت: شما با من کار داشتید و به سراغ من آمدید. با تعجب پرسیدم: من؟! گفت: بله. یادت هست



امروز صبح سر قبر من آمدی و خواستی تو را هدایت کنم؟ من شهید سجاد ناجی اصفهانی هستم!! که ناگاه همه چیز به یادم آمد. و او اضافه کرد، برای هدایت تو هدیه آوردم. تا نگاه کردم در دست او یک سینی دیدم که در آن یک چادر و سجاده و قرآن بود. او آنها را به من داد و من از خواب بیدار شدم و از آن روز حجابم را درست کردم و نمازم را مرتب خواندم و با قرآن اُنس گرفتم و هدایت شدم. شهید سجاد ناجی دوست من شد و باعث هدایت من گردید!!

تحلیل و نتیجه:

شهدا چون به گفته‌ی قرآن کریم زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند، شاهد و گواه خلق خدا و آگاه از احوال آنان هستند. در همان حیات طیبه ملکوتی که دارند، وقتی ما به آنها متوسل می‌شویم، اگر خدای تعالی صلاح بداند و به آنان اجازه دهد، مشکلات ما را حل می‌کنند.

شهدا با آن مقام معنوی که در پیشگاه ایزد مَنان دارند، می‌توانند در حق ما دعا کنند که دعای آنان در هدایت افراد و ثابت قدم بودن در مسیر طاعت و بندگی و پایبندی به ارزش‌ها و اصول انقلاب مؤثر است. شهیدان حتی در قیامت هم شفاعت می‌کنند، و خداوند متعال شفاعت آنان را می‌پذیرد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «روز قیامت سه دسته نزد خدا شفاعت می‌کنند و خدا شفاعت آنان را

می‌پذیرد: ۱- پیامبران ۲- دانشمندان ۳- شهیدان».^۱

۱- الحکم الزاهره، ص ۳۵۴، ح ۹۱۳.



۲۴. تواضع فرمانده لشکر

محسن سیوندیان

حدود شانزده سال داشت. رزمندۀ بسیجی بود که تازه به جبهه آمده بود. او را به عنوان دژبان در ورودی موقعیت عقبه (یعنی محل استقرار نیروهای احتیاط و تدارکات لشکر) تعیین کرده بودند و بازرسی عبور و مرور خودروها را بر عهده داشت. شهید حاج حسین خرازی، فرمانده لشکر، به اتفاق دو نفر از مسؤولان، در حالی که سوار تویوتا بودند، قصد داشتند به موقعیت وارد شوند. دژبان که همان بسیجی تازه‌وارد بود، و از روی چهره آنها را نمی‌شناخت گفت: کارت شناسایی؟ شهید حاج حسین گفت: همراهان نیست. دژبان: پس حق ورود ندارید. یکی از همراهان خواست حاج حسین را معرفی کند، اما حاجی با اشاره او را به سکوت فرا خواند. اصرار کردند. سودی نداشت. دژبان کارت شناسایی می‌خواست. همراه دیگر حاج حسین که دیگر طاقتش طاق شده بود، گفت: طنابو بنداز بریم، حوصله نداریم. دژبان در حالی که اسلحه را به طرف آنها نشانه رفت، با لحنی خشن گفت: بلبل زبونی می‌کنی؟! زود بیا پایین دراز بکشید رو زمین. کمی سینه‌خیز برید تا با مقررات آشنا شوید.

حاج حسین، با فروتنی خاصی که داشت به همراهان خود آهسته گفت: هر کاری می‌گوید انجام بدهید و از خودرو پیاده شد. همراهان نیز به پیروی از او همین کار را کردند. وقتی همه پیاده شدند، دژبان متوجّه شد، یکی از آنها یعنی حاج حسین یک دست بیشتر ندارد، برای همین گفت: خیلی خوب، تو سینه‌خیز



نرو، اما ده مرتبه بشین و پا شو.

در همین حین مسئول دژبانی که در حال عبور از آن حوالی بود، منظره را دید. سراسیمه و پرخاش کنان به طرف دژبان دوید و گفت: برو کنار، بگذرا وارد شوند، مگر نمی دانی ایشان فرمانده لشکر هستند!

با شنیدن این سخن، حالت بیم و شرمساری شدیدی در چهره دژبان هویدا شد. حاج حسین، بدون آنکه ذره‌ای ناراحتی در چهره روحانی‌اش مشاهده شود، با تبسمی حق شناسانه، دژبان را در آغوش گرفته، بوسه‌ای از روی مهر بر چهره او زد و گفت: اتفاقاً وظیفه‌اش را خیلی خوب انجام داد. و پس از سپاسگزاری از دژبان به خاطر حسن انجام وظیفه او را بدرود گفت!

تحلیل و نتیجه:

این نهایت تواضع فرماندهان جنگ ما بود مثل شهید سرلشگر حاج حسین خرازی که در رعایت مقررات خود را مانند یک بسیجی ساده یک روز به جبهه آمده، می‌پنداشتند. همین تواضع آنها بود که محبتشان را در دل‌های نیروهای بسیجی و رزمنده روز به روز افزون می‌نمود. آنان شریف و بزرگواری بودند و فروتنی آنها زکات شرافتشان بود؛ چنانچه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «التَّوَّاضِعُ زَكَاةُ الشَّرَفِ».^۲

و فرمود: «فروتنی با وجود رفعت مقام، همچون گذشت با وجود برخورداری از قدرت است».^۳

۱- از کتاب تبسم سنگر، سیوندیان، محسن، ص ۱۷ و ۱۸

۲- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۴۶، ح ۲۱۸۲۱.

۳- همان، ص ۶۸۵۱، ح ۲۱۸۴۲.



۲۵. آیت ادب

برادر شهید

برادر شهیدم شهید سید مهدی اسلامی خواه برای مادرم خیلی احترام قائل بود؛ برای همین هرگز در مقابل مادرم پا دراز ننمود. در حضور او دو زانو و مؤدب می‌نشست و صحبت می‌کرد. او بعنوان طلبه به جبهه رفت و در لشکر ۱۶ زرهی قزوین مشغول تبلیغ شد. او در عملیات طریق القدس در منطقه بُستان در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۳۰ به فیض شهادت نائل شد. وقتی پیکر مطهرش را به غسلخانه به سبزوار آوردند، وقتی چشم مادرم به جسد سید مهدی افتاد، به او گفت: سید مهدی همیشه در مقابل من پایت را دراز نمی‌کردی. ناگهان همه مشاهده کردند، چشمان سید مهدی برای چند لحظه باز شد و قطره اشکی از چشمش سرازیر شد. همسر دایم که این صحنه را دید، بی‌اختیار فریاد زد: مهدی زنده است، مهدی زنده است. مادرم همواره در حال نجوا با سید مهدی بود!!^۱

تحلیل و نتیجه:

با دقت در زندگی شهدا معلوم می‌شود یکی از مهم‌ترین صفات آنها و رمز موفقیت‌های معنوی آنها که نهایتاً منجر به توفیق شهادت آنان شده است، ادب آنها می‌باشد.

۱- سایت، اداره پیام آوران ایثار - تهران.



در تعریف ادب بعضی گفته‌اند: ادب زیبایی در گفتار و کردار است و یا گفته شده: ادب، به کارگیری امور پسندیده در گفتار و رفتار می‌باشد.^۱

حضرت علی علیه السلام ادب را برترین شرف و بلندی مرتبه می‌دانند. لذا فرمودند: «أَفْضَلُ الشَّرَفِ الْأَدَبُ».^۲ و ادب را نشانه کمال آدمی دانسته‌اند: «الْأَدَبُ كَمَالُ الرَّجُلِ».^۳

ادب ثمرات فراوانی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها خوش اخلاقی است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «تَمَرَةُ الْأَدَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ».^۴ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و فرمودند:

«هیچ پدری ارثی با ارزش‌تر از ادب به فرزند خود نداده است.»^۵

و فرمود: «فرزندان خود را گرامی بدارید و آن را خوب ادب آموزید، آموزیده می‌شوید».^۶

فوائد و آثار ادب

- عامل سازندگی شخصیت،
- نام نیکو و ماندگار،
- محبوب شدن بین مردم،
- اساس تربیت دین،

۱- بهشت اخلاق، جلد ۱، ص ۱۲۹

۲- شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۹۰۳.

۳- همان، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۹۹۸.

۴- همان، ج ۳، ص ۳۲۵، ح ۴۶۰۳.

۵- بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۶

۶- همان، ح ۷



به طرزوت بارزن

- انتظام بخش جریان زندگی،
- اسوه شدن برای دیگران،
- به نتیجه رسیدن امور زندگی،
- ایجاد انضباط فردی، خانوادگی و اجتماعی،
- ارتقاء فرهنگ جامعه،
- مانع تکثیر خطا و گناه،
- پیروی از دستور خدا و رسول،
- سبب تهذیب اخلاق و اصلاح عادات است.^۱

۱- همان



۲۶. عدالت فرمانده

دوستان شهید

حاج حسین خرازی به شدت عصبانی شد. لب هم به غذا نزد. گفت: دلیلی نداره برای ما که فرمانده ایم چلوکباب بیاورند، برای نیروها، غذای دیگ برده شود! خیلی به فکر نیروهایش بود. اگر هم بعضی وقتها دو نوع غذا درست می کردند، بهترینش را می داد برای آنها که در خط هستند.

بین بچه ها هم معروف بود: «چلو کباب تو خط، ساچمه پلو تو شهرک».^۱

تحلیل و نتیجه:

این گونه رفتار فرماندهان ما مثل سرلشگر شهید حاج حسین خرازی هم به دلیل عدالتشان بود و هم نشأت گرفته از تواضع آنها! به دلیل عدالت آنها بود؛ زیرا نمی خواستند بین نیروها تبعیضی قائل شوند و از تواضع آنها سرچشمه می گرفت؛ زیرا بین خودشان و یک بسیجی ساده تازه به جبهه آمده، برتری احساس نمی کردند و چه بسا به علت سن کمتر آنها، آن افراد را برتر و پاک تر از خود می دیدند، که در نزد خدا شاید عزیزتر باشند!!

رسول خدا ﷺ فرمودند: هرکس برای خدا فروتنی کند، خداوند او را بالا برد:

«مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ».^۲

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۱۶، بر اساس زندگی سردار سرلشگر حاج حسین خرازی، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۵۶، ح ۲۱۸۷۵.



۲۷. ایثار

رضا مهماندوست

سال ۱۳۶۵، عملیات کربلای ۵. مراحل آخر عملیات که مصادف با شهادت حاج حسین خرازی شد در ادامه عملیات من در گردان امیرالمؤمنین (ع) از لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به فرماندهی حاج محمد سلمانی در گردان سیدالشهدا، دسته یک بودم و آر. پی. جی. و نارنجک تفنگی می‌زدیم. در منطقه شلمچه به خط دوم دشمن رسیدیم که گلوله‌های سنگین دشمن مرتب به اطراف ما به زمین اصابت می‌کرد و پشت سر ما توپخانه خودی بود و عراقیها در صدد بودند که توپخانه ما را بزنند. مرتب گلوله اطراف ما زده می‌شد و آتش دشمن در پیرامون ما زیاد بود. سه تا از بچه‌های رزمنده هم‌محله‌ای که با هم اعزام شده بودیم به نامهای: طلبه شهید مجتبی امینی، شهید مصطفی جمشیدی و شهید مرتضی حمیدی در گروهان و دسته ما بودند.

شب شد و سنگرهای کوچکی بود که جای همه نمی‌شد. آن سه نفر داوطلبانه ایثار کردند و در آن هوای سرد زمستان در بیرون سنگر که ترکش گیر بود خوابیدند. من نگران آنان بودم، وقتی از سنگر بیرون آمدم، دیدم به قدری سردشان شده که زانوهایشان را بغل گرفته‌اند و به خواب رفته‌اند. این ایثار آنها مرا متعجب ساخت. در ادامه عملیات من اولین نفری بودم که زخمی شدم و آن سه نفر به شهادت رسیدند. با خود گفتم شهادت لایق آنها بود که اینقدر ایثارگر بودند.



تحلیل و نتیجه:

بعضی از رزمندگان ما در سایه‌ی ایمان قوی و بهره‌مندی از تقوی و صفای باطن، دارای ایثار بودند. حضرت علی علیه السلام ایثار را برترین صفات عالی انسانی می‌داند: «الایثارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ». ^۱ و ایثار را خوی نیکوکاران توصیف نموده است: «الایثارُ شِیمَةُ الْأَبْرَارِ». ^۲ و همچنین ایثار را اوج نیکوکاری می‌داند: «الایثارُ غَايَةُ الْإِحْسَانِ». ^۳ و برترین عبادت را ایثار بیان می‌فرماید: «الایثارُ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ». ^۴

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۲، ح ۱.

۲- همان، ح ۲.

۳- همان، ح ۵.

۴- همان، ح ۱۰.



۲۸. رعایت بیت المال

حمیدرضا پورقربان

پدر شهید محمدرضا مغزیان در بیست و پنجمین سالگرد بزرگداشت شهادت این شهید، گفتند: وقتی شهید مغزیان به جبهه‌های غرب کشور رفت، با خانواده خود تماس نمی‌گرفت. وقتی هم ما تلفن می‌زدیم ایشان خط مقدم بود؛ تا اینکه به مرخصی می‌آمد. من به او می‌گفتم: چرا به ما زنگ نمی‌زنی؟! می‌گفت شما پول بدهید تا من برایتان از تلفن آزاد زنگ بزنم، من نمی‌توانم هزینه پول تلفن خود را بر گردن بیت‌المال بیندازم!! با اینکه او از فرماندهان قراردگان حمزه سیدالشهداء بود!!

تحلیل و نتیجه:

از مصادیق حق الناس، بیت‌المال است. حق الناس در منابع و متون اسلامی، چه در قرآن و چه در روایات و کتب فقهی جایگاه خاصی دارد.^۱

قرآن در آیات بسیاری مؤمنان را چه در باب مسائل اقتصادی و چه در باب حقوق اجتماعی و... دعوت به احترام به حقوق مردم نموده است.^۲ در سوره نساء در این باره آمده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ ..."^۳ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را از طریق نامشروع و غلط و باطل نخورید).

۱- نگاهی به حق الناس، اکبری، محمود، ص ۱۷.

۲- همان

۳- نساء / ۲۹



رعایت نکردن بیت‌المال و حقّ الناس آثار و پیامدهای خطرناکی دارد که در روایات به آن اشاره شده که فهرست آن به اجمال عبارتند از:

۱- محرومیت از برکت رزق؛

۲- از بین رفتن لذّت عبادت؛

۳- عدم استجابت دعا؛

۴- عذاب قبر؛

۵- عذاب قیامت؛

۶- محرومیت از بهشت.^۱

۱- نگاهی به حق الناس، ص ۲۳ تا ۲۸.



۲۹. فرشته مأمور عبدالمجید طیب

سال ۱۳۶۶ که به مکه مشرف شدم، عضو کاروانی بودم که قرار بود شهید عباس بابایی هم با آن کاروان اعزام شود، ولی ایشان نیامدند و شنیدم که به همسرشان گفته بود: «بودن من در جبهه ثوابش از حج بیشتر است».

در صحرای عرفات وقتی روحانی کاروان مشغول خواندن دعای روز عرفه بود و حجاج می‌گریستند، من یک لحظه نگاهم به گوشه سمت راست چادر محل استقرارمان افتاد. ناگهان شهید بابایی را دیدم که با لباس احرام در حال گریستن است. از خود پرسیدم که ایشان کی تشریف آورده‌اند؟! کی مُحرم شده‌اند و خودشان را به عرفات رسانده‌اند؟ در این فکر بودم که نکند اشتباه کرده باشم، خواستم مطمئن شوم. دوباره نگاهم را به همان گوشه چادر انداختم تا ایشان را ببینم، ولی این بار جای او را خالی دیدم.

این موضوع را به هیچ کس نگفتم؛ چون می‌پنداشتم اشتباه کرده‌ام. وقتی مناسک در عرفات و منا تمام شد و به مکه برگشتیم، از شهادت تیمسار بابایی باخبر شدم. در روز سوم شهادت ایشان، در کاروان ما مجلس بزرگداشتی برپا شد و در آنجا از زبان روحانی کاروان شنیدم که غیر از من تیمسار دادپی هم بابایی را در مکه دیده بود. همه در یافتیم که رُتبه و مقام شهید بابایی باعث شده بود، تا خداوند فرشته‌ای را به شکل آن شهید مأمور کند تا به نیابت از او مناسک حج را به جا آورد.^۱

۱- سرهنگ عبدالمجید طیب به نقل از پرواز تا بی‌نهایت، ص ۲۶۵.



تحلیل و نتیجه:

از ابعاد مختلف این کار سرلشگر خلبان عباس بابایی، ارزشمند است که ایشان ماندن در جبهه را بر حج ترجیح دادند!!
 اولاً: نوعی ایثار بود که فضیلت بزرگ حج را برای دیگران گذاشتند و با سپر قرار دادن جان خود در دفاع مقدّس از میهن اسلامی و مردم مسلمان ایران دفاع کردند و به مقام رفیع شهادت نایل آمدند و بین دو خوبی (حج و جهاد و دفاع) بهترین را برگزیدند که همان دفاع مقدّس بود و این خود حقیقت ایثار است که مولی علی علیه السلام فرمودند: «مِنْ أَحْسَنِ الْإِحْسَانِ الْإِيتَارُ»^۱ (از بهترین نیکوکاری‌ها ایثار است).

ثانیاً: جهاد با نفس است؛ چرا که نفس همیشه به دنبال راحت طلبی است، و مسلم انجام اعمال حج با آن لذت‌های معنوی آن، راحت‌تر از تحمل رنج و سختی‌های جنگ و جهاد و دفاع در جبهه‌های مبارزه با دشمن است که هر لحظه انسان باید آماده جان‌فشانی، شهادت، اسارت، و مجروح شدن باشد. آری کار سرلشگر خلبان عباس بابایی، مبارزه و جهاد نفس برای خداوند متعال بود و این است مجاهد حقیقی. چنانچه حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهِدَ نَفْسَهُ فِي اللَّهِ»^۲ (مجاهد کسی است که برای خاطر خدا با نفس مبارزه کند).
 و حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بِرْتَرِينَ جِهَادِ مَبَارِزَةِ كَرْدَنِ بَا هَوَايِ نَفْسِ وَ بَا زِگَرَفْتَنِ آن از لذت‌های دنیا است»^۳.

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۲، ح ۱۳.

۲- همان، ج ۲، ص ۸۵۲، ح ۲۷۳۷.

۳- همان، ح ۲۷۴۴.



به طرز کوت باارزن

وقتی سرلشگر بابایی چنین ایثار و مبارزه و جهاد با نفسی را از خود نشان دهد که جهاد را بر حج ترجیح دهد بر خداوند مهربان عادل آسان است که ملکی را به شکل او خلق کند تا به نیابت از او حج به جای آورد و ثواب حج حقیقی و مقبول را به او عطا نماید!!



۳۰. رسیدگی به خانواده‌های مجروحین و شهدا

دوستان شهید

مرخصی که می‌آمد، ساکش را می‌گذاشت خانه و می‌رفت سراغ مجروحان و خانواده‌ی شهدا. تا آن روز که همه‌ی خانواده با اعتراض گفتند: تو هیچ وقت خودت مرخصی نمی‌آیی، ساکت بیشتر میاد مرخصی!.

وقتی فهمید خانواده راضی نیست، به همه گفت: تا سه روز اول مرخصی کسی سراغش نرود. این سه روز را وقف خانواده کرد و به آنها رسیدگی می‌کرد، از روز چهارم دنبال رسیدگی به خانواده‌های مجروحان و شهدا می‌رفت.^۱

تحلیل و نتیجه:

رزمندگان دلسوز ما با احادیث و معارفی که آنها را به همت گماشتن به امور مسلمین و خیرخواهی و محبت به آنها سفارش می‌کند، نسبت به رسیدگی و دلجویی از خانواده شهدا و رسیدگی به مجروحین همت می‌نمودند. از جمله‌ی آن احادیث، روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «بر تو باد که برای خدا نسبت به مخلوقش خیرخواه باشی که هرگز خدا را به عملی بهتر از آن ملاقات نکنی».^۲

در عین حال تا آنجا که توان داشتند در محبت و رسیدگی به امور خانواده هم کوشا بود. همانگونه که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «بهترین شما مردی

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۱۱، بر اساس زندگی شهید سردار علی موحد دوست، با کمی تصرف در عبارت.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۸، ح ۳.



به طراوت باران

است که با همسرش به خوبی رفتار کند و من از همه‌ی شما نسبت به همسرم خوش‌رفتارتر هستم».^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «نشستن و انس گرفتن مرد با همسر و فرزندان، پیش خدا محبوب‌تر از اعتکافش در مسجد من است».^۲

ابان بن تغلب گوید: شنیدم امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود: هر کس هفت شوط گرد خانه کعبه طواف کند، خدای عزوجل برایش شش هزار حسنه نويسد و شش هزار گناه از او بزدايد و شش هزار درجه برایش بالا برد... سپس امام فرمودند: روا ساختن حاجت مو من بهتر است از طوافی و تا ده طواف شمرد.^۳

حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند و نیکی رساندن به برادران خود با یکدیگر مسابقه گذارید و اهل نیکی باشید زیرا بهشت را دری است به نام "معروف" که جز کسی که در زندگی دنیا نیکی کرده داخل آن نشود.^۴

۱- جایگاه بانوان در اسلام، آیت الله نوری همدانی، حسین، ص ۴۱۱، به نقل از: وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۲۲.

۲- روش همسررداری، شمس الدین، سید مهدی، ص ۵۸، از میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۷.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷۹

۴- همان، ص ۳۸۰، ج ۱۰



۳۱. سقایی عشق

هم‌رزم شهید

منطقه که بودیم، لوله‌کشی آب وجود نداشت. آب مصرفی مان رو با ۳ بشکه ۲۰۰ لیتری می‌رفتیم از چاه می‌آوردیم....

اکثر اوقات که خستگی کار بهانه می‌شد، برای فراموش کردن آب، پویا بدون اینکه حرفی بزنه با تمام خستگی که داشت می‌رفت آب می‌آورد.... هیکل رشید و قشنگی داشت.... عباس وار... عملیات تاسوعا بود... جنگید... تا جواب سقایی کردن هاشو گرفت... موشک که خورد از روی تانک پرت شد پایین. درست مثل عباس... از روی مرکب.... عصر تاسوعا بود....^۲

تحلیل و نتیجه:

مواسات که یاری نمودن دیگران با تمام وجود و شریک ساختن آنان در امکانات خویش است، یکی از برجسته‌ترین مصادیق احسان، خیرخواهی و خدمت‌رسانی است.^۳

مولا حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ مُوَاَسَاةُ الْإِخْوَانِ»^۴ (نیک‌ترین نیکی‌ها یاری نمودن برادراتان (تنی و دینی) است). مخصوصاً این یاری رساندن به دیگران در شرایط سخت و به هنگام خستگی، ارزش بیشتری

۱- پویا ایزدی، شهید مدافع حرم، که در حلب سوریه در مورخه ۹۴/۸/۱ مصادف با تاسوعای حسینی به شهادت رسید.

۲- از کتاب ابوریحانه، خاطرات شهید مدافع حرم ستوان دوم پاسدار پویا ایزدی، الهه حاجی حسینی، ص ۱۰۸.

۳- نهضت خدمت‌رسانی، ص ۱۲۶.

۴- همان، از غرر الحکم، ص ۸۹.



به طرزوت باران

پیدا می‌کند. در برخی موارد خدای تعالی شخص ایثارگر و یاری‌رسان را به شکل زیبا مزد می‌دهد مثل قهرمان داستان ما شهید پویا ایزدی که سقای لب‌های تشنه مدافعان حرم بود. خداوند افتخار شهادت را روز تاسوعای ابوالفضل به او عطا می‌کند، آن هم به شکلی هم‌شکل شهادت سقای دشت نینوا حضرت عباس علیه السلام!! پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»^۱ برترین اعمال سخت‌ترین آنها است.

این حدیث نشان می‌دهد طاعات و اعمال خیر هر وقدر انجام آن از نظر جسمانی یا روحی سنگین‌تر باشد. فضیلت و ثواب آن بیشتر است.

اعمال پرزحمت و گزنده و سخت در پیشگاه خدا ارزش بیشتری دارد.

دلیل آن هم روشن است زیرا نیروی بیشتری از نظر جسم و روح برای انجام آن لازم است و می‌دانیم پاداش اعمال به اندازه نیرویی است که برای انجام آن به کار گرفته می‌شود.^۲

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱

۲- سایت پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی



۳۲. آگاه از غیب

یکی از رزمندگان

چند ماه قبل از عملیات والفجر ۸ که با بچه‌های اطلاعات عملیات لشکر ثارالله در یک اطاق بودیم. حسین (یکی از رزمندگان) سراغ آمد و گفت: در عملیات آینده یک راکت شیمیایی به سنگر شما می‌خورد و با شوخی گفت چتر همه شما باز می‌شود و حسین با انگشت یکی یکی را اشاره کرد، شهید می‌شوید ولی به من اشاره‌ای نکرد و گفت من هم به کمک شما می‌آیم و شیمیایی می‌شوم. چند ماه بعد عملیات والفجر ۸ آغاز شد من به علت شیمیایی به اورژانس فرستاده شدم. در اورژانس همه آنهایی را که حسین به آنها اشاره کرده بود دیدم که بر اثر اصابت راکت شیمیایی به اورژانس آورده شدند. همان‌هایی که حسین به آنها اشاره کرده بود؛ یعنی: شهید یزدانی، شهید دامغانی، شهید هندوزاده و شهید فاطمی. مطمئن بودم، برای حسین هم مشکل شیمیایی حاصل شده است. بعدها شنیدم که حسین با وجود سابقه شیمیایی و نداشتن ماسک به آن افراد که شیمیایی شده بودند کمک کرده بود و شیمیایی شده بود!

تحلیل و نتیجه:

خداوند گاهی با عطا کردن مقداری از علم غیب به انسان‌های صالح و تزکیه شده، توجه دیگران را به معنویت و اعتقاد بیشتر به حضرت حق، جلب می‌کند! در بین رزمندگان بودند افرادی که بر اثر تزکیه نفس و اخلاص در عبادت به

۱- سایت اداره پیام‌آوران ایثار، تهران



جایی می‌رسیدند که خداوند مهربان پرتوی از غیب را به آنان عطا می‌فرمود که باعث توجه بیشتر رزمندگان به خدای تعالی و معاد می‌شد.

اگر سوال شود در قرآن کریم علم الغیب به خداوند متعال نسبت داده شده است از طرف دیگر در روایات آمده که ائمه اطهار علیه السلام و بعضی از علماء دینی از علم غیب برخوردار بوده اند. مثلاً از زمان مرگ یا شهادت خود اطلاع داشتند چطور این دو مطلب به ظاهر متضاد را می‌توان با هم جمع کرد؟!

در پاسخ باید گفت: آگاهی بر پاره‌ای از این امور به صورت علم اجمالی آن هم از طریق تعلیم الهی - هیچ منافاتی با اختصاص علم تفصیلی آن‌ها به ذات پاک خداوند ندارد.

علم غیب به ذات از آن خداوند متعال است و جنبه استقلالی برای حضرت حق دارد. و به مقداری که صلاح بدانند به انبیا و ائمه هدی علیهم السلام و برخی از علما و اولیای الهی به طور تعلیمی و عرضی عطا می‌نماید.

قاعدۀ کلی این است که انسان‌ها از زمان مرگ خود اطلاعی نداشته باشند. ولی به طور استثنا گاهی عده‌ای از افراد که در تهذیب نفس و تزکیه روح کوشیده اند و در طریق بندگی خدا ثابت قدم بوده اند، به تعلیم الهی از زمان مرگ خود آگاه می‌شوند.^۱

۱- سایت باشگاه خبرنگاران جوان با تصرف در برخی عبارات



۳۳. حق الناس

دوست شهید

دور تا دور نشسته بودند. نقشه آن وسط پهن بود. حاج حسین خرازی گفت: «تا یادم نرفته اینو بگم، اون جا که برای مانور رفته بودیم، یه قطعه زمین بود، گندم کاشته بودند. یه مقدار از گندم‌ها از بین رفته [به خاطر مانور ما] بگید ببینند چقدر از بین رفته، پولش را به صاحبش بدین».^۱

تحلیل و نتیجه:

مؤمنین آگاهند که حق الناس بخشیده نمی‌شود، زیرا حضرت مولی‌الموحدین، یعسوب‌الدین، امیر سخن، حضرت علی علیه السلام فرمودند: «أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا»^۲ (اما ظلمی که بخشیده نمی‌شود، ظلمی است که بعضی از بندگان خدا بر بعضی دیگر می‌کنند).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «در پل صراط گردنه‌ای وجود دارد که هرکس بر ذمه‌اش «حق الناس» وجود داشته باشد، از آن نمی‌تواند رد شود». لذا رزمندگان و فرماندهان جنگ ما تا این حد روی «حق الناس» حساس و دقیق بودند.^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۲۷، بر اساس زندگی سردار سرلشگر حاج حسین خرازی به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- نگاهی به حق الناس، اکبری، محمود، ص ۱۸، از: نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

۳- همان، ص ۱۰، از: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۹.



۳۴. آخرین مانع

دوست شهید

موانع را شهدا چه خوب برطرف می کنند!

بویا ایزدی زنگ زد^۱ به دوستش و گفت: «بیا امشب به گلستان شهدا برویم». گلستان که رسید بند دلش پاره شد. بی وقفه اشک می ریخت. دلیلش را پرسید. گفت: «نگران همسر و دخترم هستم. هیچ وابستگی ندارم، مگر همین!».

- آگه اینقدر نگرانی بی خیال رفتن شو!

- نگران هستم اما نمی تونم پا روی اعتقاداتم بذارم. نمی تونم نرم و بی تفاوت باشم. امشب می خواهم شهدا این مانع را هم برام مرتفع کنند.^۲

آن شب تاصبح در خلوتی عاشقانه با شهدا آنچه را که می خواست گرفته بود.^۳

تحلیل و نتیجه:

نهایت ایثار شهادت در راه خداست که مجاهد فی سبیل الله از همه چیز خود دل می بُرد؛ از جوانی، لذایذ، دلبستگی به زن و همسر و تمام دنیا هستی با همه زرق و برقش آری از همه اینها برای رضای حق و برای ایجاد امنیت برای اسلام و مردم اسلامی می گذرد!! این کار ساده و آسانی نیست!!

شهید پاسدار مدافع حرم بویا ایزدی هم از همه دل برید و به خدا پیوست اما احساس مسئولیت داشت و آن اینکه بعد از شهادت من زن و فرزندم چه

۱- شهید مدافع حرم، ستوان دوم پاسدار بویا ایزدی.

۲- دوست شهید

۳- همسر شهید



می‌شوند؟ لذا از شهدا می‌خواهد که او را یاری کنند و از خدا بخواهند که در این هجرت در این مسئله هم دل او را محکم کنند و با توکل به خدا به سراغ مرگ آگاهانه (شهادت) برود! آری شهادت بالاترین حدّ ایثار است چرا که با گذشتن از جان خود محیط را برای رشد و شکوفایی دیگران فراهم می‌سازد.



۳۵. لیبیک به دعوت الهی

شهید دکتر مصطفی چمران

دکتر چمران در مناجاتی با خدای خودش می‌گوید: "خدایا! تو مرا به سوی خود خواندی، من هم با همه وجودم به سوی تو آمدم. از هرچه داشتم گذشتم، زندگی مادی را با تمام امتیازاتش ترک گفتم. زن و فرزند را که سخت مورد علاقه من بودند، رها کردم و از دنیای غرب و مظاهر زیبا و جذابش هجرت کردم و رهسپار جنوب لبنان شدم و در کنار آوارگان فلسطینی که بزرگ‌ترین مرکز خطر است، سکونت کردم و زندگی خود را وقف یتیمان شیعه نمودم که زیر بمباران‌های وحشیانه اسرائیل، کسان خود را از دست داده بودند. خدایا! تو را شکر می‌کنم که مرا از میان مستکبرین و مترفین غرب نجات دادی و با محروم‌ترین و مستضعف‌ترین ستم‌کشان دنیا محشور کردی تا اگر بتوانم دردشان را مداوا کنم، لااقل در غم و دردشان شریک باشم."^۱

در جای دیگری این شهید والامقام چنین با خدای خود نجوی می‌کند:
 «پروردگارا! آن‌چنان ما را از دنیا و مافیها بی‌نیاز کن که در قربانگاه عشق تو همچنان ابراهیم، مشتاقانه حاضر شویم تا اسماعیل وجود خود را در هدف مقدّست قربانی کنیم».^۲

تحلیل و نتیجه:

در وصف شهیدان و شهید چمران‌ها، چه زیبا علامه بزرگوار شهید مرتضی

۱- عاشقان بی‌ادعا، ص ۷۲، از دست نوشته‌ها

۲- همان، ص ۶۶، از کردستان، ص ۱۷۲ و ۱۷۴.



مطهری، حق شهید را از همه بالاتر داشته و می‌فرماید: «... هیچ کسی حقی به اندازه‌ی شهدا بر بشریت ندارد، و به همین جهت هم عکس‌العمل احساس‌آمیز انسان‌ها و ابراز عواطف خالصانه‌ی آنها درباره‌ی شهدا بیش از سایر گروه‌هاست. چرا او به به چه دلیل حق شهدا از حق سایر خدمتگزاران، بیشتر و عظیم‌تر است؟ البته دلیل دارد. همه گروه‌ها خدمتگزار دیگر مدیون شهدا هستند، ولی شهدا مدیون آن‌ها نیستند یا کمتر مدیون آنها هستند، عالم در علم خود و فیلسوف در فلسفه خود و مخترع در اختراع خود و معلم اخلاق در تعلیمات اخلاقی خود، نیازمند محیطی مساعد و آزادند تا خدمت خود را انجام دهند ولی شهید آن کسی است که با فداکاری و از خودگذشتگی خود و با سوختن و خاکستر شدن خود محیط را برای دیگران مساعد می‌کند.

مثل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است، تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند، آری، شهدا شمع محفل بشریتند، سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل تاریک می‌ماند هیچ دستگاهی نمی‌توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه بدهد.^۱

شهید مصطفی چمران دریافته بود که برترین و بالاترین صدقه، کمک و یاری رساندن به افراد ضعیف و نیازمند است. چنانچه حضرت ختمی مرتب، محمد مصطفی ﷺ فرمودند: «عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ مِنْ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ».^۲ (یاری رساندن تو برای ضعیفان از برترین صدقات است.)

۱- قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، شهید مطهری، ص ۷۴.

۲- درس‌هایی از وصیت‌نامه حضرت امام خمینی، ص ۱۵۵، به نقل از: مشکاة الانوار، رضی‌الدین طبرسی، ص ۲۰.



۳۶. محبت به بازماندگان دشمن!!

یکی از دوستان شهید

یکی از هم‌زمان شهید محمدرضا مغزیان در بیست و پنجمین سالگرد شهادت او درباره شهید مغزیان گفت:

"قول او فراتر از زمان او بود تا جایی که برخی از ما او را درست درک نمی کردیم، از جمله وقتی منافقان و بمب گذاران و قاتلان سپاهیان و رزمندگان را در کردستان دستگیر می کردیم، شهید مغزیان می گفت: این یک رسالت ماست، اما رسالت بعدی ما رسیدگی به خانواده‌های آنهاست. هضم این مطلب برای ما مشکل بود، لکن ایشان می گفت: «این کار هم وظیفه اسلامی ماست و هم در حقیقت یک نوع کار فرهنگی است، تا جلوه رحمانیت و محبت جمهوری اسلامی را به مردم کردستان نشان دهیم و آنها را جذب کنیم» و تا جایی روی این فکر خود پافشاری کرد که مصوبه استانی گرفت و با جدیت به خانواده آنها رسیدگی می کرد؛ تا جایی که رادیو دموکرات و ضد انقلاب نام محمدرضا مغزیان را در رادیو مطرح کرد و گفت او با این کارها می خواهد مردم کردستان را جذب کند."

تحلیل و نتیجه:

در قرآن کریم آثار معنوی و آخرتی بی شماری برای نیکوکاری و خدمت به دیگران ذکر شده است از جمله: ۱- هدایت به ایمان و رسیدن به نور (طلاق/۱۱)؛ ۲- آموزش گناهان (حج/۵۰)؛ ۳- رهایی از هراس‌های قیامت (مائده/۵)؛ ۴- بهره‌مندی از پاداش‌های بی حساب الهی (غافر/۴۰)؛ ۵- داخل شدن به بهشت (بقره/۸۲)؛ ۶-



برخورداری از نعمت‌های بی‌پایان و جاودانه الهی (لقمان/ ۸ و سجده/ ۱۹).
روایات نیز اهمیّت زیادی برای خدمت‌رسانی به مردم قائل شده است؛ از آن
جمله حضرت علی علیه السلام مواردی را فرمودند که برخی از آنها عبارتند از:
۱- رأس ایمان: «رَأْسُ الْإِيمَانِ، الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ»^۱؛ ۲- بالاترین عبادت؛ ۳-
توفیق الهی؛ ۴- جان‌مایه‌ی خردمندی و عقل؛ ۵- کلید بهشت؛ ۶- بهترین توشه‌ی
آخرت؛ ۷- تقرب به خدا؛ ۸- نورانیت دل؛ ۹- حل مشکلات و ۱۰- بقاء نعمت‌ها
است.^۲

۱- نهضت خدمت‌رسانی، ص ۳۰، به نقل از: غررالحکم، ص ۱۸۲.

۲- همان، ص ۳۱ تا ۹۴.



۳۷. ارتباط روحی و معنوی!

منوچهر معتمدی

صبح روز سوم خرداد ماه ۱۳۶۱ روز فتح خرمشهر شهید حاج احمد کاظمی که یکی از فرماندهان شرکت کننده در آزادسازی خرمشهر بود، وقتی مشاهده می کند عراقیها هزار، هزار در حال تسلیم شدن هستند با بی سیم با قرارگاه کربلا تماس می گیرد و به سردار رشید می گوید: «خدا خرمشهر را آزاد کرد». ^۱ و جالب این است که در همان روز وقتی خبر آزادی خرمشهر را به حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) می دهند، ایشان می فرمایند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد». ^۲

تحلیل و نتیجه:

این دو جمله، از حضرت امام خمینی؛ و شهید سرلشکر حاج احمد کاظمی که تا این حد به هم نزدیک و شبیه هستند!! با توجه به اینکه هریک از سخن دیگری در این باره، باخبر نبودند! نشانگر این است که تا چه اندازه بین سرباز و فرمانده و بین مرید و مراد، ارتباط روحی و معنوی و سنخیت فکری وجود دارد که هر دو دست خدا در آزادسازی خرمشهر مشاهده می کنند!! و این درس بزرگی است که همه ما در پیروزیها و موفقیت های خُرد و کلان همیشه یاری و توفیق الهی را فراموش نکنیم!

۱- صدای مکالمه شهید سردار احمد کاظمی با سردار رشید بصورت ضبط شده موجود است.

۲- این دو جمله از مراد و مرید نشانگر این است که تا چه حدی ارتباط معنوی بین فرمانده و سرباز وجود دارد که هر دو دست خدا را در آزادسازی خرمشهر بالعیان می بیند.



۳۸. به یاد ما بودن شهدا!!!

اصغر ابراهیمی

آقای اصغر ابراهیمی از رزمندگان بسیجی لشکر امام حسین علیه السلام نقل می کند که در ماه مبارک رمضان ۱۳۸۹ شبی به گلستان شهدای اصفهان بر سر مرقد شریف شهید سردار غلامرضا آقاخانی رفتم و با او درد و دل کردم و گفتم: خوشا به حال شما، رفتید و به خدا پیوستید؛ اما از شما گله دارم، ما با هم بودیم، پس چرا شما شهدا ما را تنها گذاشته اید. و حسابی با او درد و دل و نجوا کردم. همان شب به منزل آمدم و در عالم خواب مشاهده کردم شهید سردار غلامرضا آقاخانی فرمانده گردان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام لشکر امام حسین علیه السلام سراغ من آمد و گفت ما شما را تنها نگذاشته ایم، مرتب به فکر شما هستیم و دائماً ما برای شما نامه می دهیم و الا وضع شما و کشور این نبود!!

تحلیل و نتیجه:

در رابطه با هدایت جامعه توسط شهید، علامه شهید مرتضی مطهری گوید: شهدا پرتوافشان و شمع های فروزنده اجتماع اند که اگر پرتوافشانی آنها در ظلمات استبدادها و استبدادها نبود بشر ره به جایی نمی برد.^۱

(... شهادت تزریق خون است بر پیکر اجتماع، این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ های اجتماع خاصه اجتماعی که دچار کم خونی هستند، خون

۱- قیام و انقلاب مهدی (عج) به ضمیمه شهید، ص ۷۶.



جدید وارد می کنند».^۱

از گواهان و شاهدان در قیامت شهیدان هستند، و این بدان معناست که شهیدان بر احوال ما در دنیا آگاهند و مجاهدان در راه خدا را دعاگو هستند. پس کاری نکنیم که از دعای خیر آنان محروم شویم.

در قرآن مجید حدود ده آیه به صورت صریح درباره کسانی که در راه خدا کشته شده باشند وجود دارد.^۲

واژه شهید به معنای حضور و دیدن گرفته شده است و صفت مشابه است و دلالت بر ثبوت دارد.^۳

واژه شهید در قرآن کریم به عنوان گواه و شاهد گواهان اعمال آمده است.^۴ شهادت مراتبی دارد در روایات کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود و کسی که معرفت به حق اهل بیت علیهم السلام دارد و بمیرد و کسی که برای دفاع از مال خویش کشته شود و مومن صادق باشد و از دنیا برود و منتظر واقعی حضرت مهدی (عج) باشد و هر کس محبت به محمد و آل او داشته باشد و بمیرد را شهید نامیده اند.^۵

بنابراین، شهادت مراتبی دارد که بالاترین درجه آن شهادت در معرکه نبرد با دشمنان اسلام است.^۶

۱- همان، ص ۱۰۲.

۲- سایت خیرگزاری بین المللی شفقنا

۳- همان از مجمع البحرين، ج ۳، ص ۸۰ ذیل واژه شهید

۴- همان

۵- برگرفته از همان

۶- همان



۳۹. مزار من!

دوست شهید

با بچه رزمنده‌ها از عروسی برمی‌گشتند. ناصر را مجبور کرده بود برای همهٔ بچه‌ها بستنی بخره. آن شب ناصر تو کشتی به حاج حسین خرازی، باخته بود. هیاهوی خنده‌شان سکوت خیابان را شکست. از کنار گلستان شهدا که برمی‌گشتند با اشارهٔ حاجی راننده ترمز کرد. اوّل خودش، بعد هم بچه‌ها یکی یکی پشت سرش از ماشین پایین آمدند. بعد از زیارت، رفت بالای سر قبری، با دست اشاره کرد به زمین و آهسته گفت: «این محل مزار منه. مرا همین جا خاک کنید». بعد هم رو کرد به ناصر و گفت: «ما تکلیف حلوائیمان را روشن کردیم، تو نمی‌خواهی تکلیف بستنی ما را معلوم کنی؟»^۱

تحلیل و نتیجه:

عارفان دلسوخته ره عشق به فرمودهٔ حضرت علی علیه السلام غم و اندوهشان در دل بود، اما دارای چهره‌ای شاد و لب خندان داشتند. لذا فرمود: «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ، وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ...»^۲

حاج حسین خرازی یکی از نمونه‌های حدیث فوق بود و حتی در برخی موارد با شوخ‌طبعی خود مشکل را حل می‌کرد. برای نمونه به حکایتی در این باره اشاره می‌شود.

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۲۹، بر اساس زندگی سردار سرلشگر حاج حسین خرازی، به کوشش الهه حاجی حسینی

۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۲۴۳، قصار ۳۲۵.



به طرزوت باران

رجبعلی کریمی نقل می‌کند: عباس کمال‌پور فرمانده گردان در لشکر امام حسین علیه السلام بود و من منشی گردان بودم. مشکلی پیش آمد و مدّت طولانی شد. ناچار شدیم برای حل مشکل به سراغ حاج حسین خرازی برویم. سوار موتور شدیم و به سمت شهرک دارخوین به راه افتادیم. آقای خرازی در سنگر فرماندهی بود. داخل سنگر شدیم و پس از احوال‌پرسی گفت: «اینجا چه کار می‌کنید؟». عباس با ناراحتی شروع کرد وضعیت گردان و مشکلات آن را بیان کند. هردو ناراحت بودیم، یکی عباس می‌گفت و یکی من. حاج حسین بلند شد و گفت بنشینید روی زمین. حاجی دستور داده بود، ما نشستیم. آرام به سمت ما آمد و چفیه خودش را روی سر ما انداخت. زبانمان بند آمد. «حاجی می‌خواهد چه کار کند؟». جرأت سؤال کردن هم نداشتیم. یک وقت حاجی یک پارچ آب روی سر ما ریخت. پریدیم بالا. حاجی شروع کرد به خندیدن و ما هم به دنبال او. وقتی خنده را بر لبان ما دید گفت: «حالا آرام گزارش کنید تا ببینم چه شده و چه باید بکنیم». ^۱

۱- لبخند سنگر، پورقریان، حمیدرضا، ص ۱۴۵.



۴۰. ایثار

دوست شهید

عملیات طریق القدس بود. در حال پیش روی به معبر مین و سیم های خاردار دشمن رسیدند. همه نگاه می کردند. نمی دانستند چه کنند. حاج علی موحد دوست معطل نکرد. خودش را انداخت روی سیم ها. دستانش را خم نمی کرد. پلی شده بود برای عبور. فریاد زد: «معطل نکنید، همه رد شوید». بچه ها تک تک از روی تنش رد شدند. ^۱ توی جزیره مجنون، هیچ سنگر و خاکریز مناسبی نمانده بود. عراق هم پاتک کرده بود. حاج علی مسئول محور بود؛ ولی در آن شرایط خود، آر. پی. جی. می زد. به خاطر شدت فشار و صدای آر. پی. جی، خون از گوش هایش جاری شده بود. ^۲

تحلیل و نتیجه:

آری افرادی مانند سردار شهید حاج علی موحد دوست با ایثار خود درس از خود گذشتگی را به نیروهای تحت امر خود می دادند و این از مرتبه بالای ایمان آنها نشأت می گرفت که حضرت علی فرمودند: «الایثارُ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ، وَ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْإِيْمَانِ» ^۳ (ایثار، نیکوترین نیکوکاری و بالاترین مرتبه ایمان است). آن حضرت ایثار را برترین عبادت و بزرگترین سروری می داند: «الایثارُ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ، وَ أَجَلُّ سِيَادَةٍ». ^۴

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۱۷، بر اساس زندگی سردار شهید علی موحد دوست، به کوشش الهه حاجی حسینی

۲- همان، ص ۱۷

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۲، ح ۴.

۴- همان، جلد ۱۰



۴۱. نه گفتن به خود!

حجّت الاسلام سید محمّد رضا علاء الدینی

مادر شهید سید جواد اعتمادی می گفت: جواد شانزده ساله بود که به دوره آموزشی بسیج رفت تا به جبهه اعزام شود. وقتی دوره سه ماهه اش به پایان رسید و جهت رفتن به جبهه مهیا شد، نهار برایش برنج و شوید و باقالی با کوکو درست کردم؛ چون خیلی به این غذا علاقه داشت. وقتی غذا را کشیدم و سر سفره گذاشتم، هرچه پدرش و من او را صدا زدیم بیا نهارت را بخور، نیامد. من به سراغش رفتم و گفتم: سید جواد، عزیزم، نهار مورد علاقه ات را پخته ام، تو که خیلی برنج و شوید و باقالی با کوکو دوست داری، پس چرا نمی آیی بخوری؟! گفت: مادرم همین طور است، این غذا را خیلی دوست دارم و از شما بابت تهیه آن تشکر می کنم؛ لکن می خواهم از حالا بر خود مسلط باشم و به خود «نه» بگویم. و آن روز از خوردن آن غذا امتناع نمود.^۱

تحلیل و نتیجه:

شهادی ما به خیلی از آرزوها و امیالشان که حتی مباح و شرعی بود، «نه» گفتند؛ تا بتوانند در جهاد در راه خدا سختی ها را تحمل کنند، تا سبک بال به لقاء الهی نایل آیند.

امثال شهید جواد اعتمادی دریافته بودند که بهترین جهاد، جهاد با نفس است. همانگونه که مولای متقیان حضرت علی علیه السلام فرمودند: «خَيْرُ الْجِهَادِ جِهَادُ

۱- حجّت الاسلام حاج آقا علاء الدینی، به نقل از مادر شهید سید جواد اعتمادی فر از رهنان اصفهان.



النَّفْسِ»^۱ و فرمودند: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ عَنِ الْهَوَى، وَ فِطَائِمُهَا عَنِ اللَّذَاتِ الدُّنْيَا»^۲ (برترین جهاد، جهاد با نفس است از برای منع او از خواهش و باز گرفتن او از لذت‌های دنیا).

سعدی شیرازی چه زیبا سروده است:

دگر شهوت نفس، لذت نخوانی
گرت باز باشد دری آسمانی
گر از چنبر آز بازش پرانی
که در دام شهوت به گنجشک مانی
که تا زنده‌ای ره به معنی ندانی
گیاهت نماید گل بوستانی
اگر قدر نقدی که داری بدانی
که از دور عمرت بشد رایگانی
اگر همچنینش به آخر رسانی
چه افتاد تا صرف شد زندگانی
که می‌ترسم از کاروان باز مانی
که اوقات ضایع مکن تا توانی
که وقتی که حاجت بود در چکانی
که نامش برآمد به شیرین زبانی^۳

اگر لذت ترک لذت بدانی
هزاران در از خلق بر خود ببندی
سفرهای علوی کند مرغ جانت
ولیکن تو را صبر عنقا نباشد
ز صورت پرستیدن می‌هراسم
گر از باغ انست گیاهی برآید
دریغ آیدت هر دو عالم خریدن
به ملکی دمی زین نشاید خریدن
همین حاصلت باشد از عمر باقی
بیا تا به از زندگانی به دستت
چنان می‌روی ساکن و خواب در سر
وصیت همین است جان برادر
صدف وار باید زبان درکشیدن
همه عمر تلخی کشیده‌ست سعدی

۱- شرح غرر الحکم، ج ۳، ص ۱۴۸۸، ح ۴۹۵۰.

۲- همان، ج ۲، ص ۴۴۶، ح ۳۲۳۲.

۳- غزل شماره ۶۲ از سایت گنجور



۴۲. دست نداری، نیا جبهه!

دوست شهید

سر تا پایش پر از خاک بود. باید می رفت جلسه. رفت پیش راننده تانکر و گفت: «اگه می شه شلنگ را بگیر روی سر من تا سرم را بشورم». بعد کلی نق زدن شلنگ را گرفت رو سرش. با همون یک دست شروع کرد به شستن سرش.

نق زدن های راننده هنوز ادامه داشت. آخرش هم گفت: «آخه تو که دست نداری کی گفته بیای جبهه. تو به چه درد می خوری؟».

حاج حسین خرازی سرش را که شست تشکر کرد و رفت.^۱

تحلیل و نتیجه:

به قدری روح بعضی از فرماندهان دفاع مقدّس مانند فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام، حاج حسین خرازی بزرگ و معنوی بود که برای خود امتیازی بر یک بسیجی ساده قائل نبودند، و این از تواضع و فروتنی آنها سرچشمه می گرفت. خداوند با همین تواضعشان آنان را عزیز و محبوب دل های مؤمنین بسیجی و رزمنده قرار می داد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «همانا دو فرشته در آسمان بر بندگان گماشته شده اند، که هرکس برای خدا تواضع کند، او را بالا برند و هرکه تکبر کند پستش کنند».^۲

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۲۶، بر اساس زندگی سردار سرلشگر حاج حسین خرازی، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۵، ح ۲.



لذا حضرت علی علیه السلام امیر سخن فرمودند:

«مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلٌّ». ^۱ (هرکس بر مردم تکبر ورزد ذلیل و خوار شود.)

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«همانا فروتنی، بر رفعت صاحب خود می افزاید. پس فروتن باشید، تا خداوند

شما را رفعت بخشد.» ^۲

تعریف تواضع و فروتنی

عبارت است از حالتی که انسان خود را بالاتر و برتر از دیگران نبیند و افعال و اعمالش موجب بزرگداشت و تکریم و احترام دیگران باشد ^۳.

خداوند متعال یکی از صفات بندگان خاص را تواضع و برخورد همراه با سلامتی با نادانان بیان فرموده است.

وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ^۴

بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر با تواضع در زمین راه می روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند و سخنان نابخردانه گویند به آنها سلام می گویند او با بی اعتنائی و بزرگواری می گذرند.

۱- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۳۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۵۷، ح ۲۱۸۷۲.

۳- بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۳۲۳.

۴- فرقان / ۶۳



۴۳. آدم نبودید، وعده‌ی ما بهشت!

یکی از فرماندهان جنگ

یکی از فرماندهان جنگ روایت می‌کند، خدا رحمت کند (حاج عبدالله ضابط) را برایم تعریف می‌کرد خیلی دلم می‌خواست سید مرتضی آوینی را ببینم. یک روز به رفقاییش گفتم، جور کنید تا من سید مرتضی را ببینم. خلاصه نشد. بالاخره آقا سید مرتضی آوینی توی فکّه روی مین رفت و به آسمان‌ها پر کشید. تا اینکه یک وقتی آمدیم در منطقه جنگی با کاروان‌های راهیان نور. شب در آنجا ماندیم. در خواب شهید آوینی را دیدم و درد دل‌هایم را با او کردم. گفتم: آقا سید خیلی دلم می‌خواست تا وقتی زنده هستم بیایم و ببینم؛ اما توفیق نشد. سید به من گفت: ناراحت نباش فردا ساعت هشت صبح بیا سر پل کرخه، منتظرت هستم. صبح از خواب بیدار شدم.

من بیچاره که هنوز زنده بودن شهید را شک داشتم، گفتم: این چه خوابی بود، او که خیلی وقت است شهید شده است! گفتم حالا بروم ببینم چه می‌شود. بلند شدم و سرقراری رفتم که با من گذاشته بود. اما با نیم ساعت تأخیر. ساعت هشت و نیم دیدم خبری از آوینی نیست. داشتم مطمئن می‌شدم که خواب و خیال است. سربازی که آن نزدیکی‌ها در حال نگهبانی بود، نزدیک آمد و گفت: آقا شما منتظر کسی هستید؟ گفتم: بله. با یکی از رفقا قرار داشتیم. گفت: چه شکلی بود؟ برایش توصیف کردم. گفت: موهایش جوگندمی است. محاسنش هم اینجوری است. گفت: رفیقت آمد اینجا تا ساعت هشت هم منتظر شد نیامدی.



بعد که خواست بره به من گفت: کسی با این اسم و قیافه اینجا می آید. به او بگو آقا مرتضی آمد و خیلی منتظرت شد، نیامدی. کار داشت رفت. اما روی پل برایت با انگشت چیزی نوشته، برو بخوان.

رفتم دیدم خود آقا مرتضی نوشته:

آمدیم. نبودید. وعده ما بهشت؛ سید مرتضی آوینی!!

تحلیل و نتیجه:

زنده بودن شهید را ما نمی توانیم درک کنیم، چنانچه قرآن شریف می فرماید: (وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ) و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگوئید، بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید). (بقره / ۱۵۴).

پس اگر شهید زنده است با اجازه و قدرت الهی که در اختیار او قرار می گیرد می تواند با اجازهی حضرت حق از عالم برزخ به عالم دنیا بیاید و مجدداً به عالم ملکوت (برزخ) بازگردد!

چنانچه از معجزات حضرات معصومین: نقل شده که از عالم ملکوت به عالم ناسوت (دنیا) آمده اند و حوائج متوسلین به خود را به استجابت رساننده و به عالم مثال (برزخ) بازگشته اند. در نتیجه امکان اینکه برخی از شهدا بر مصالحی به حکمت الهی در دنیا آمده و بازگشت به عالم برزخ نمایند، وجود دارد.



۴۴. مرد آهنین لشکر امام حسین علیه السلام

دوست شهید

علی آهنین یا مرد آهنین لشگر، دو عنوانی بود که بعد از عملیات والفجر همه، سردار حاج علی موحد دوست را با آن می شناختند. اولین دلیلش استواری و استقامت وصف ناشدنی او بود و دوم ترکش های ریز و درشت آهنی زیادی که در داخل بدنش جا گرفته بود.^۱

تحلیل و نتیجه:

خداوند دوستدار مجاهدین رزمنده پیکار کننده ای است که گویی بنایی آهنین هستند!! در قرآن کریم آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ^۲»

از جمله مصداق های این آیه، سردار حاج علی موحد دوست بود که مانند فولاد در برابر دشمن بعثی مقاومت کرد و بارها زخمی شد و ترکش ها در بدنش باقی ماند، تا در نهایت در راه خدا شهید شد!! خوشا به حال خانواده های شهدا زیرا شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: شفع الشهيد نبی سبعین من اهله^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، شماره ۷، ص ۱۸، بر اساس زندگی سردار شهید علی موحد دوست، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- صف / ۴. (خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند گویی بنایی آهنین اند.)

۳- سایت خبرگزاری بین المللی شفقنا از کنز العمال، ج ۴، ص ۱ تا ۴



۴۵. عنایت شهید

یکی از متوسلین به مزار شهید

هنوز یک هفته هم از شهادتش نمی گذشت. مردی سر مزار عکس شهید را برای خانواده اش هدیه آورده بود. برایشان جای تعجب داشت. مرد گفته بود: «مشکلی داشتم که همه زندگی ام درگیر آن بود. موقع تدفین شهید [مسلم خیزاب، از مدافعین حرم] به مزارش آمدم و گفتم: «اگه شما به حق هستید مشکل من را حل کنید». نذر هم کردم عکس ایشان را طراحی و به خانواده اش هدیه کنم. شب به خوابم آمد و گفتم: «همه شهدا به حق هستند. مشکل شما هم به لطف خدا حل خواهد شد». حالا مشکل من رفع شده و دارم نذر من را ادا می کنم».^۱

تحلیل و نتیجه:

بر حق بودن شهدا و آبرومند بودن آنها نزد خدا در برآوردن حاجات افراد متوسل به آنها. بارها اتفاق افتاده و دوستان ما برایمان نقل کرده اند که ما متوسل به فلان شهید بر سر مزارش شدیم و حاجت گرفتیم و این مطلب به کزات رُخ داده است و در کتب مختلف نقل های فراوانی در این باره وجود دارد. از جمله این بنده ی حقیر^۲ بر سر مزار سردار شهید حاج اکبر آقابابایی دوست دوران مبارزه با

۱- رسول صادقی، برگرفته از کتاب پاکی و پایداری، خاطرات شهید مدافع حرم سرهنگ پاسدار مسلم خیزاب، ص ۱۲۴، الهه حاجی حسینی.

۲- مصنف.



به طرز کوت باران

رژیم ستم‌شاهی خود، بارها متوسل شدم و او را واسطهٔ توسل به حضرت دوست نمودم و حاجت گرفتم.

در گلستان شهدای اصفهان از جمله قبور مطهر شهدا که عده زیادی از آن حاجت گرفته‌اند مزار نورانی شهید محمد رضا توجی زاده است که به بررسی زندگی سراسر معنوی این شهید عزیز پرداخته خواهد شد. انشالله



۴۶. آداب زیارت

یکی از دوستان شهید

هم‌رزم دیگر شهید محمدرضا مغزیان، {در بیست و پنجمین همایش سالگرد شهادت او در روز جمعه ۹۱/۱/۲۵} تعریف کرد: یک سال با این شهید توفیق زیارت امام رضا علیه السلام را داشتم. وقتی وارد حرم شدیم پرسید: از امام چه درخواستی داری؟ و چه می‌کنی؟ گفتم: زیارت‌نامه می‌خوانم و حاجاتم را می‌طلبم. به من گفت: از بزرگی شنیدم که فرمود وقتی وارد حرم هر کدام از امامان می‌شوی اول یک سوره قرآن بخوان و به آن امام هدیه کن؛ چون قرآن همه‌اش نور است و سپس فکر کن آنها از تو چه می‌خواهند و آیا به وظایف عمل کرده‌ای یا نه؟ که مسلم عمل نکرده‌ایم! پس به حال خودت که چرا اهل عمل به دستورات آنها نبوده‌ای گریه کن و سپس با آن امام عهد کن که تا سال دیگر، یا نوبت بعدی که به زیارت می‌آیی یک کار مثبت مشخصی را انجام دهی و نوبت بعدی زیارت دقت کن که وفای به عهد کرده‌ای یا نه؟

تحلیل و نتیجه:

در بعضی روایات به نورانی بودن قرآن اشاره شده است. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَ شِفَاءٌ لِلصُّدُورِ» (در این قرآن چراغ‌های روشن نور (هدایت) و داروی شفابخش دلهاست).^۱

۱- چهل حدیث قرآن، شریفی، محمود، ص ۲۲، ح ۸.



به طرزوت باران

مراقبه و محاسبه مورد تأکید علماء عارف بوده است. آیت الله سعادت پرور می‌فرماید: «ای عزیزان من، محاسبه و مراقبه را در تمام اعمال و گفتار و کرارتان باید داشته باشید، نه سالی یک مرتبه، نه ماهی یک مرتبه، بلکه شبانه روزی یک مرتبه، اگر نگویم ساعتی یک مرتبه، نه ماهی یک مرتبه، بلکه شبانه روزی یک مرتبه، اگر نگویم ساعتی یک مرتبه محاسبه و هر آنی مراقبه لازم است.^۱ علامه طباطبایی (ره) خطاب به جوانی که از ایشان دستور اخلاقی خواسته بودند چنین مرقوم داشتند:

«السلام علیکم لازم است همتی بر آورده و توبه نموده، به مراقبه و محاسبه پردازید. به این نحو که هرروز طرف صبح که از خواب بیدار می‌شوید قصد جدی کنید که هر عمل پیش آید رضای خدا عز اسمه را مراعات خواهم کرد. آن وقت در هر کاری که می‌خواهید انجام دهید نفع آخرت را منظور خواهید داشت. به طوری که اگر نفع اخروی نداشته باشد انجام نخواهید داد. هرچه باشد و همین حال را تا شب، وقت خواب ادامه خواهید داد. وقت خواب، ۴،۵ دقیقه‌ای در کارهایی که روز انجام داده اید فکر کرده و یکی یکی از نظر خواهید گذراند. هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته شکر کنید و هر کدام تخلف شده استغفار کنید و این رویه را هر روز ادامه دهید.^۲

۱- پای درس عارفان، ص ۴۲۵.

۲- برنامه سلوک در نامه‌های سالکان، شیروانی دکترعلی، ص ۳۳۴ و ۳۳۵



۴۷. حسرت در قیامت!

حجّت الاسلام محمّد مهدی ماندگاری

حجّت الاسلام حاج آقا محمّد مهدی ماندگاری، در منبر و سخنرانی خود گفتند: در دوران جنگ تحمیلی، مادری به پادگان سپاه اهواز مراجعه کرده بود. به او گفته بودند مادر پادگان جای خانم نیست. گفته بود آمدم اینجا اگر پسر شهید شده او را تحویل بگیرم. گفته بودند: شما تشریف ببرید منزل اگر شهید شده باشد به شما خبر می‌دهیم. گفته بود: می‌دانم شهید شده، چون دیشب آمد به خوابم و گفت من شهید شدم و فردا مرا پادگان سپاه اهواز می‌آورند... خلاصه حریف این مادر نشدند وارد پادگان شد. چند ماشین شهید آورند. در یکی از تویوتاها جسد پسر شهید این مادر را آوردند وقتی جنازه پسرش که سوخته شده بود به دست این مادر دادند دو دستش را زیر جنازه برد و او را بلند کرد و گفت خدایا این چهارمین قربانی را از من قبول کن!!!

آقای ماندگاری می‌فرمود در قیامت خوبها هم حسرت می‌خورند که چرا بهتر نبودند. من و شما در مقابل این خانم حسرت می‌خوریم و خود را عقب می‌دانیم و آن خانم با چهار فرزند شهید خود را در مقابل حضرت زینب علیها السلام عقب می‌داند و به او حسرت می‌خورد!!!

۱- مجلس روضه، سوم صفر ۱۳۹۵ (۸/۱۰/۹۵)، اصفهان، خیابان عسگریه، خیابان گلستان، منزل حاج آقا رضوانیان. (مجمع فرهنگی رضوان).



تحلیل و نتیجه:

برای قیامت در قرآن ۷۰ نام آمده است. مرحوم «فیض کاشانی» در «محجة البیضاء» می‌گوید: «در هریک از نام‌های قیامت سرّی نهفته است و در هر توصیفی معنی مهمی بیان گشته، باید کوشید این معانی را درک کرد و به این اسرار راه یافت». از جمله این نام‌ها «یَوْمَ الْحَسْرَةِ» است. این نام که تنها در یک آیه از قرآن مجید آمده، تعبیری است تکان‌دهنده از روز قیامت که روز حسرت و تأسف و ندامت است: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ...»^۱ (آنها را از روز حسرت بترسان، روزی که همه چیز پایان می‌یابد و حکم نهایی صادر می‌شود...)

روز قیامت راستی روز اندوه و ندامت و حسرت شدید است. نه تنها برای بدکاران، بلکه حتی برای نیکوکاران، زیرا وقتی پادشاه‌های عظیم الهی را می‌بینند تأسف می‌خورند چرا بیشتر و بهتر کار نیک انجام نداده‌اند!! به هر حال اگر تأسف و حسرت در دنیا قابل جبران است در آنجا راهی برای جبران وجود ندارد و لذا باید آن روز را روز حسرت واقعی و روز حسرت بزرگ نامید، همین معنی در آیه‌ای دیگر آمده است:

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ^۲ «این هشدارها و خطارها به خاطر آن است که مبدا کسی روز قیامت بگوید واحسرتا! از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم»^۳.

۱- مریم / ۳۹.

۲- زمر / ۵۶.

۳- پیام قرآن، ج ۵، ص ۵۹ تا ۶۱.



یکی از راه‌هایی که در قیامت حسرت نداشته باشیم، صلوات مداوم بر حضرت محمد ﷺ است.

از امام صادق پرسیدند:

یوم الحسرة، کدام روز است که خدا می‌فرماید: «بترسان ایشان را از روز حسرت»؟

حضرت جواب دادند: «آن روز قیامت است که حتی نیکوکاران هم حسرت می‌خورند که چرا بیشتر نیکی نکردند.»

پرسیدند: آیا کسی هست که در آن روز حسرت نداشته باشد؟

حضرت فرمودند: «آری، کسی که در این دنیا مدام بر رسول خدا صلوات فرستاده باشد.»^۱

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «أَكثِرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَيَّ الصِّرَاطُ وَ نُورٌ فِي الْجَنَّةِ»^۲ بر من بسیار درود بفرستید؛ چرا که درود فرستادن بر من، برای درود فرستنده نوری است در قبر، نوری است بر صراط و نوری است در بهشت.

کومتر ببری به وقت میزان حسرات
از ثقل ثواب فیض ذکر صلوات^۳

خواهی که به رستخیز و روز عرصات
برنامه اعمال خودت افزون کن

۱- وسائل الشیعه، ج ۷.

۲- دایره المعارف جامع صلوات، علوی سیدمصطفی، ص ۱۷، از فضائل صلوات، ص ۱۱۷

۳- صلوات سرود آسمانی، به اهتمام لطفی علیرضا، ج ۱، ص ۱۶



۴۸. عاشورا درسی برای مقاومت تا شهادت

همسر شهید

همسر شهید سید یحیی براتی نقل می‌کند: یک شب خواب دیدم عازم سوریه شدم. برای ورود به حرم حضرت زینب(س) اذن دخول خواندم. همین که خواستم وارد شوم، نگاهم به پرچم سبزرنگی افتاد.

خاطرم هست که سید یحیی^۱ وارد حرم شد و من تا آمدم وارد شوم در بسته شد. کنارم خانمی ایستاده بود. از او پرسیدم: چرا اجازه ندادند من وارد شوم؟ آن خانم تبسمی کرد و جواب داد: جای شما اینجا نیست، تو باید بری کربلا

.....

از خواب بیدار شدم، موقع خواندن نماز صبح، خوابم را برای سید یحیی تعریف کردم، ایشان گفتند: دوست داری چادر حضرت زینب دوباره خاکی بشه؟! راضی هستی حضرت از دست تو ناراحت بشه؟! و....

بعد از این خواب بی‌تابی‌هایم کمتر شد و راضی به رفتنش [به سوریه] شدم.^۲

تحلیل و نتیجه:

اهمیت کار مدافعان حرم در جهاد تا شهادت کمتر از رزمندگان و شهدای ۸ سال دفاع مقدس نیست و چه بسا بالاتر است؛ زیرا در آن زمان دفاع از مملکت و ناموس خودمان مطرح بود لکن اینها در غربت در کشور غریب از مظلومان کشور

۱- پاسدار شهید مدافع حرم، سید یحیی براتی که در روستای خلیفه حلب در ۹۴/۹/۱۶ به شهادت رسید.
۲- به روایت همسر شهید: اشرف سادات براتی. از کتاب هجرت تا بهشت، پاسدار شهید یحیی براتی، فاطمه علی پور(صبا)، ص ۹۰.



دیگر دفاع کردند تا به شهادت رسیدند.

هر چند به یک اعتبار هم دفاع از مسلمانان مظلوم سوریه و عراق بود و هم دفاع از میهن و مردم خودمان. زیرا ابوبکر بغدادی سرکرده داعشی‌ها گفته بود بعد از تشکیل دولت اسلامی عراق و شام اولین جایی که حمله می‌کنیم ایران است. زیرا ایران دشمن اصلی ما است و مقام معظم رهبری مدظله العالی می‌فرماید: این کسی که از این جا بلند می‌شود می‌رود در عراق یا سوریه به عنوان دفاع از حریم اهل بیت در مقابل این تکفیری‌ها می‌ایستد... این دفاع از ایران، دفاع از جامعه اسلامی است.^۱

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «امروز مسئله شهدای حریم اهل بیت: مطرح است از ایران، از افغانستان، از کشورهای دیگر کسانی راه می‌افتند. این از اُون ماجراهای عجیب تاریخ است. جان خودشان را سپر قرار دادند برای اینکه دست این بدخواهان و این خبیث‌ها به حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) نرسد. لذا شأن اینها شأن بسیار بالایی است. این انگیزه چقدر قوی است؟! این ایمان چقدر شفاف است؟ که این جوان بلند می‌شود از همسر جوانش، از کودک خردسالش، از زندگی راحتش، می‌گذرد، می‌رود در یک کشور غریب در یک خاک غریب در راه خدا مجاهدت می‌کند و به شهادت می‌رسد این چیز کوچکی است؟ قدم به قدم تاریخ انقلاب اسلامی از این شگفتی‌های تاریخ‌ساز به خود دیده است! شگفتی است اینها، شگفتی است!!^۲

۱- سخنرانی ۱۳۵۹/۴/۵ در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، از سایت راسخون

۲- سخنرانی ۱۳۹۶/۵/۳۰ در دیدار با مسئولان و فعالان فرهنگی استان یزد



۴۹. اقتدا به علی اکبر علیه السلام

دوستان شهید

شب و روز نداشت در کوچه و خیابان، مدرسه و بازار و مسجد و حسینیه، علم انقلاب و مبارزه را در دست گرفته بود. شهید سردار حاج اکبر آقابابایی به پدر و مادرش می گفت: «راهم را یافته ام! من از علی اکبر امام حسین علیه السلام در کربلا عزیزتر که نیستم. حسین زمان، خمینی قهرمان، به میدان جهاد و مبارزه با یزیدیان آمده، باید به نصرت او شتاب کنم».^۱

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست

تحلیل و نتیجه:

افرادی مانند سردار حاج اکبر آقابابایی دریافته بودند که بزرگترین ثواب، جهاد در راه خداست. همانگونه که علی علیه السلام می فرماید: «ثَوَابُ الْجِهَادِ أَعْظَمُ الثَّوَابِ». ^۲ لذا سر از پا نمی شناختند و با الگو قرار دادن راه ابا عبدالله الحسین علیه السلام و یاران باوفایش در کربلا، شبانه روز در راه اسلام و انقلاب و دفاع از آنها تمام جدیت و کوشش خود را به کار گرفته بود و با بصیرت، امام زمان خودش را با عشق اطاعت می کرد!

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۱۰، بر اساس زندگی سردار حاج اکبر آقابابایی، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- شرح غرر الحکم، ج ۳، ص ۳۴۸.



۵۰. درس از عاشورا

خانواده شهید

حمیدرضا دایی تقی نشست روبه‌روی زهرا.^۱ از عاشورا گفت. از مردمان آن زمان که سه دسته شدند، بعضی مانند، بعضی به امام پیوستند و بعضی به یزید! حالا دیگر سال‌هاست همه آنها از دنیا رفته‌اند اما برخی با عزت و برخی با ذلت. می‌گفت:

«نگذار ما بمانیم و با ذلت بمیریم. حامی من باش تا حامی اسلام باشم».

حرف امام حسین علیه السلام و عاشورا که شد زهرا دیگر نتوانست مخالفتی کند.^۲

تحلیل و نتیجه:

در صورتی که امام حسین علیه السلام برای همه و حتی ائمه هدی علیهم السلام: الگو می‌باشد، چنانچه حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

«يَكُونُ لِي بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ أُسْوَةٌ»^۳ (حسین بن علی علیه السلام الگوی من است).

در کلام امام صادق علیه السلام نیز چنین آمده است:

«لِيَ أُسْوَةٌ بِمَا يُصْنَعُ الْحُسَيْنِ»^۴ (رفتار حسین علیه السلام الگوی من است).

رزمندگان ما نیز با الگو و اسوه قرار دادن امام حسین علیه السلام که فرمود: «وَلَكُمْ فِي

أُسْوَةٍ»^۵ (مکتب و روش من برای شما الگو است) به ایران اسلامی در دفاع مقدس

۱- شهید مدافع حرم، ستوان دوم پاسدار حمیدرضا دایی تقی، زهرا همسرش بود. دایی تقی در حلب سوریه ۹۴/۷/۳۰ به شهادت رسید.

۲- همسر شهید، از کتاب موجی که آرام گرفت، الهه حاجی حسینی، خاطرات شهید مدافع حرم ستوان دوم پاسدار حمیدرضا دایی تقی، ص ۷۷.

۳- بحار الانوار ج ۴، ص ۲۲۷.

۴- همان.

۵- مقتل مقرر، ص ۲۱۸.



به طرزوت باران

و چه در مقابل متجاوزان خونخوار و وحشی آدمکش وهابی های داعشی در عراق و سوریه، تا پای جان ایستادگی کردند و بعضی از آنها به مقام شهادت نائل آمدند و درس ایستادگی تا شهادت را از کربلای حسینی علیه السلام آموختند!

مهمترین درس ها و دستاوردهای قیام عاشورای حسینی عبارتند از:

الف: وحدت کلمه:

امام (ره) می فرماید: تمام این وحدت کلمه ای که مبدا پیروزی ما شد برای این مجالس عزا و این مجالس سوگواری ابا عبدالله الحسین (ع) است.^۱

ب: تقویت روح پر خاشگری در برابر اهریمنان

امام راحل می فرماید: این خون سیدالشهدا است که خون همه ملت های اسلامی را به جوش می آورد.^۲

ج: استواری در راه دین و اسلام

امام (ره) می فرماید: حضرت زینب علیه السلام... در مجلس یزید پلید... فرمود: ما اینا الّا جمیلاً^۳

د: عمل به وظیفه

امام (ره) می فرماید: ... و لو کشته بشویم شکست نداریم. حضرت سیدالشهدا هم که کشته شد لکن (آیا) شکست خورد؟ الان بیرق او بلند است و یزیدی تو کار نیست.^۴

۱- درس هایی از وصیت نامه امام خمینی، شیعیی مازندرانی، سید محمد، ص ۴۵، از تبیان دفتر سوم، ص ۹۵

۲- همان، از صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴

۳- همان از تبیان دفتر سوم، ص ۸۵

۴- همان، ص ۵۳



۵۱. مصمم

دوستان شهید

بیمارستان صدوقی. بعد از عمل جراحی با آن حال بدی که داشت خودش، خودش را مرخص کرد. چاره‌اش یک دست لباس بود که تهیه کرد. حاج علی موحد دوست خودش را رساند سپاه و ماشینی خواست. همه مات مانده بودند. با اصرار پیکانی گرفت. تا شهر داران بیشتر نتوانست برود، ماشین خراب شد. همان جا پرید پشت تویوتایی. آن هم جلوتر چپ کرد. سر پا که شد ایستاد کنار جاده. برای ماشین‌ها دست تکان می‌داد. آخر هم با اتوبوس خودش را به منطقه رساند.^۱

تحلیل و نتیجه:

رزمندگانی مثل سردار حاج علی موحد دوست به سوی خیرات شتابان بودند. کدام خیر افضل از جهاد و دفاع از اسلام و میهن اسلامی در برابر تجاوز دشمن بود؟! آنها با اینگونه رفتار به قول حضرت علی علیه السلام از نیکو حال‌ترین مردم بودند! چنانچه آن حضرت فرمودند: «أَغْبَطُ النَّاسِ الْمُسَارِعُ إِلَى الْخَيْرَاتِ»^۲ (نیکو حال‌ترین مردم کسی است که شتابان به سوی خیرات باشد).

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، شماره ۷، ص ۱۹، بر اساس زندگی سردار شهید علی موحد دوست، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۲۳، ح ۳۱۲۲.



۵۲. لباس سپاه

دوست شهید

برای اولین بار بود که سردار اکبر آقابابایی را با لباس فرم سپاه می دیدند، آن هم داخل لشکر امام حسین علیه السلام. رفت جلو و دست زد سر شانه اش و گفت:

«چقدر با این لباس اُبَهِت پیدا کردی؟ چرا همیشه نمی پوشی؟ چرا باهاش داخل شهر نمی آیی؟».

در جوابش آن قدر از ارزش این لباس مقدّس و مسئولیت‌هایی که پوشیدن آن میاره گفت که ترسید. آخر هم اضافه کرد: «اگر مجبور نبودم داخل لشکر هم نمی پوشیدم. این لباس خیلی باارزشه، همه کس نباید بپوشه!».^۱

تحلیل و نتیجه:

لباس سبز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم مانند لباس روحانیت از قداست ویژه‌ای برخوردار است.

اما سردار شهید حاج اکبر آقابابایی از روی تواضع و به جهت روح بلندی که داشت (که واقعاً نام اکبر زیننده آن بود) خود را در خور آن نمی دانست، اما حقیقتاً لباس سپاه زیننده قامت افرادی همچون او بود.

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۱۰، بر اساس زندگی سردار حاج اکبر آقابابایی.



۵۳. فرمان و عمل

دوستان شهید

در محور فاو منطقه‌ای بود که آب به داخل خط نفوذ کرده بود. همه در حال تلاش و تکاپو برای جلوگیری از نفوذ آب بودند. وجود دو عصا در کنار آب توجه همه را جلب کرد. نگاهشان را چرخاندند. سردار حاج علی موحد دوست عصاهایش را رها کرده، با پاهای زخمی داخل آب رفته بود و داشت کمک می‌کرد. نمی‌توانست فقط فرمان دهد، باید خود نیز عمل می‌کرد.^۱

تحلیل و نتیجه:

فرماندهان دفاع مقدّس از مولای متّقیان حضرت علی علیه السلام آموخته بودند که: سودمندترین اندوخته‌ها، کردار نیکوست. چنانچه آن حضرت فرموده است: «أَنْفَعُ الدَّخَائِرِ صَالِحُ الْأَعْمَالِ».^۲

آری آنان دریافته بودند که برتری نزد خداوند سبحان به نیکویی کردارهاست نه نیکویی گفتارها. همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «الْكَسْرُ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِحُسْنِ الْأَعْمَالِ لَا بِحُسْنِ الْأَقْوَالِ».^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۷، ص ۲۵، بر اساس زندگی سردار شهید علی موحد دوست، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۰۳، ح ۳۰۲۵.

۳- شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۸۱، ح ۱۹۲۴.



۵۴. تدبیر در قرآن

دوست شهید

شهید سردار حاج علی قوچانی، بیشتر از پنج آیه پشت سر هم نمی خواند. مکث می کرد، معنی اش را می خواند، تفکر می کرد، حلاجی می کرد، وقتی نکته ای از آیه می گرفت، سراغ آیات بعدی می رفت.^۱

همه شب تا سحر، آن عشقبازان	ز شوق دوست، چون شمع گدازان
کنند اجزاء قرآن را تلاوت	به ترتیب و تفکر وز درایت
کنند از فکر در آیات قرآن	هزاران درد جان خویش درمان
کتاب عشق، قرآن است دریاب	صحیفه سَدّ سبحان است دریاب
می شیرین پاک آسمان است	ز قرآن جو که تاک آسمان است
شهود غیبی و غیب شهودی است	صعود قوسی و قوس صعودی است
خوشا آنان که شب زین دفتر عشق	همی خوانند نام دلبر عشق
خوشا آنان که هر شب تا سحرگاه	بدین خوش نغمه از دل برکنند آه ^۲

تحلیل و نتیجه:

خواندن قرآن مقدمه ای است برای تدبیر، تفکر، تفقه و فهم قرآن و همه اینها مقدمه اند برای عمل خالصانه به قرآن. قرآن کریم می فرماید: **الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ...**^۳ (کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم، آن را چنان که شایسته ی آن است می خوانند، آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند، ...).

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۲۳.

۲- مرحوم مهدی الهی قمشه ای (ره).

۳- بقره / ۱۲۱.



مردم در برابر آیات الهی چند گروهند:

۱- قشری گرایان: که تمام اصرارشان بر ادای الفاظ و حروف از مخارج آن است. کمترین توجهی به معنا ندارند، تا چه رسد به قرآن عمل کنند!

۲- علم گرایان: که از الفاظ فراتر رفته، در معانی دقت می کنند؛ اما در عمل کردن ناکامند!

۳- مؤمنان راستین: که خواندن الفاظ و اندیشه در معانی را مقدمه‌ای برای عمل می دانند، و با خواندن قرآن روح تازه‌ای در کالبد آنها دمیده می شود.^۱

قرآن کریم هم دعوت به تدبّر و اندیشیدن در قرآن نموده است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ...»^۲ (آیا درباره‌ی قرآن نمی اندیشند؟...)

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «قرآن را بیاموزید که نیکوترین گفتار است و در آن دانا و آگاه شوید که بهار دلهاست...»^۳

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که قرآن را بیاموزد و به آن عمل نکند و دنیا دوستی و زینت آن را بر قرآن ترجیح دهد سزاوار خشم خداوند است، و در

ردیف یهود و نصاری قرار خواهد داشت؛ که کتاب خدا را پشت سر انداختند».^۴

قرآن کتابی است که کسی به عمق آن به طور کامل نمی رسد. امام علی علیه السلام

درباره‌ی بی کرانگی مفاهیم قرآن فرمودند: «بَحْرٌ لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ»^۵ (قرآن دریایی است که عمق و ته آن درک نمی شود).

۱- هزار و یک نکته از قرآن، ص ۲۷۲.

۲- نساء / ۸۲.

۳- چهل حدیث قرآن، ص ۴۴، ح ۲۳ از: جامع الاخبار و الآثار، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴- همان، ص ۳۲، ح ۱۶ از همان، ص ۲۲۱.

۵- تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۸۸.



به طرزوت باران

تدبّر در اصل از ماده «دبر» به معنی پشت سر و عاقبت چیزی است، بنابراین تدبّر یعنی بررسی نتایج و عواقب و پشت روی چیزی می‌باشد. و تفاوت آن با «تفکر» این است که تفکر مربوط به بررسی علل و خصوصیات یک موجود است. اما «تدبّر» مربوط به بررسی عواقب و نتایج آن است.^۱

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید: «کلمه‌ی «تدبّر» که فعل «یتدبّرون» مشتق از آن است به معنای این است که چیزی را بعد از چیز دیگر بگیریم و در مورد آیه‌ی شریفه به معنای تأمل در یک آیه بعد از آیه‌ی دیگر و یا تأمل و دقّت بعد از دقّت دیگر در آیه است...»^۲.

از آنچه بیان شد شاید بتوان نتیجه گرفت که «تدبّر» یعنی تأمل در آیات قرآن برای سیر از ظاهر آیات به باطن آیات نمودن است.

۱- تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۸.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۶.



۵۵. سوز خدمت حمیدرضا پورقربان

با خبر شدم سردار حاج اکبر آقابابایی بر اثر صدمات شیمیایی حالش خیلی سخت شده، سراسیمه خودم را به منزل او رساندم. وقتی زنگ درب منزل را زدم یکی دو تا از دوستانش درب را باز کردند. آنها به وضعیت بیماری حاجی تلاش می کردند و پیگیر مداوای او بودند. وقتی باخبر شدند برای عیادت او آمدم، گفتند: حال او خیلی ناچور شد و اکنون خواب است. از زحمات آنها تشکر کردم و به خانه آمدم اما نگران او بودم.

عصر که شد دلم تاب نیاورد. به منزلشان زنگ زدم، خود حاج اکبر گوشی را برداشت. بعد از احوالپرسی شروع کردم به دلسوزی و توییدن به او، که تو دین خود را به انقلاب ادا کردی با این وضع شیمیایی که داری باز به مأموریت برون مرزی چرا می روی؟! چرا بوسنی هرزگوین می روی؟ چرا افغانستان می روی؟ تو شهید زنده ای و... ناگهان جمله ای گفت که من نصیحت شدم و آب شدم و تو زمین فرو رفتم و اکبر بودن اسم و مسمای او بر من بیشتر ثابت شد. حاج اکبر گفت: پورقربان دعا کن سلامتی باشه، آدم دلش می خواد برا این انقلاب و اسلام و امام و شهیدان، شبانه روز تخته گاز کار و تلاش کنه!!



تحلیل و نتیجه:

آری حاج اکبر سوز خدمت و رسیدگی به همه نیازمندان و ستم‌دیدگان را داشت؛ حال اینکه آن محرومین ستم‌دیده در کردستان خودمان باشند یا مظلومان افغانستان یا مسلمانان بوسنی و هرزگوین باشند!

گویا این حدیث حضرت علی علیه السلام را نصب العین خود قرار داده بود که حضرت فرمودند: «أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةُ لِجَمِيعِ النَّاسِ وَ الْإِحْسَانُ إِلَيْهِمْ...»^۱ (شعار دل خود را مهربانی با جمیع مردم و احسان نمودن به سوی ایشان قرار بده...).

۱- شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۲۳۹۲.



۵۶. نظم

دوست شهید

مقیّد بود. حتّی در شرایط نامساعد جنگ، لباس های خود را مرتب می شست. با حوصله خاصی پهن می کرد و بعد از آن تا کرده و زیر پتو می گذاشت تا صاف شود. سردار حاج علی قوچانی می گفت: «اگه این ها را خوب تا کنی که اتو شود موقع پوشیدن آن لذّت می بری».^۱

تحلیل و نتیجه:

بسیاری از رزمندگان دفاع مقدّس و از جمله حاج علی قوچانی با نهج البلاغه و سخنان مولای متقیان حضرت علی علیه السلام آشنا بودند و اهمیّت نظم را از آنجا شناخته بودند که در شرایطی که آن حضرت فرق مبارکش به دست ابن ملجم مرادی (لعنة الله علیه) شکافته شده بود به امام حسن و امام حسین علیهم السلام وصیت کرد: «شما و همه فرزندان و کسانم و هرکه را نوشته ام به او رسد، به تقوای خدا و نظم داشتن در کارتان سفارش می کنم». «أوصیکمّا وَ جَمیعَ وُلدی وَ أهلی وَ مَنْ بَلَغَهُ کِتابی، بِتَقْوَى اللّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِکُمْ».^۲

۱- مالک اشتر، خاطراتی از سردار شهید حاج علی قوچانی، کرمانی، هاجر، ص ۹۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۳۴۶، ح ۲۰۳۳۴. از نهج البلاغه، ص ۴۷.



۵۷. بیت المال

دوستان شهید

شهید حاج ابراهیم جعفرزاده با یک کیف دستی به خانه آمده بود. تمام وسایل داخل کیف، برچسب داشت، حتی خودکار هم. کسی نباید به آنها دست می‌زد و استفاده می‌کرد. خودش هم استفاده نمی‌کرد. برچسبی که روی آن نوشته بود: مال بیت‌المال.^۱

وقتی که آمد به تیپ الغدیر، سرجمع دارای راه انداخت، یعنی برای شمارش و پخش هدایای مردمی و غیره آمار توی کار باشد. برای اولین بار توی تیپ برچسب و شماره کالا درست شد. بررسی ستادی راه افتاد. برآورد اطلاعات، برآورد عملیات، برآورد آمار و پشتیبانی را توی تیپ شکل داد. کلاً تیپ از این رو به آن رو شد.^۲

تحلیل و نتیجه:

افراد رزمنده‌ای مانند حاج ابراهیم جعفرزاده که نسبت به بیت‌المال حساس بودند به خوبی می‌دانستند که بیت‌المال هم از مصادیق حق‌الناس است و اگر کسی بر ذمه‌اش حق‌الناس باشد، نمی‌تواند از صراط بگذرد و در قیامت گرفتار می‌شود. چنانچه امام صادق علیه السلام فرمودند: «در پل صراط گردنه‌ای وجود دارد که هرکس بر ذمه‌اش حق‌الناس وجود داشته باشد، از آن نمی‌تواند رد شود».^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۱۱، ص ۲۶.

۲- اکبر فتوحی از کتاب: رهایی در هور، ص ۱۸۲.

۳- نگاهی به حق‌الناس، اکبری، محمود، ص ۱۶ به نقل از: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۹.



از آیت الله بهجت؛ سؤال شد: اولین مرحله سیر و سلوک به سوی خدا چیست؟ ایشان فرمودند: «این که حلال خدا را حلال بدانیم و حرام خدا را حرام».^۱

نکته هایی پیرامون حق الناس

- حق الناس در همه ابواب فقه وجود دارد. مثلاً در نماز باید مکان و لباس نمازگزار غصبی نباشد و یا در حج باید لباس احرام غصبی نباشد و در ارث نباید حقوق ورثه و حقوق میت از بین برود.
- طولانی ترین آیه قرآن درباره حق الناس است.^۲
- در حق الناس فرقی نمی کند که حق کوچک باشد یا بزرگ، حتی یک دانه گندم هم حساب دارد و کسی نمی تواند آن را از بین ببرد.
- انسان ممکن است که سه نوع ظلم کند: ظلم به خدا، ظلم به خود و ظلم به مردم. ممکن است خداوند دو قسم اول را ببخشد ولی ظلم به حقوق دیگران را نمی بخشد. مگر اینکه صاحب حقوق از او راضی شوند.
- با توجه به اهمیت حق الناس لازم است که هر شخصی برای رسیدگی به بدی ها و طلبکاری های خود دفتری داشته باشد لازم است هر شخصی به اندازه ای که فکر می کند در گذشته از حقوق دیگران تضییع نموده رد مظالم بدهد و یا لااقل وصیت کند بعد از خودش داده شود.
- اسلام طهارت و نجاسات را آسان گرفته و مردم آن را بر خود سخت میگیرند. اما به حق الناس اهمیت داده و مردم آن را ساده می انگارند.^۳

۱- عرفان در کلام اولیای ربانی، ص ۷.

۲- بقره/ ۲۸۲

۳- نگاهی به حق الناس، اکبری، محمود، ص ۲۰ و ۲۱



۵۸. دلسوز مردم

دوستان شهید

عملیات نصر. محور جادهٔ سنندج به سمت دانات. کار گره خورده بود. ضدانقلاب در روستا مخفی شده بود و از آنجا روی سر نیروها آتش می‌ریخت. یکی از برادران سپاه با سردار حاج اکبر آقابابایی تماس گرفت و گفت: «وضعیت اینجا خیلی بد، بچه‌ها دارند قتل عام می‌شوند. اجازه بده چند تا گلولهٔ خمپاره ۱۲۰ روانه روستا کنیم».

حاجی به هیچ عنوان راضی نشد. گفت: «جان نیروها که عزیزتر از اسلام نیست. حکم اسلام حفظ جان این مردم. درسته که ناآگاهند اما کافر که نیستند. مردم نباید آسیب ببینند».^۱

تحلیل و نتیجه:

همین دلسوزی‌ها و مراعات اخلاقی اسلامی حاجی نسبت به مردم کردستان بود که وقتی جنازه پاک او را از خیابان کمال اسماعیل اصفهان از مقابل سپاه منطقه تا گلستان شهدا و در آنجا تا هنگام خاکسپاری حمل می‌نمودند، نیروهای پیش‌مرگ گرد با تمام وجود برایش اشک می‌ریختند و وقتی او را به خاک سپردند بر روی خاک مزارش پا به پای دوستان صمیمی حاجی اشک‌ریزان بودند و حتی بعضی از آنها با سوز و گداز غیر قابل وصفی سوگوار او بودند!!^۲

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۱۴، بر اساس زندگی سردار حاج اکبر آقابابایی، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- حمیدرضا پورقربان



فرماندهان نظامی ما از جمله سردار حاج اکبر آقابابایی در جنگ با دشمن رعایت اصول نظامی اسلامی را می نمودند و همین دلسوزی های آنها بود که مردم کردستان با آنها همراه شدند و با اتحاد ایجاد شده بساط ضد انقلاب در کردستان برچیده شد. آری امثال حاج اکبر سرمشق خود را قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده بودند، آنجا که قرآن می فرماید: **مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ رَحْمًا بَيْنَهُمْ**^۱.

و پیامبر اکرم فرمودند: «خدای رحمان به مردمان دل رحم، رحم می کند. به ساکنان زمین رحم کنید تا آن که در آسمان است به شما رحم کند»^۲.

رفتار رزمندگان ما در دفاع و جنگ را مقایسه کنید با رفتار داعشی ها که وقتی حمله می کردند به زن و بچه و پیر و جوان رحم نمی کردند و در مواردی همی آنها را از دم تیغ کینه و سنگ دلی با قساوت قلب تمام، می گذراندند!!

درو و سپاس حضرت حق بر همه شهدای مدافع حرم بالخصوص سپهبد حاج قاسم سلیمانی که بساط خلافت پوشالی داعشی ها را در هم پیچید و نه تنها خدمت بزرگی به مردم عراق، سوریه، لبنان و ایران نمود بلکه با این کار به بشریت خدمت نمود. زیرا تروریست های داعشی افکار منحرف غیر خودشان را کفر و شرک می دانند که باید کسانی که غیر آنها می اندیشیدند کشته شوند و مال و ناموس شان مصادره گردد!!

۱- فتح / ۲۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۹۵، ح ۶۹۵۸.



۵۹. دويدن براي دوري شيطان!

اکبر صياد پورانی

خلبان اکبر صياد پورانی نقل می کند: در دوران تحصیل در آمریکا، روزی در بولتن خبری پایگاه «رسيس» که هر هفته منتشر می شد، مطلبی نوشته شده بود که توجه همه را به خود جلب کرد. مطلب این بود: «دانشجو بابایی ساعت ۲ بعد از نیمه شب می دود تا شيطان را از خودش دور کند!!».

من و بابایی هم افاق بودیم. ماجرای خبر بولتن را از او پرسیدم. «او گفت: چند شب پیش بی خوابی به سرم زده بود. رفتم میدان چمن پایگاه و شروع کردم به دويدن. از قضا کلنل «باکستر» فرمانده پایگاه با همسرش از میهمانی شبانه برمی گذشتند. آنها با دیدن من شگفت زده شدند. کلنل ماشین را نگه داشت و مرا صدا زد. نزد او رفتم. او گفت: در این وقت شب برای چه می دوی؟ گفتم خوابم نمی آمد، خواستم کمی ورزش کنم تا خسته شوم. گویا توضیح من برای کلنل قانع کننده نبود. او اصرار کرد تا واقعیت را برایش بگویم. به او گفتم: مسائلی در اطراف من می گذرد که گاهی موجب می شود شيطان با وسوسه هایش مرا به گناه بکشاند و در دین ما توصیه شده که در چنین مواقعی بدویم و یا دوش آب سرد بگیریم». آن دو با شنیدن حرف من، تا دقایقی می خندیدند، زیرا با ذهنیتی که نسبت به مسائل جنسی داشتند نمی توانستند رفتار مرا درک کنند.^۱

۱- پرواز تابی نهایت، ص ۳۶.



تحلیل و نتیجه:

رزندگان ما مثل شهید سرلشگر عباس بابایی در کنار جهاد و دفاع در برابر دشمن، جهاد اکبر داشتند که همان مبارزه با خواهش های نفسانی است. قرآن می فرماید: (وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)^۱ (و آنها که در راه ما جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد، و خداوند با نیکوکاران است).

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «برای باز داشتن نفس خود از خواهش هایش با آن مبارزه کن که مبارزه با نفس، همچون مبارزه با دشمن است، بر تو واجب است»^۲.
مجاهده با نفس خصلت مردان خداست. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:
«الْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ فِي اللَّهِ»^۳.

جهاد با نفس، جهاد اکبر است. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:
«بدانید که جهاد اکبر جهاد با نفس است، پس به پیکار با نفس های خویش پردازید تا نیکبخت شوید»^۴.

با پیکار با نفس آدمی صاحب اختیار نفس خویش شود.^۵ حکمت در دل های راه یابد و دل را فرا گیرد.^۶ و آدمی به اوج اهداف (معنوی) نایل گردد.^۷ و تقوا در آدمی به سرحد کمال رسد.^۸ و شیطان از انسان می گریزد.^۹

۱- عنکبوت / ۶۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۱، ح ۲۷۲۳.

۳- همان، ص ۸۵۲، ح ۲۷۳۷.

۴- همان، ح ۲۷۴۸.

۵- همان، ح ۲۷۶۶.

۶- همان، ح ۲۷۶۷.

۷- همان، ح ۲۷۶۹.

۸- همان، ح ۲۷۷۰.

۹- همان، ح ۲۷۶۸.



۶۰. بیکه تاز

دوست شهید

محل عملیات را که فهمید، رفت شناسایی، جلسه توجیهی بود. حاج حسین خرازی داشت از روی نقشه توضیح می‌داد که حاج علی موحد دوست رسید. نفس نفس می‌زد. دست گرفت برای حرف زدن و گفت: «حاجی سمت راست به کم آب گرفتگی داره. رفت و آمد بچه‌ها در او منطقه سخته!». حاج حسین خیره نگاهش کرد و بلند گفت: تو دوباره تنها رفتی شناسایی؟ اون هم زودتر از بقیه!».۱

کار همیشگی‌اش بود. به دعوای حاجی هم عادت داشت. ۱

تحلیل و نتیجه:

شهید آیت الله دکتر بهشتی می‌فرمود: «بهشت را به بها دهند نه به بهانه». و چه زیبا مراتب عالی بهشت را رزمندگان ما همچون سردار شهید حاج علی موحد دوست بدست آوردند، گویا این کلام مولی علی علیه السلام آویزه گوششان بود که فرموده است: «لَنْ يَفُوزَ بِالْجَنَّةِ إِلَّا السَّاعِي لَهَا»^۲ (فیروزی نیابد به بهشت مگر کسی که برای آن سعی و کوشش نماید).

آری رزمندگانی همچون سردار شهید حاج علی موحد دوست، گویا این سفارش قرآن را آویزه گوش قرار داده بودند که می‌فرماید:

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۷، ص ۲۱، بر اساس زندگی سردار شهید علی موحد دوست، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۶۱، ح ۷۴۰۳.



قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشِيًّا وَفُرَادَى...^۱ (بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید...).

سردار شهید حاج علی موحد دوست از عاملین به این آیه شریفه بود و در دفاع مقدّس معطل کسی نمی‌شد، آنجا که در جمع بود سخت کوش عرصه میدان مبارزه بود و هنگامی که تشخیص می‌داد باید فرادی عمل کند، بدون تردید با شجاعت به وظیفه خود عمل می‌نمود.



۶۱. کار فرهنگی و ارشادی

دوستان شهید

سردار شهید علی قوچانی، باید فضای شهر را هم مانند فضای جبهه می‌کرد؛ اگر نمی‌شد باید فضای جبهه را به مردم شهر نشان می‌داد. کارهای فرهنگی زیادی برای رسیدن به آن هدفش کرد. از زدن نمایشگاه گرفته تا تشکیل یک گروه تئاتر و نوشتن نمایشنامه‌های جنگی برای اجرا. می‌گفت: «وظیفه ما فقط جنگیدن در جبهه‌ها نیست. وظیفه اصلی ما امر به معروف و نهی از منکره. وقتی می‌آییم مرخصی باید راه بیفتیم در شهر و امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا شهر از فساد و منکرات در امان باشد».^۱

تحلیل و نتیجه:

رزمندگان همچون شهید حاج علی قوچانی می‌دانستند که برپا دارنده‌ی شریعت مقدّس اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است! همانگونه که مولی علی علیه السلام فرمودند: «قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ ...».^۲ (برپای دارنده شریعت یعنی دین امر کردن به معروف است، و نهی کردن از منکر می‌باشد، ...)

آنان برترین اعمال را در راه خدا داشتند چرا که برای امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه در همه جوانب کوشا بودند. حضرت علی می‌فرماید: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْخَلْقِ»^۳ (امر کردن به معروف، برترین اعمال خلق است).

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۲۷.

۲- شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۵۱۸، ح ۶۸۱۷.

۳- شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱۹۷۷.



۶۲. محاسبه نفس

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

برخی از رزمندگان دفاع مقدّس از شهیدان و جانبازان عزیز در طول ۸ سال دفاع مقدّس، همه روزه یا هر شب محاسبه نفس داشتند و گناهان و خطاهای خود را در دفترچه خاطرات می نوشتند و برای خود ریاضت‌های شرعی مثل خواندن فلان سوره یا روزه گرفتن، قرار می دادند تا نفس خود را مؤدب به آداب الهی نمایند و از آن جمله است شهید جواد حسام که در یادنای سمیرم در درگیری با اشرار به درجه رفیع شهادت نایل آمد و در گلستان شهدای اصفهان مرقد مطهر اوست.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این باره می فرمایند:

... من شرح حال شهید افشردی (حسن باقری) را می خواندم - به نظرم شرح حال ایشان یا یکی از همین شهدا بود - در آنجا ذکر شده بود که ایشان هر روز خطاهای خود را می نوشته است، همین که در توصیه علمای اخلاق و در توصیه‌های بعضی از احادیث و اینها هم هست که خطاهای خودتان را بنویسید، هر شب خودتان را محاسبه کنید، او این چیزها را روی کاغذ می نوشته، ماها رومان نمی شود خودمان بنویسیم. روی کاغذ بیاوریم، علنی کنیم، ولو بین خودمان و کاغذ. او در یادداشت‌های خود نوشته بود که مثلاً من شب دیدم که امروز این چند گناه را انجام دادم و این محاسبه نفس خیلی چیز خوبی است. انسان باید خود را محاسبه کند، بعد یکی یکی از انجام گناهان خود کم کند.^۱

۱- هفته‌نامه حیات طیبه، ش ۱۱۲، ۱/۶/۹۲.



بنده خود شاهد بودم که روزی سردار شهید حاج اکبر آقابابایی خطبه همام (خطبه متقین) را در مقابل خود گذاشته و در کنار هر صفت مثبت یا منفی می‌گذارد! از او سؤال کردم چه می‌کنی؟ او گفت: هر صفتی را که در این خطبه است اگر دارم مثبت می‌گذارم و اگر ندارم منفی در مقابلش قرار می‌دهم، تا تلاش کنم آن صفت را بدست بیاورم!^۱

تحلیل و نتیجه:

محاسبه‌ی نفس از مسائل مهمی است که انسان باید رعایت کند، مسئله‌ی محاسبه‌ی نفس که برخی از آن به «مراقبه» تعبیر می‌کنند. در فارسی می‌توان از واژه‌ی خودسنجی استفاده کرد. اینکه انسان خود را در زیر دید وجدان قرار دهد و به قول معروف کلاه خود را قاضی نماید.^۲

از حضرت امام موسی بن جعفر روایت شده است که فرمود: «لَيْسَ مِمَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ: فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَادَّ اللَّهَ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَعْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ»^۳ (از ما نیست کسی که هر روز نفس خودش را محاسبه نمی‌کند اگر کار خوبی از او در طول روز سر زده است، از خدا بخواهد که که برای روز بعد توفیق بیشتری به او بدهد تا آن کار را کاملتر و بهتر انجام دهد. و اگر کار بدی انجام داده استغفار کند و توبه نماید).

۱- حمیدرضا پورقربان

۲- جهاد نفس، آیت الله سیّد محمدتقی مدرسی، ص ۶۰۱.

۳- همان. از: الکافی، ج ۲، ص ۴۵۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۵.



۶۳. ولایت پذیری

دوستان شهید

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رزمندگان ما در دوران دفاع مقدّس، ولایت‌پذیری بود. آنان دریافته بودند که ولایت، حیات طیبه است، که خداوند در قرآن کریم فرمود:

(یا ایُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلّٰهِ وَ لِلرَّسُوْلِ اِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحِیُّکُمْ) ^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ندای دعوت خدا و رسولش را اجابت کنید، زیرا شما را زنده می‌کند».

به قول حافظ:

شواب روزه و حج قبول آن کس برد
که خاک میکدهٔ عشق را زیارت کرد
شهید مهدی باکری در وصیت‌نامهٔ خود آورده است:

«... عزیزانم اگر شبانه‌روز شکرگذار خدا باشیم که سرباز راستین امام را به ما عنایت فرموده، باز کم است. آگاه باشیم که سرباز راستین و صادق این نعمت شویم. خطر و سوسه‌های درونی و دنیافرینی را بشناسیم و بر حذر باشیم که صدق نیت و خلوص عمل، تنها چاره‌ساز ما است.

... بایستی محتوای فرامین امام را درک کنیم و عمل کنیم تا بلکه قدری از تکلیف خود را در شکرگذاری به جا آورده باشیم...».

شهید باکری، سخنان کوتاه امام(ره) را می‌نوشت و به دیوار اتاق می‌آویخت و می‌گفت:



به طرزوت باران

«سخنان امام^(ع) الهام گرفته از آیات الهی است، باید جلو چشمان ما باشد تا همیشه آن را ببینیم و از یاد نبریم».

شهید حسین خرازی، تابع بی چون و چرای امام امت بود. و می گفت:
«ما باید راه خودمان را در رهنمودهای امام(ره) پیدا کنیم و ببینیم که فرامین امام چیست و با جان و دل این فرامین را اطاعت کنیم».

عشق و ارادت شهید حسن باقری به امام(ره) چنان عمیق بود که هر وقت وعده ملاقات و دیدار با امام را به او می دادند، حاضر به خواب و خوراک نمی شد، فقط تا وقتی که از دیدار با امام برمی گشت.

گویا سخن دل همه ی رزمندگان در ولایت پذیری این بود که:

دل اگر مرد رهی شور شهیدان بایدت	همّت مردانه در غوغای میدان بایدت
گر تو را باشد هوای عدل مولایم علی	سینه ای مجروح ز تیغ نابکاران بایدت
بهر آن که نشکنی عهد اطاعت از ولی	همچو زهرای بتول درد فراوان بایدت ^۱

تحلیل و نتیجه:

این همه استقامت، تلاش و پیروزی و شهادت پذیری در جبهه های جنگ ما در دفاع مقدّس، به علّت ارادت خاص ویژه عاشقانه نسبت به حضرت امام خمینی؛ بعنوان ولی فقیه که اطاعتش را به عنوان نایب امام زمان^(عج) واجب می دانستند، بود. برای اثبات ولایت فقیه هم دلایل عقلی اقامه شده و هم دلایل نقلی مطرح است؛ از جمله دلایل ولایت فقیه، حدیث حضرت محمد^(ص) است، که فرمودند: «بارخدا یا جانشینان مرا مورد لطف قرار ده». سؤال شد: ای فرستاده خدا، جانشینان شما

۱- برگرفته از عاشقان بی ادعا، ص ۳۰ تا ۵۴.



چه کسانی هستند؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «کسانی که بعد از من می آیند و حدیث و سنت مرا روایت می کنند».^۱

امام خمینی؛ می فرماید: «در زمان غیبت در تمام اموری که امام معصوم: در آنها حق ولایت دارد، فقیه دارای ولایت است».^۲

وی می فرماید: «فقیه عادل... وصی پیامبر است و وصی نیز از تمام اختیارات شخص وصیت کننده [پیامبر ﷺ] برخوردار است».^۳

خلاصه آنکه رزمندگان و ملت انقلابی ایران ولی فقیه را نایب عام امام زمان (عج) می دانند و اطاعتش را واجب می شمردند.

۱- شئون و اختیارات ولی فقیه، امام خمینی؛ ج ۱۸، ص ۳۷؛ از: وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۸، ح ۵۰.

۲- همان، ص ۷۷.

۳- همان، ص ۴۷.



۶۴. مانند نیروها

دوستان شهید

جلسهٔ فرماندهٔ گردان‌ها بود. برای توجیه منطقه، به آشپزخانه سفارش مرغ سرخ کرده و نوشابه دادند. بعد از جلسه همهٔ فرماندهان به همراه برادر حاج اکبر آقابابایی برای خوردن غذا به اتاق دیگری رفتند. چشمش که به سفره افتاد خودش را کنار کشید و پرسید:

«بچه‌ها هم امشب همین غذا را دارند؟»

مسئول تدارکات سرش را زیر انداخت و گفت:

«ترتیب می‌دهیم فردا برایشان بپزند.»

عقب نشست و گفت: «برای من همان چیزی را بیاورید که بقیه می‌خورند.»^۱

تحلیل و نتیجه:

اینگونه رفتار فرماندهان ما در جنگ از ابعاد مختلفی قابل تحلیل و نتیجه است؛ زیرا از جهتی عدالت آنها را می‌رساند و از طرفی تواضع آنها را حکایت می‌نماید، چرا که برای خودشان که فرمانده هستند، حقی بیشتر از یک بسیجی ساده‌ی یک روز به جبهه آمده، قائل نیستند!!

زیبایی کار اینجاست که انسان‌های کریم و بزرگوار در عین بزرگی روح افرادی متواضع و فروتن هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را برترین مردم در بندگی خدا توصیف نموده است. لذا فرمود: «إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عَبْدًا مِّنْ تَوَاضَعٍ عَن رِّفْعَةٍ»^۲ (برترین

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۱۸، بر اساس زندگی سردار حاج اکبر آقابابایی، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۵۰، ح ۲۱۸۴۱.



مردم در بندگی (خدا) کسی است که در عین بزرگی فروتنی کند). و با همین عدالت‌ورزی و تواضع و فروتنی فرماندهان دفاع مقدّس ما بود که آنها روز به روز در چشم نیروهایشان عزیزتر و دوست داشتنی‌تر می‌شدند و با جان و دل فرمان آنها را اطاعت می‌نمودند.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «ثَمَرَةُ التَّوَّاضِعِ الْمُحِبَّةُ...»^۱ (ثمره فروتنی دوستی است...).

بسیاری از فرماندهان دفاع مقدس، مثل سردار شهید حاج اکبر آقابابایی به علت تواضع و فروتنی که با نیروهای تحت امر خود داشتند، محبّت و دوستی افراد را به دست می‌آوردند و محبوب دل آنها بودند.

۱- همان، ص ۶۸۵۴، ح ۲۱۸۶۰.



۶۵. نماز شب

محسن شاه‌رضایی

در دوران اسارت، یک شب در اثر صدایی از خواب پریدم. فانوس روشن بود. دیدم شهید «معزز» مشغول خواندن نماز شب است و در سجده می‌باشد. از بستم بلند نشدم تا او متوجه نشود که من او را دیده‌ام و دوباره خوابیدم. حدوداً دو ساعت بعد دوباره بیدار شدم، دیدم او هنوز نماز شب می‌خواند!!^۱

در یکی از شب‌ها، حاج آقا ابوترابی که در اردوگاه به سر می‌برد، به دلیل کسالت مزاج و تب شدیدی که داشت، پیراهنش خیس شده بود. آن شب، وقتی از خواب بیدار شدم، حاج آقا را دیدم که به حالت نشسته به دیوار تکیه داده بود و در حالی که از شدت تب می‌لرزید، مهر نماز را روی زانویش گذاشته بود و نماز شب می‌خواند.^۲

یکی از اسرا که پایش قطع شده بود، نیمه‌های شب از خواب بیدار می‌شد و بالشی جلوی خود می‌گذاشت و بعد مهر خود را روی آن قرار می‌داد و به صورت نشسته، مشغول خواندن نماز شب می‌شد. او مدت‌ها ذکر می‌گفت و اشک، مثل مروارید از چشمانش فرو می‌غلتید.^۳

در اردوگاه موصل ۴، یک شب به یکی از بچه‌ها که نگهبان شب بود، سفارش کردم که مرا برای نماز شب بیدار کند، وقتی سر موقع مرا بیدار کرد، متوجه شدم

۱- خاطرات کوتاه از عملیات‌های بزرگ، ص ۹۷؛ محسن شاه‌رضایی از عاشقان بی‌ادعا، ص ۸۸.

۲- همان، ص ۱۰۲.

۳- همان، ص ۱۰۷.



که بیش از نود درصد بچه‌ها مشغول خواندن نماز شب هستند. با دیدن این صحنه از خودم خجالت کشیدم.^۱

تحلیل و نتیجه:

آیات و روایات، ثمرات فراوانی را برای عبادت در شب و نماز شب مطرح می‌نماید که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- بهشت و نعمت‌های آن مثل باغ‌های بهشتی، درجات عالی بهشت، و...
 - ۲- نماز شب فخر مؤمن و زینت دنیا و آخرت،
- امام صادق علیه السلام فرمودند: «سه چیز باعث افتخار مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت است:

الف- نماز در آخر شب،

ب- ناامیدی از آنچه در دست مردم است،

ج- دوستی امام از آل محمد (صلی الله علیه و آله اجمعین).^۲

۳- نماز شب چراغ تاریکی قبر،

۴- نماز شب چراغ رضایت خدا،

۵- باعث محبت فرشتگان،

۶- روش پیامبران،

۷- نور معرفت خدا،

۸- ریشه‌ی ایمان،

۹- راحتی تن،

۱- نماز در اسارت، ص ۱۰۷.

۲- برکات شب و سحر در آیات و روایات، ترابیان، محسن، ص ۱۹۶.



- ۱۰- ناخوشی شیطان،
 - ۱۱- اسلحه علیه دشمنان،
 - ۱۲- رسیدن دعا به هدف اجابت،
 - ۱۳- پذیرش اعمال،
 - ۱۴- برکت در روزی،
 - ۱۵- شفیع میان صاحبش و فرشته مرگ،
 - ۱۶- فرش در قبر،
 - ۱۷- پاسخ نکیر و منکر،
 - ۱۸- مونس و زائر قبر تا روز قیامت،
 - ۱۹- سایه بالای سر در روز قیامت،
 - ۲۰- تاجی بر سر،
 - ۲۱- جامه‌ای بر تن،
 - ۲۲- نوری بر پیشانی،
 - ۲۳- پرده‌ای میان انسان و آتش،
 - ۲۴- حاجتی برای مؤمن نزد خدا،
 - ۲۵- سنگین کننده میزان عمل،
 - ۲۶- وسیله‌ی گذشتن از صراط،
 - ۲۷- و کلید در بهشت است.^۱
- برای همین بود که بسیاری از رزمندگان ما مزین به گوهر شب چراغ نماز شب بودند.

۱- همان، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.



۶۶. ایثار و شهادت طلبی

محسن شاه‌رضایی

در عملیات کربلای ۵، امدادگر بودم. در همین عملیات دو مجروح را دیدم که بر زمین افتاده بودند. بالای سر یکی از آنها رفتم که هفت ترکش خورده بود. خواستم زخم‌هایش را ببندم که دیدم با چشمانش به برادر مجروح دیگری اشاره می‌کند و منظورش این است که برو و به او رسیدگی کن. وقتی بالای سر برادر مجروح دیگر رفتم او نیز گفت: «اول جراحات برادرم را ببند و بعد زخم مرا رسیدگی کن».

مانده بودم چه کنم... عاقبت به سوی برادر اول که جراحات بیشتری داشت رفتم و زخم‌هایش را بستم. وقتی کارم به پایان رسید، متوجه شدم که مجروح دیگر به شهادت رسیده است!^۱

تحلیل و نتیجه:

وقتی انسان برای رضای حق پا در میدان نبرد و دفاع از اسلام و میهن و ناموس، نهاده است، حاضر است جان خود را فدا کند تا هم‌رزمش نجات پیدا کند!! این صحنه‌های دفاع مقدّس آدمی را به یاد ایثار در جنگ‌های صدر اسلام می‌اندازد که نقل شده چند تن از مسلمانان زخمی و تشنه بودند، آب آوردند. اولی گفت به دومی آب را بده و دومی گفت به سومی آب را بده و سومی گفت آب را به چهارمی بده و چهارمی گفت: آب را به اولی بده و وقتی سراغ اولی

۱- عاشقان بی‌ادعا، ص ۱۲۳، از خاطرات کوتاه از عملیات‌های بزرگ، محسن شاه‌رضایی، ص ۱۳.



به طرزوت باران

آمدند، شهید شده بود! به سراغ دومی رفتند، شهید شده بود! به سروق سومی آمدند، شهید شده بود! به سوی چهارمی شتافتند، او هم جان به جان آفرین تسلیم کرده بود و هر چهار تن با لب تشنه به دیدار محبوب شتافتند و شهید شدند!! و در حقیقت اوج مکارم اخلاق، ایثار است. لذا حضرت علی علیه السلام فرمودند: «غَايَةُ الْمَكَارِمِ الْإِيثَارُ»^۱.

و آن حضرت فرمودند: لَا تَكْمُلُ الْمَكَارِمُ إِلَّا بِالْعَفَافِ وَالْإِيثَارِ . مکارم اخلاق به کمال نرسد ، مگر با عفاف و ایثار .

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۴، ح ۲۱.



۶۷. به هنگامه‌ی آفتاب!!

محمدعلی صلصالی

در سال ۱۳۶۴ در منطقه عمومی پنجوین عراق در لشکر امام حسین علیه السلام در گردان امام حسین علیه السلام در حال پیش‌روی به سوی دشمن بعثی بودیم. در ستون گردان در حال حرکت بودم و من در این ستون نفر سوم بودم؛ نفر جلوی من (سید حسین موسوی) که از منطقه زواره بود، ناگهان به طرف من برگشت و گفت من شهید می‌شوم، وقتی آفتاب زد جنازه مرا پیدا می‌کنید!! لحظاتی بعد با دشمن درگیر شدیم و او شهید شد. من او را بغل کردم و به کنار سیم خاردار گذاشتم و به درگیری با عراقی‌ها ادامه دادیم و به جلو رفتیم...

بعد از ۱۳ سال من به همراه گروه تفحص برای پیدا کردن جنازه شهدا به همان منطقه رفتیم. مقارن طلوع آفتاب به حدود همان محلی رسیدیم که (سید حسین موسوی) شهید شده بود. ناگهان با برآمدن آفتاب لباس رزمنده‌ای را که از زیر خاک بیرون زده شده بود، دیدم که از بین رفته بود و استخوانهای شهیدی هویدا بود. وقتی کارت و پلاک او را دیدم او همان (سید حسین موسوی) بود که با سر زدن آفتاب او را پیدا کرده بودیم!! و من به یاد گفته آن شب افتادم که موسوی به من گفت: «من شهید می‌شوم و آفتاب که زد مرا پیدا می‌کنید!!!»



به طرز کوت باران

تحلیل و نتیجه:

خداوند دارای علم غیب است و به اندازه لازم آن را در اختیار انبیاء و ائمه هدی: قرار داده است. همچنین مقداری از آن را بر حسب حکمت به بعضی از مؤمنان و مؤمنات و از جمله بعضی از رزمندگان، عطا می کند که برای مثال از زمان شهادت خود مطلع می گردند!!



۶۸. نماز اول وقت

دوستان شهید

علی موحد دوست با اینکه پایش مجروح شده بود و نمی توانست آن را تکان دهد؛ با این حال، موقع اذان که می شد با هر سختی که بود می رفت وضو می گرفت و می ایستاد به نماز. برادر رزمنده ای که این صحنه را دید به خود آمد و گفت: چرا من نمازم را همیشه آخر وقت می خوانم؟!.

همین برایش سرمشق شد. از آن به بعد همیشه اول وقت نمازش را می خواند.^۱

تحلیل و نتیجه:

هیچ شریعتی از شرایع آسمانی بدون نماز نبوده است و این موضوعی است که در طول تاریخ به اثبات رسیده است.^۲

نماز، نردبان عروج است. نماز حدیث عشق و بهترین وسیله ارتباط مؤمن با حضرت دوست است که عاشقانه ترین حالت و زیباترین روحيات و تربیت های الهی را در نمازگزار پدید می آورد.^۳

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نماز را معراج مؤمن دانسته است: «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ»^۴ و نماز را کلید بهشت نامیده است: «الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ».^۵

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۷، ص ۲۶، بر اساس زندگی سردار شهید علی موحد دوست، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- دایرة المعارف مختصر نماز، امیری پور، احمد، ص ۳۵.

۳- همان، ص ۸۳.

۴- جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، عزیزی، عباس، ص ۳۵؛ از: کشف الاسرار، ج ۲، ص ۶۷۶.

۵- همان، ص ۳۹؛ از: نهج الفصاحه، ح ۱۵۸۸.



به طرزوت باران

روایات فراوانی مسلمان را به نماز اول وقت سفارش می کند. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «صَلِّ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا...». ^۱ امام صادق علیه السلام می فرمایند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ الصَّلَاةُ لَوَقْتِهَا...». ^۲ نماز اول وقت فواید فراوانی دارد که از آن جمله مواردی است که در روایات آمده است:

- ۱- استجاب دعا، ^۲ بهشتی شدن، ^۳ نور و برهان قیامت، ^۴ نجات از عذاب آخرت، ^۵ بدون حساب وارد بهشت شدن، ^۶ نجات از غفلت، ^۷ ملاقات با رسول خدا صلی الله علیه و آله در قیامت، ^۸ شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ^۹ قبولی اعمال، ^{۱۰} خشنودی خداوند، ^{۱۱} آمرزش گناهان، ^{۱۲} دوری شیطان، ^{۱۳} قبولی نماز، ^{۱۴} ملاقات خداوند، ^{۱۵} ثواب حج و عمره، ^{۱۶} تقرب به خداوند، ^{۱۷} نجات از آتش دوزخ، ^{۱۸} در پناه خدا بودن. ^۳

پس ما نیز توفیق نماز اول وقت با حضور قلب را از خداوند متعال بخواهیم تا از آثار و نتایج فراوان دنیوی، برزخی و اخروی آن بهره مند شویم. ان شاء الله.

۱- همان، از: نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲- همان، از: بحار، ج ۷۶، ص ۸۵.

۳- همان، برگرفته از روایات، ص ۳۱۱ تا ۳۴۹.



۶۹. خمس مال

همسر شهید بابایی

شهید عباس بابایی نسبت به احکام بسیار پایمند بود. وقتی به منزل می آمد، می پرسید: خمس مالتان را داده اید یا نه؟ و می گفت: گرچه من می دانم به شما خمس تعلق نمی گیرد، چرا که یک فرش دارید و آن هم مورد استفاده است. برنج و روغن هم از مصرف سالتان کم می آید، ولی با تمام این وجود باید از یک روحانی آگاه بخواهید تا خمس مالتان را حساب کند. ممکن است هیچ چیز به شما تعلق نگیرد، ولی این وظیفه همه ماست. او می گفت: چنانچه خمس مالتان را نپردازید مالتان پاک نیست و از نظر شرع هم اشکال دارد و از این گذشته مالتان برکت ندارد.^۱

تحلیل و نتیجه:

یکی از واجبات احکام اسلامی پرداخت خمس می باشد. خمس در هفت چیز واجب است: از جمله آن هفت چیز، منابع کسب و کار است. هرگاه انسان از طریق زراعت یا صنعت یا تجارت یا از طریق کارگری و کارمندی در مؤسسات درآمدی به دست آورد، چنانچه از مخارج سال او و همسر و فرزندان و سایر کسانی که نفقه‌ی آنها را می دهد زیاد آید، باید خمس (یک پنجم) آن را خمس بدهد.^۲ مصرف خمس باید با اجازه مجتهدی که از او تقلید می کند باشد.^۳

یکی از تقیدهای رزمندگان ما امثال شهید بابایی اهمیت دادن به پرداخت

خمس برای پاک‌ی مالشان بود.

۱- خانم اقدس بابایی، پرواز تا بی نهایت، ص ۵۹.

۲- رساله توضیح المسائل، حضرت آیت الله مکارم شیرازی، ص ۲۶۲.

۳- برداشت از همان، مسأله ۱۵۶۶.



۷۰. حرمت مادر

عباس محمّدی

شهید حسن کاظمی در عین اینکه در جبهه دارای شخصیتی معنوی و دوست داشتنی در بین رزمندگان بود، در عین حال در منزل نیز حرمت والدین را داشت و به آنها احترام بسیار می گذاشت. حسن بی سیم چی شهید علی باقری بود.

کاظمی یک بار که از جبهه به منزل برای دیدار پدر و مادرش مراجعه کرده بود، پس از چند روزی که در منزل والدینش بود، یک روز مادرش نهار تخم مرغ آماده کرده بودند. شب همان روز مادرش فرصت شام درست کردن پیدا نکرده بود و مجدداً تخم مرغ درست کرده بود. هنگام خورد شام حسن به مادرش می گوید: مادر دوباره تخم مرغ درست کردی؟! پس از چند لحظه کاظمی حالش دگرگون می شود و رنگ چهره اش متغیر می گردد و آثار ناراحتی در صورتش هویدا می شود و لقمه‌ی غذا در دستش خشک می شود و سفره را ترک می کند و داخل آشپزخانه می شود!

پدرش می گوید: سراغ پسر من در آشپزخانه رفته و از او پرسیدم: بابا حسن چیزی شده؟! چرا اینجا آمدی؟ که ناگهان دیدم اشک از چشمان حسن سرازیر است! او به من گفت: خدا مرا ببخشد، من اشتباه کردم، من نباید این جمله را به مادر من می گفتم، که مادر باز هم تخم مرغ درست کردی. امیدوارم مادر من حلال کند. او دو روز روزه گرفت و با این کار خود را تنبیه کرد! که چرا این جمله را به اعتراض به مادرش گفته است!

۱- عباس محمّدی، پنج شنبه ۱۳۹۶/۷/۶ بعد از تشییع جنازه شهید بی سر مدافع حرم، شهید محسن حججی،



تحلیل و نتیجه:

مشارکت و مددکاری و نیکوکاری به والدین با مال و آبرو و جان و فرمانبرداری محض از آنان (مگر در معصیت خدا)، سرلوحه‌ی رزمندگان ما بود.

خدای تعالی در قرآن کریم بعد از عبادت خودش و دوری از شرک، نیکی به والدین را امر فرموده است. و این نشانگر اهمیت آن است: (وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...)^۱.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْعِمْرَةِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ (نیکی به والدین از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه خدا برتر است). و فرمود: «هر کس روز آغازد و پدر و مادرش از او راضی باشند، دو در بهشت بر او گشوده شود».^۳

حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ»^۴ (نیکی به والدین، بزرگترین واجب است).

به جز شهید حسن کاظمی، نمونه‌های زیادی از رفتار محبت‌آمیز رزمندگان با پدر و مادر وجود دارد که یکی از زیباترین آنها رفتار شهید بی‌سر مدافع حرم شهید محسن حججی است که به هنگام وداع با پدر و مادر خود برای عزیمت به سوریه بعد از دست و رو بوسی گرم با آنها خود را روی پاهای آنها می‌اندازد و با احساس و عشق تمام پایشان را می‌بوسد!

مسجد امام، میدان امام، در محفل عزاداری سید الشهداء رزمندگان اسلام، هیئت محبات الزهرا سلام الله علیها

۱- نساء / ۳۶. (و خدا را پرستید، و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید، و به پدر و مادر، نیکی کنید،...)

۲- ترجمه جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۵۳.

۳- همان.

۴- غررالحکم، ح ۴۴۲۳.



۷۱. درخواست شهادت

دوستان شهید

عملیات والفجر ۸ تمام شد. حاج حسین عازم مگه بود. از علی موحد دوست خواست مسئول خط فاو شود. حاج علی امتناع می کرد، تا اینکه شرطی گذاشت. حاج حسین حالا کنار خانه خدا یاد شرطش افتاد. سخت بود اما ایستاد به نماز و شهادت علی موحد دوست را از خدا خواست. خدا اما زودتر حاجتش را داده بود.^۱

تحلیل و نتیجه:

فرماندهان دفاع مقدّس ما و بسیاری از رزمندگان با تیزهوشی و توفیق الهی، بر اساس احادیث پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار: ، عاشق شهادت در راه خدا بودند! وقتی حضرت محمّد ﷺ شرافتمندترین مرگ را شهادت می داند: «أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ»^۲ و حضرت علی از خداوند مسألت دارد که عاقبت او و مالک اشتر به سعادت و شهادت ختم شود!^۳ معلوم است که چرا رزمندگان ما تا این حد از خدای تعالی آرزوی شهادت در راهش را مسئلت داشتند.

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۷، ص ۲۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۲، ح ۹۷۵۰.

۳- همان، ح ۹۷۵۵.



۷۲. تواضع

حمیدرضا پورقربان

سردار شهید حاج اکبر آقابابایی هر وقت کسی از در سنگر یا اتاقش وارد می‌شد، او پیش‌سلام بود و وقتی درجه سرتیپی را زد، در مقابل تازه‌وارد هم پیش‌سلام بود و هم جلوی پایشان می‌ایستاد. بیشتر افراد با ناراحتی می‌گفتند: «شما یعنی فرمانده‌اید! چرا ما را شرمنده می‌کنید؟». می‌گفت: «اینجا جای این صحبت‌ها نیست، اینجا آدم باید انسانیتش را نشان دهد.».

تواضعش در برابر همه یکسان بود، یک سرباز، یک بسیجی یا یک پاسدار یا یک فرمانده، فرقی نمی‌کرد. دیگران هم مشتاق دیدارش بودند.^۱

تحلیل و نتیجه:

انسان‌های بزرگوار و خودساخته و پرورش یافته در مکتب پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه هدی (علیهم‌السلام): هر اندازه علم و عملشان در راه خدا افزون می‌گردد، تواضع و فروتنی آنها در برابر بندگان خدا، بیشتر می‌شود!

انسان‌های بلندمرتبه چون به فهم و دانایی برسند متواضع و فروتن شوند! چنانچه امیر سخن حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «إِذْ تَفَقَّهَ الرَّفِيعُ تَوَاضَعًا». ^۲ پس نشانه تکامل عقلی و فهم و دانایی انسان به این است که با بندگان خدا متواضع و فروتن باشد.

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، شماره ۹، ص ۱۹، براساس زندگی سردار شهید اکبر آقابابایی.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۸۵۸، ح ۲۱۸۸۶. (انسان بلندمرتبه چون به فهم و دانایی رسد، فروتن شود).



۷۳. شهادت طلبی حمیدرضا پورقربان

شهادای عالی مقام انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدّس، نه اینکه از شهادت هراسی به دل نداشتند بلکه همواره آرزوی آن را داشتند.

بنده بارها شاهد بودم که سردار شهید حاج اکبر آقابابایی بعد از هر عملیاتی از شهدای هم‌رزمش یاد می‌کرد و تأسف می‌خورد که چرا شهید نشده است. و انسان در چهره او می‌دید که با تمام وجود عاشق شهادت است. وقتی به او می‌گفتم حاج اکبر امثال شما باعث برکت برای نظام و جنگ هستید و وجود شما برای جنگ و دفاع لازم است برای پیروز شدن در عملیات‌ها و... او با تعجب به سخنان من سری تکان می‌داد و می‌گفت وقتی امثال شهید مطهری و شهید بهشتی و... شهید می‌شوند و این انقلاب پرقوت به راه خود ادامه می‌دهد. از شهادت امثال من هیچ مشکلی بوجود نمی‌آید اگر شهید نشوم ضرر کرده‌ام... .

و خداوند آرزوی او را برآورده کرد و پس از چندین مرتبه معجروحیت و شیمیایی شدن، عاقبت بر اثر صدمات شیمیایی به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

تحلیل و نتیجه:

فرماندهان دفاع مقدّس ما مثل سردار شهید حاج اکبر آقابابایی پیرو پیامبر اکرم ﷺ و مولایشان حضرت علی ﷺ بودند که شهادت را بر مرگ طبیعی ترجیح می‌دادند. چنانکه پیامبر گرامی ﷺ فرمودند: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، دوست دارم که در راه خدا بجنگم و کشته شوم و باز بجنگم و کشته شوم



و باز هم بجنگم و کشته شوم».^۱

و حضرت علی علیه السلام فرمودند: «همانا گرامی‌ترین مرگ کشته شدن است. سوگند به آن که جان پسر ابی طالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر آسانتر است از جان دادن در بستر که با طاعت خدا همراه نباشد».^۲

متن حدیث چنین است:

«إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ، وَالَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ
أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مَيَّةٍ عَلَى الْقَرَّاشِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ»

آن حضرت در حدیث دیگری خود را عاشق شهادت می‌داند:

«قَوْلَ اللَّهِ إِنِّي لَعَلَى الْحَقِّ، وَإِنِّي لِلشَّهَادَةِ لَمُحِبٌّ»^۳ (به خدا سوگند که من برحق

هستم و عاشق شهادتم).

۱- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۵، ح ۹۷۵۹.

۲- همان، ص ۲۸۷۷، ح ۹۷۷۱.

۳- همان، ص ۲۸۷۶، ح ۹۷۶۴.



۷۴. انصاف

دوستان شهید

پرویز سعیدی از دوستان امیر شهید سرلشکر خلبان عباس بابایی از دوران تحصیل دوران دبیرستانش با او چنین می نویسد:

یک روز که در کلاس هشتم درس می خواندیم، هنگام عبور از محله «چگینی» که از توابع شهرستان قزوین است، یکی از نوجوانان آنجا بی جهت به ما ناسزا گفت و این باعث شد تا با او گلاویز شویم. ما با عباس سه نفر بودیم و در برابرمان یک نفر. عباس پیش آمد و بر خلاف انتظار ما، که توقع داشتیم او به یاریمان بیاید، سعی کرد تا ما را از یکدیگر جدا کند و به درگیری پایان دهد. وقتی تلاش خود را بی نتیجه دید، ناگهان قیافه‌ای بسیار جدی گرفت و در جانب‌داری از طرف مقابل با ما درگیر شد.

من و دوستم که از حرکت عباس به خشم آمده بودیم، به درگیری خاتمه دادیم و به نشانه اعتراض، از او قهر کردیم. سپس بی آنکه به او اعتنا کنیم، راهمان را در پیش گرفتیم، اما او در طول راه به دنبال ما می دوید و فریاد می زد:

«مرا ببخشید، آخر شما دو نفر بودید و این انصاف نبود که یک نفر را کتک بزنید».^۱

۱- پرواز تا بی‌نهایت، ص ۲۳.



تحلیل و نتیجه:

عدل و انصاف از ویژگی های مردان خداست.

لذا حضرت علی علیه السلام فرمودند: «الْعَدْلُ اِنْصَافٌ»^۱ (عدالت انصاف است).
یعنی اینکه کسی خود را برابر داند با دیگران در اینکه حق خود را چنانکه از برای
خود می خواهد حق دیگران را هم از برای ایشان خواهد و به دنبال از بین بردن حق
کسی نباشد.^۲

و فرمود: «الْعَدْلُ يُصْلِحُ الْبَرِيَّةَ»^۳ (عدل احوال مردم را اصلاح می نماید). چه
ظاهر است که هرگاه مردم همه بعدل سلوک کنند و ستم و ظلمی نباشد کار همه
کمال انتظام و استحکام خواهد داشت.^۴

پس ما نیز به زیور عدل و انصاف خود را مزین کنیم، چرا که عدل و انصاف
برترین خصلت است. چنانچه حضرت وصی، امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:
«الْعَدْلُ اَفْضَلُ سَخِيَّةٍ»^۵ (برترین خصلت عدل می باشد).

۱- شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۴۷، ح ۱۵۷.

۲- همان.

۳- همان، ص ۱۳۳، ح ۴۹۶.

۴- همان.

۵- همان، ص ۲۴۰، ح ۹۷۷.



۷۵. تربیت از راه انفاق

دوستان شهید

شهید حاج ابراهیم جعفرزاده، حقوق ناچیزی می گرفت؛ اما بیشتر آن را خرج فقرا می کرد. اول هم فقرایی که در فامیل بودند. مقداری از حقوقش را هم هدیه و جایزه می خرید. هرچند وقت یک باری بچه‌ها را دور خود جمع می کرد برایشان مطالبی می گفت بعد هم یک مسابقه برگزار می نمود و به آنها جایزه می داد. روی تربیت بچه‌ها آن هم از کودکی خیلی تأکید داشت.^۱

تحلیل و نتیجه:

تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را باز یابد.^۲ و یا تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود، و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند.^۳ کار خدا و انبیاء و ائمه (علیهم السلام) تربیت انسان‌ها بوده است. حضرت امام علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) فرمود: «... قلب جوان، مانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو، پیش از آن که دلت و فکر درگیر شود، به تربیت تو مبادرت کردم...».^۴ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «بهترین چیزی که پدران برای پسرانشان به ارث می‌گذارند، تربیت است، نه مال، زیرا مال می‌رود و تربیت باقی می‌ماند».^۵

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۱۱، ص ۲۸.

۲- تربیت از منظر ولایت، مقام معظم رهبری، ص ۵۳

۳- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، امینی، ابراهیم، ص ۱۴.

۴- نهج البلاغه، فیض الاسلام، نامه ۳۱، فراز ۱۱، ص ۹۱۳.

۵- کودک‌نامه، ولی ابرقویی، روح الله، ص ۱۴۵.



۷۶. یاری

میرزا کرم زمانی

شهید سرلشگر خلبان عباس بابایی همیشه به فکر مردم بی بضاعت بود. در فصل تابستان به سراغ کشاورزان و باغبانان پیری که ناتوان بودند و وضع مالی خوبی نداشتند می‌رفت و آنان را در برداشت محصولشان یاری می‌کرد. زمستانها وقتی برف می‌بارید پارویی برمی‌داشت و پشت بامهای خانه‌های درماندگان و کسانی را که به هر دلیل توانایی انجام کار نداشتند پارو می‌کرد. به خاطر دارم مدتی قبل از شهادتش، در حال عبور از خیابان سعدی قزوین بودم که ناگهان عباس را دیدم. او معلولی را که از هر دو پا عاجز بود و توان حرکت نداشت، بردوش گرفته بود و برای اینکه شناخته نشود، پارچه‌ای نازک بر سر کشیده بود. من او را شناختم و با این گمان که خدای ناکرده برای بستگانش حادثه‌ای رخ داده است پیش رفتم. سلام کردم و با شگفتی پرسیدم:

چه اتفاقی افتاده عباس؟ به کجا می‌روی؟!

او که با دیدن من غافلگیر شده بود، اندکی ایستاد و گفت: «پیرمرد را برای استحمام به گرمابه می‌برم. او کسی را ندارد و مدتی است که به حمام نرفته است.»

با دیدن این صحنه، تکانی خوردم و در دل روح بلند او را تحسین کردم.^۱

۱- پرواز تابی‌نهایت، ص ۱۸۶.



تحلیل و نتیجه:

رسیدگی به امور محرومان و نیازمندان از ویژگی‌های مردان خداست. آیات قرآن کریم و روایات بر این امر سفارش نموده است.

امام صادق علیه السلام خیرخواهی به بندگان خدا را بهترین عمل دانسته‌اند. آن حضرت به یکی از اصحابشان فرمودند: «عَلَيْكَ بِالتَّصَحُّحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ، فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ»^۱ (بر تو باد که برای خدا نسبت به مخلوقش خیرخواه باشی که هرگز خدا را به عملی بهتر از آن ملاقات نکنی).

رسول خدا صلی الله علیه و آله عابدترین مردم را کسی دانسته که نسبت به همه مسلمین خیرخواه و پاک‌دل‌تر باشد: «أَنْسَكُ النَّاسَ نُسْكَاً أَنْصَحُهُمْ جَبِيّاً وَ أَسَلْمُهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ»^۲.

حضرت امام صادق علیه السلام فردی را که سودش به مردم بیشتر باشد و به خانواده‌ای شادی رساند را، محبوب‌ترین خلق خدا دانسته‌اند و فرمودند: «مخلوق، عیال خدا هستند و محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که به عیال خدا سود دهد و به خانواده‌ای، شادی رساند»^۳. آن حضرت روا ساختن حاجت مؤمن را از آزاد کردن هزار بنده، بهتر دانسته است.^۴

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را روا کند، خدای تبارک و تعالی به او خطاب کند که: «ثواب تو به عهده‌ی من است و به غیر بهشت برایت راضی نیاشم.»^۵

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۸، ح ۳.

۲- همان، ج ۲.

۳- همان، ج ۶.

۴- همان، ص ۲۷۷، ج ۳.

۵- همان، ص ۲۷۶، ج ۷.



۷۷. وصیت شهید قوچانی

خانواده شهید

شهید علی قوچانی در وصیت خود آورده است:

«برادران و خواهرانم، علمای در خط امام را شناسایی کنید و از خط ولایت فقیه محکم پشتیبانی کنید. از اختلاف پرهیزید که از هم پاشیدگی و نداشتن وحدت باعث می‌شود که ضربه جبران‌ناپذیری به پیکر این انقلاب جوان وارد آید و با تمام وجود فریاد بزنید: حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله و بدانید سالم‌ترین سازمان و تشکیلات، تشکیلات نماز جمعه است؛ چون اعضای آن سازمان تمام مردم نمازگزار هستند و هیئت مدیره آن ائمه جمعه و دبیر کل آن رهبر انقلاب. و بدانید این تشکیلات سالم‌ترین تشکیلات اسلامی است.^۱

مادرم و پدرم! خدا این امانتی که به شما داده بود، شما به صاحب اصلی آن بازگردانید و کسی که یک چیزی را امانت می‌گیرد موقع پس دادن آن هیچ‌گاه ناراحت نمی‌شود و آفرین بر شما که این امانتی خود را، این چنین تحویل دادید!^۲

تحلیل و نتیجه:

شهادت رمز بقای انقلاب را به پشتیبانی از ولایت فقیه دانسته‌اند و به تقویت نظام و رهبری و وحدت نیروهای مؤمن و حزب‌الله تأکید فراوانی نموده‌اند.

اینکه شهید حاج علی قوچانی وجود خود را امانتی می‌داند که باید امانت را به

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۳۱.

۲- مالک اشتر (خاطراتی از سردار شهید حاج علی قوچانی)، ص ۱۲۳.



به طرزوت باران

خدا باز گردانید، دریافته که هستی‌اش عاریه‌ای است و از خودش نیست، و ما از خدائیم و به سوی او بازمی‌گردیم. و این در حقیقت طریق سیر و سلوک عرفانی به سوی خداست.

استاد حضرت آیت الله مصباح یزدی در این باره می‌فرماید:

«در طریق سیر و سلوک عرفانی، انسان به مقامی می‌رسد که نه تنها در رفتار و ادراکات برای خود استقلالی نمی‌بیند، بلکه در اصل وجود خویش نیز برای خود استقلالی نمی‌بیند، یعنی می‌یابد که هستی‌اش عاریه‌ای است و از خودش نیست»^۱.

۱- به سوی خودسازی، آیت الله مصباح یزدی، ص ۱۷۸.



۷۸. اعتراض

دوستان شهید

زنگ ریاضی بود، معلم درس می‌داد: «عدد صفر ارزشی ندارد. عدد یک، یک ارزش دارد، حالا این یک را ما می‌گذاریم قبل از هزاران صفر که ارزش ندارد، این یک به بقیه ارزش می‌دهد».

معلم ادامه داد: «ما همه صفرهای این مملکتیم و شاه یک آن است، شاه است که به ما ارزش می‌دهد».

ابراهیم جعفرزاده بلند شد. اجازه آقا معلم «ما همه صفریم اما یک ما، امام زمان ع است، نه شاه. معلم عصبانی شد و او را از کلاس بیرون کرد.^۱

تحلیل و نتیجه:

شجاعت صفت مردان خداست که در راه دفاع از حق و حقیقت ترسی به دل راه نمی‌دهند و با قدرت و شهامت به وظیفه خود عمل می‌کنند.

حضرت علی ع می‌فرماید:

«الْشُّجَاعَةُ عِرٌّ حَاضِرٌ، وَالْجَبِينُ ذُلٌّ ظَاهِرٌ»^۲ (شجاعت و پایداری پیروزی و عزت موجود است و ترس و هراس ذلت روشن می‌باشد).

این شجاعت، حق‌گویی و ایستادگی بر حق را به همراه دارد؛ لذا حضرت علی

ع می‌فرماید: «نزدیکترین مردم به سوی خدا حق‌گوترین آنهاست».^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۱۱، ص ۱۰.

۲- بهشت اخلاقی، ج ۱، ص ۲۱۳؛ ج ۳ از: غررالحکم، ج ۱، ص ۱۵۲.

۳- همان، از: غررالحکم، ج ۲، ص ۴۳۳.



۷۹. مرز و بوم من، مکه‌ی من!

همسر شهید

خانم صدیقه حکمت همسر شهید سرلشگر خلبان تیمسار بابایی نقل می‌کند:
 سال ۱۳۶۶ بنا بود همراه عباس به سفر حج مشرف شویم.
 روز پرواز در فرودگاه حاضر شدیم. پس از تحویل ساک‌هایمان، در چهره
 عباس نوعی پریشانی دیدم. او سخت در اندیشه بود... پای پلکان که رسیدیم،
 ناگهان عباس مرا صدا زد و گفت: خدا به همراهتان.
 من و اطرافیان، شگفت‌زده شدیم. به او نگاه کردم و گفتم: مگر تو با ما
 نمی‌آیی؟... من پرسیدم: عباس! نکند تصمیم داری با ما نیایی؟!
 او گفت: من نمی‌توانم بیایم. کشتی‌ها باید سالم از تنگه بگذرند... آقای
 صراف از او خواست تا همراه ما بیاید... .

عباس گفت: مکه من این مرز و بوم است. مکه من آبهای گرم خلیج فارس و
 کشتی‌هایی است که باید سالم از آن عبور کنند. تا امنیت برقرار نباشد، من مشکل
 می‌توانم خودم را راضی کنم.

من که بغض، توان سخن گفتنم را گرفته بود و به سختی می‌توانستم حرف
 بزنم، با او خداحافظی کردم و به آرامی از پله‌های هوایما بالا آمدم. بعد از من همه
 با عباس خداحافظی کردند و به داخل هوایما آمدم. از پنجره هوایما می‌دیدم
 که عباس نگاهش را به ما دوخته و زیر لب چیزی می‌گوید. اشک از چشمانش
 سرازیر بود و در چهره من می‌نگریست. بعدها، وقتی از سفر حج بازگشتیم، شنیدم



که عباس در طی آن مدّت طرحی را به اجرا درآورد که با طرح او چهل فروند کشتی غول‌پیکر تجارتي از تنگه خور موسی به سلامت عبور کرده‌اند.^۱

تحلیل و نتیجه:

این احساس مسئولیت که ناشی از غیرتمندی و همیت دینی است، از سرلشگر بابایی واقعاً قابل تقدیس و ستودن است. اینکه او سعی و کوشش دائم در حراست و محافظت از آنچه محافظتش عقلاً یا شرعاً واجب و لازم است را تا این حد احساس مسئولیت می‌کند، همین غیرتمندی است. و این غیرتمندی امثال ایشان در دفاع مقدّس، ناشی از ایمان قوی آنهاست. حضرت محمّد ﷺ فرمودند: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ».^۲ و باز این غیرتمندی نشانه شجاعت او و پایداری او در راه خداست. حضرت وصی، مولا علی ﷺ فرمودند: «تَمَرَةُ الشَّجَاعَةِ الْغَيْرِيَّةِ».^۳ غیرتمندی از شریف‌ترین اخلاقیات و فضائل است و به واسطه همین صفت، مردانگی و رادردی ثابت و محقق می‌شود.^۴

از جمله فوائد و آثار غیرتمندی، عبارتند از:

- ۱- حفاظت و صیانت از حقوق شخصی و خانوادگی و اجتماعی،
- ۲- تقویت کننده روحیه مردانگی،
- ۳- گسترش فضائل اخلاقی،
- ۴- مانع رشد رذائل و زشتی‌ها،

۱- پرواز تا بی‌نهایت، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

۲- بهشت اخلاقی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۵.

۳- همان، ص ۲۵۷، ح ۳.

۴- همان.



به طرز کوت باران

- ۵- موجب حفظ مرزهای دینی و حفظ سنت‌های ملی و الهی،
- ۶- مانع نفوذ دشمن،
- ۷- رشد دهنده نهاد خانواده،
- ۸- حفظ دین و نهادهای دینی.^۱

۱- همان.



۸۰. سه برادر، سه عروج

دوستان شهید

سه برادر با هم هماهنگ بودند. هم داخل خانه و هم بیرون از آن با هم سر کار می‌رفتند، با هم در تظاهرات شرکت می‌کردند و با یکدیگر فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم شاه داشتند، آخر هم جبهه و شهادت.

ابراهیم جعفرزاده شهید شد، عبدالله مفقودالاثر شد، حبیب را هم پس از نه سال تکه‌ای از استخوان‌هایش را به همراه پلاک برای خانواده‌اش آوردند. راستی ما برای انقلاب و اسلام و جنگ و شهدا و... چه کردیم؟!'

شما در کوی دلبر جا گرفتید	مدال عشق از زهرا گرفتید
دل ما با شما آرام گیرد	چو عاشق دست ساقی جام گیرد
شما یادآور کرب و بلائید	شما فریاد زینب را نوائید
شما ارباب جنت ما گدائیم	همه طفل دبستان شمائیم

تحلیل و نتیجه:

خداوند توفیق ایثارگری را به خانواده‌هایی همچون شهید جعفرزاده می‌دهد که منتظر نمی‌مانند که دیگران بروند شهید شوند بعد اینها اقدام کنند و یا دیگران یک شهید داده‌اند، پس ما هم یک شهید داده‌ایم، وظیفه‌مان تمام شده است و لازم نیست از اعضاء خانواده‌ی ما کسی جبهه رود. نه هرگز! آنها با خدا در نهایت ایثار و اخلاص و شهادت‌طلبی معامله کردند. ایثار تنها در امور مالی نیست، بلکه ایثار جانی هم داریم و شهادت‌طلبی ایثار جانی است و این اوج بزرگواری می‌باشد.

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۱۱، ص ۱۱، با اضافه کردن جمله آخر.



۸۱. ایثار و شهادت طلبی

محسن شاه‌رضایی

شب‌های عملیات مکرر اتفاق می‌افتاد که در حین پیشروی در معبر، رزمندگان به میدان مین برخورد می‌کردند که یا کاملاً خنثی نشده و یا قابل پیش‌بینی نبود و یا با سیم‌های خاردار زیادی مواجه می‌شدند.

به هر حال در این معبرها مانده بودند که چه کنند که ناگاه یکی از برادران عزیز روحانی که هم وظیفه ارشاد بچه‌های گردان را داشت هم پیشاپیش آنها حرکت می‌کرد، گفت: بچه‌ها شما رو قسم می‌دهم که روی این سیم خاردار می‌خوابم و شما به سرعت از روی من رد بشین!

و بعد منتظر جواب نماند و خود را روی سیم خاردارها انداخت و فشار و تیزی آنها را به بدن خویش خرید. بچه‌ها ابتدا نمی‌رفتند، حداقل می‌خواستند یکی از خودشان این کار را بکند، ولی حاج‌آقای روحانی که به صورت، روی سیم خاردار خوابیده بود، بچه‌ها را قسم می‌داد که وقت را تلف نکنید و تعارف نکنید و از روی من عبور کنید. بیش از شصت و هشت نفر از بچه‌ها بدین ترتیب از روی بدن این عزیز گذشتند و به پیشروی خود به سوی دشمن ادامه دادند. این ایثارگری نقش بسیار مهمی در کسب و تصرف مواضع دشمن و انهدام نیروهای بعثی داشت.^۱

۱- عاشقان بی‌ادعا، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ از: روایت عشق، ص ۹۶.



تحلیل و نتیجه:

اینگونه ایثارگری‌ها باعث می‌شد که سایر رزمندگان نیز ایثارگر تربیت شوند و در زمان‌های حساس با ایثارگری جان خود را فدای سایر رزمندگان کنند و همین‌ها بودند که فتح و نصرت را در عملیات‌ها به ارمغان می‌آوردند. رزمندگان ما درس ایثار و شهادت‌طلبی را از امیر مؤمنان سرور متقین حضرت علی علیه السلام آموخته بودند که در «لیله المیت» در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله به جای ایشان خوابید و حاضر شد جان خود را فدای پیامبر صلی الله علیه و آله نماید و آیه: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ)^۱ در شأن او نازل گردید.

ایثار برترین نیکویی است. همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرمودند:

إِثَارٌ أَشْرَفُ الْإِحْسَانِ^۲

و فرمود: ایثار خصلت نیکوکاران است. الإِثَارُ شِيمَةُ الْأَبْرَارِ^۳

و فرمود: ایثار بالاترین مکارم و خوبیهاست. الإِثَارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ^۴

و فرمود: ایثار بالاترین پایه‌های ایمان است. الإِثَارُ ... وَ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْإِيمَانِ^۵

۱- بقره / ۲۰۷. (بعضی از مردم، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند، و خدا نسبت به بندگان مهربان است.)

۲- شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۳۹۹

۳- همان، ص ۱۵۹، ح ۶۰۶

۴- همان، ص ۲۴۲، ح ۹۸۶

۵- همان، ج ۲، ص ۳۱، ح ۱۷۰۵



۸۲. عشق به نماز

دوستان شهید

دکترها گفته بودند: «[به علّت شیمیایی شدنش] با از کار افتادن کبدش حافظه‌اش را از دست می‌دهد و قدرت تشخیص افراد را هم، دیگر ندارد».

کم کم آثارش هویدا شد. سردار حاج اکبر آقابابایی تنها چیزی که تفاوتی برایش نکرده بود، شنیدن صدای اذان بود و مهیا شدنش برای نماز.

صدای اذان را که می‌شنید مثل قبل آماده می‌شد، مثل قبل نماز می‌خواند و مانند گذشته به نماز عشق می‌ورزید.^۱

پیام ارجعی در گوش کردی	تو ساقی شو که کوثر نوش کردی
که از خاک تو گیریم اعتباری	بده ما را مقام خاکساری
شما رفتید ما واماندگانیم	نمارحمی که ما بیچارگانیم

تحلیل و نتیجه:

به قدری نماز اول وقت فضیلت دارد که اگر نماز را کسی اول وقت نخواند، مثل این است که اصلاً نماز نخوانده است!!

در این باره حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ صَلَّى فِي غَيْرِ الْوَقْتِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ»^۲ (کسی که نماز در غیر وقت بخواند، مثل اینکه نماز نخوانده است). رزمندگان ما و از جمله سردار حاج اکبر آقابابایی بجز فضیلت‌های نماز اول وقت بر اثر صفای باطن، انس با خدا را مشتاق بودند و به نماز اول وقت عشق می‌ورزیدند.

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۲۰، براساس زندگی سردار حاج اکبر آقابابایی، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- جامع آیات و احادیث نماز، ص ۳۲۷، ح ۶۱۰.



۸۳. مبارزه‌ی همه‌جانبه

دوستان شهید

سردار شهید علی موحد دوست، چند روزی که به مرخصی می‌آمد بیشتر وقتش را سر زمین بود. علاقه‌ی زیادی به کشاورزی داشت. گندم درو می‌کرد. می‌گفت: «اینجا مثل جبهه است. ما باید با توسعه کشاورزی نیاز خود را برآورده سازیم تا دیگر محتاج کشورهای دیگر نباشیم».^۱

تحلیل و نتیجه:

کشاورزی شعل مقدّس و پرثوابی است که در قیامت کشاورزان از همگان بهتر و قرب و منزلتشان از همه بیشتر است!!
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کشاورزان گنج‌های مردمند، بذر پاکیزه‌ای را می‌کارند که خداوند عزّ و جلّ آن را به بار می‌نشانند، مقام آنها در روز قیامت از همگان بهتر و قرب و منزلتشان از همه بیشتر است و مبارک خوانده می‌شوند!!».^۲
حالا اگر هدف از کشاورزی ایجاد استقلال کشور باشد که این کار مقدّس‌تر می‌گردد و چه بسا ثواب آن افزون می‌گردد.

امام باقر علیه السلام فرمودند که حضرت علی علیه السلام می‌فرمودند: «هرکه با وجود داشتن آب و خاک نیازمند باشد خداوند (از رحمت خود) دورش کند».^۳ و خلاصه اینکه در میان کارها هیچ کاری نزد خدا محبوب‌تر از کشاورزی نیست!!

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۷، ص ۲۹.

۲- بهشت اخلاقی، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۶.

۳- همان، ص ۴۳۶، ح ۷؛ به نقل از: قرب الاسناد، ص ۱۱۵.



به طرزوت باران

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الزَّرْعَةِ»^۱.
برخی از رزمندگان با توجّه به ارزش و ثواب کشاورزی، با تیزهوشی و ایمانی
که داشتند در صدد استقلال و خودکفایی کشور، از راه کشاورزی بودند و این
درسی برای همه مردم و مسئولین نظام است که در کنار صنعتی کردن کشور از
توسعه کشاورزی غفلت نکنند.

۱- همان، ح ۸؛ به نقل از: مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۱، ح ۱۵۸۹۸.



۸۴. ساده‌زیستی

دوستان شهید

حاج علی قوچانی، ده سال بیشتر نداشت، برای عید نوروز والدین او لباس نو برایش خریده بودند، اما علی قبول نمی‌کرد. می‌گفت: «من لباس نمی‌خواهم همین‌ها خوبند... آدم به چه رویی می‌تونه بره بیرون. شاید خیلی‌ها نتونسته باشند لباس نو بخرند.»^۱

تحلیل و نتیجه:

شعور و فهم و انصاف و عدالت به سن و سال بستگی تام ندارد!! افرادی مانند سردار شهید علی قوچانی بر اثر تربیت اسلامی و الهی از بعضی از انسان‌های بزرگ در سن نوجوانی، فهمیده‌تر، با بصیرت‌تر، عادل‌تر و منصف‌تر بودند!!

انصاف داشتن از برترین فضائل است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «الْإِنصَافُ أَفْضَلُ الْفَضَائِلِ». ^۲ انصاف دلها را به هم الفت و پیوند می‌دهد، همانگونه آن حضرت فرمودند: «الْإِنصَافُ يَأْلِفُ الْقُلُوبَ». ^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که با فقرا همدردی کند و کمک مالی به آنها بدهد و رعایت حقوق مردم را بنماید حقیقتاً مؤمن است». ^۴

۱- برگرفته از: ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، بر اساس زندگی شهید حاج علی قوچانی، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۰۳، ح ۸۰۵.

۳- همان، ص ۲۹۴، ح ۱۱۳۰.

۴- بهشت اخلاق، ص ۳۴۴، ح ۲، به نقل از جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۶۸.



۸۵. امداد غیبی

دوستان شهید

در راه مریوان سنج بودند. ماشین با سرعت جاده را می پیمود که یک دفعه راننده پایش را روی ترمز گذاشت. ماری بزرگ در میان جاده بود. بچه ها با کلت نشانه گرفتند. شهید علی قوچانی، منعشان کرد؛ ولی فایده نداشت. مار را کشتند. در حال کنار زدن مار از میان جاده بودند که متوجه مین انفجاری زیر آن شدند؛ مین ضد خودرویی که دشمن وسط جاده کار گذاشته بود!

تحلیل و نتیجه:

این وعده الهی است که اگر خدا را یاری کنید، خداوند هم شما را یاری می کند: (یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ).^۲ این یاری با قدرت مطلق حضرت حق می تواند در همه زمینه ها باشد و از آن جمله می تواند امدادهای غیبی خداوند را در حق انسان شامل شود.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «... خداوند از روی خواری و ناچاری از شما نصرت و یاری نمی خواهد... او از شماری یاری خواسته در حالی که خود عزیز و حکیم است و سپاهیان آسمان و زمین به فرمان او هستند. نصرت خواهی و استقراض الهی برای آن است که شما را بیازماید و بهترین عامل به نیکی ها را

مشخص سازد».^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۱۵.

۲- محمد / ۷

۳- تفسیر نور، ج ۱۱، ص ۶۵، به نقل از: نهج البلاغه، خطبه ی ۱۸۳.



در سوره آل عمران می فرماید: (وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ...)^۱ (خداوند شما را در جنگ بدر یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک پیروز ساخت)، در حالی که شما (نسبت به آنها) ناتوان بودید...^۲. در آیه بعد سخن از یاری رساندن سه هزار فرشته در جنگ بدر مطرح می شود و خداوند در ادامه این آیه می فرماید: «آری امروز هم اگر (در جنگ اُحُد) استقامت کنید... خداوند به وسیله پنج هزار نفر از فرشتگان... شما را یاری می رساند». ^۲ امداد غیبی خداوند به انسان های صابر و مجاهد از مسلمات قرآن و روایات است.

۱- آل عمران / ۱۲۳

۲- آل عمران / ۱۲۵



۸۶. اخلاص کامل

عباس محمّدی

شهید حسن کاظمی بی سیم چی شهید علی باقری بود. کاظمی در جبهه حالات معنوی بسیار خوبی داشت. پدرش نقل می کند، یک بار هنوز مدّت کوتاهی بود که به جبهه رفته بود، زود به مرخصی آمد! از او سؤال کردم: حسن، بابا، چی شده که زود به مرخصی آمده‌ای؟! گفت: ما را برای زیارت قم برده بودند، از قم مرخصی آمدم.

حسن برای نماز جماعت به مسجد رفت. دوستانش به من گفتند: پسران به سختی نماز می خواند، مشکلی برایش پیش آمده؟ گفتم: نمی دانم، از او می پرسم و به شما می گویم.

وقتی پسرم به خانه آمد، دقت کردم دیدم که در قسمت شانه هایش، به پشت لباسش خونابه است! سؤال کردم حسن جان، بابا، این خونابه‌ها به لباست از چیست؟!

در اینجا بود که او آنچه را از من و مادرش مخفی می کرد مجبور شد افشاء کند و گفت: بابا من زخمی شده بودم، من را با عده‌ای از زخمی‌های دیگر به قم برای مداوا بردند، برای همین است که من مرخصی به خانه آمدم. آری او زخمی شدن خود را نیز از والدین خود مخفی کرده بود!!



تحلیل و نتیجه:

بعضی از رزمندگان ما از روی خلوص یتّی که داشتند از مسئولیت‌ها و مجاهدتها و زحماتی که در راه دفاع متحمل می‌شدند، سخن نمی‌گفتند! این گونه سِرداری رزمندگان را شاید بتوان گفت به جهت این است که انسان مُخَلِّص دوست ندارد برای کاری که برای خدا انجام داده ستوده شود.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «برای هر چیز واقعیت‌داری، حقیقتی است. بنده‌ای به حقیقت اخلاص نمی‌رسد، مگر وقتی دوست ندارد بر کاری که برای خدا انجام داده ستوده شود».^۱

و آن حضرت فرمودند: «أَخْلِصُوا أَعْمَالَكُمْ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا خَلَصَ لَهُ»^۲ (اعمال خود را برای خدا خالص کنید، زیرا خداوند نپذیرد مگر آنچه را که خالص برای او باشد).

انسان تا به مقام مُخَلِّصین نرسد، شیطان توان دارد که او را منحرف سازد! در قرآن کریم آمده است:

(... لَا غُورِيْنَهُمْ أَجْمَعِيْنَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخَلَّصِيْنَ)^۳ [شیطان به خدا گفت: ... همگی را به جز بندگان مخلصت، گمراه خواهم ساخت].

۱- سیمای اخلاق در آینه قرآن و احادیث، فولادگر، محمد، ص ۱۰۹، به نقل از: الحیوة، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲- بهشت اخلاقی، ج ۲، ص ۶۰۹، ح ۶، از: میزان الحکمه، ۴۷۷۱.

۳- حجر / ۳۹ و ۴۰.



۸۷. لباس‌های شسته شده

خلیل صراف

زمانی که در قرارگاه رعد بودیم، گاهی بچه‌ها هنگام رفتن به حمام لباس‌های چرک خود را در کنار حمام می‌گذاشتند تا بعداً آنها را بشویند. بارها پیش آمده بود که وقتی برای شستن لباس‌هایشان رفته بودند، آنها را شسته و پهن شده می‌یافتند و با تعجب از اینکه چه کسی این کار را انجام داده در شگفت می‌ماندند.

سرانجام یک روز این معما حل شد و شخصی خیر آورد که آن کس که به دنبالش بودید، کسی جز تیمسار بابایی، فرمانده قرارگاه، نیست.

از آن پس پرسنل از بیم آنکه مبدا زحمت شستن لباسهایشان بر دوش جناب بابایی بیفتد، یا آنها را پنهان می‌کردند و یا زود می‌شستند و دیگر لباس چرک در حمام وجود نداشت.^۱

تحلیل و نتیجه:

نیکی کردن به دیگران یکی از عوامل بهشتی شدن از دیدگاه قرآن و روایات است. قرآن کریم می‌فرماید: «کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند، و تاریکی و ذلت، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند، آنها اهل بهشت هستند، و جاودانه در آن خواهند ماند.»^۲

در نامه‌ی امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام خطاب به مردم مصر آمده است:

۱- پرواز تا بی‌نهایت، ص ۲۳۴.

۲- یونس / ۲۶



«هرکس کاری را برای خدای متعال انجام دهد، خدا در دنیا و آخرت، پاداش او را می‌دهد و مهمات دنیوی و اُخروی او را کفایت می‌کند... [در ادامه حضرت به آیه ۲۶ سوره یونس اشاره کردند]».^۱

۱- راهنمای بهشت، رسولی محلاتی، سید هاشم، ص ۱۶، به نقل از: بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۰.



۸۸. دنیاگریزی و ساده‌زیستی

دوستان شهید

شهید مهدی باکری بسیار ساده‌زیست بود و در حفظ بیت‌المال بسیار کوشا بود، حتی همسرش را از خوردن نان رزمندگان بر حذر می‌داشت و از نوشتن با خودکار بیت‌المال منع می‌کرد. وقتی همزمانش او را به عنوان فرماندهی که مندرس‌ترین لباس بسیجی را مدّت‌های طولانی استفاده می‌کرد، مورد اعتراض قرار دادند، گفت: «تا وقتی که می‌شود استفاده کرد، استفاده می‌کنم.»

همسر شهید باکری در مورد ساده‌زیستی او می‌گوید:

«مهدی هنگامی که در شهرداری خدمت می‌کرد، از حقوق خود، کارمندی را برای بچه‌های بی‌سرپرست پرورشگاه استخدام کرده بود، یا حقوق خود را نمی‌گرفت و اگر می‌گرفت، به افرادی که نیاز داشتند می‌داد و در شهر همچون یک کارگر همراه کارگران شهرداری کار می‌کرد. شنیدم که ماشین بنز صفر کیلومتر در شهرداری بود و ایشان استفاده نمی‌کردند. وقتی یکی از دختران بی‌سرپرست پرورشگاه عروسی می‌کند، ماشین را می‌دهد و می‌گوید تزئین کنند و برای اولین بار در عروسی این دختر بی‌سرپرست استفاده شود!»^۱

۱- روزنامه جمهوری اسلامی ۷۴/۴/۲۸ از عاشقان بی‌ادعا، ص ۷۶.



تحلیل و نتیجه:

مواظبت و مراقبت از اموال متعلق به ملت و دولت اسلامی و امانت‌داری در حفظ آن و پرداخت حقوق و اموال بیت‌المال به صاحبان حق آن و عدم اسراف در مصرف آن، شعار و عمل بسیاری از فرماندهان و رزمندگان دفاع مقدس ما بود، که یکی از افراد شاخص در این مسئله شهید مهدی باکری است.

لازم به ذکر است که اموال عمومی حق الناس بوده و تضييع آن تضييع حقوق فراوان انسان است. در سیره‌ی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام) بیشترین تأکید و حساسیت بر این مسئله شده است.

رعایت اموال عمومی و بیت‌المال فوائد و آثار فراوانی دارد و از آن جمله است:
۱- حفظ اموال عمومی، ۲- آرامش روح و روان، ۳- حلال خوردن، ۴- سلامت اقتصاد، ۵- سعادت و سلامت از قبر و قیامت، ۶- عدم خیانت به مسلمین ۷- پیروی از مصلحین و اولیاء الهی، به دستور قرآن و روایات در این باره عمل نمودن.^۱

۱- بهشت اخلاق، ج ۲، ص ۷۷۱.



۸۹. ولایت مداری

دوستان شهید

عاشق امام خمینی (ره) بود و پیرو ولایی ایشان بعد از امام هم در اطاعت از او امر
مقام معظم رهبری پیشی می گرفت.

در وصیت نامه اش سفارش کرد:

«... از ولایت تا پای جان دفاع نمایید و بدانید که اسلام بدون ولایت یعنی

اسلام بدون علی علیه السلام در هر زمان.»^۱

در قسمتی از وصیت نامه خود آورده است: «عزیزانم بدانید که دفاع از ولایت

فقیه و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای دفاع از علی علیه السلام و

فرزندان اوست و این محقق نمی شود جز با تلاشی صادقانه در اجرای اوامر برحق

ایشان. عزیزانم بدانید که دشمنان قسم خورده انقلاب وقتی مأیوس می شوند که

بدانند شما مردانه در پشت سر رهبر و قائد خود ایستاده‌اید و از او پیروی می کنید.^۲

لحظات آخر عمرش که بیماری شیمیایی امانش را بریده بود روی تخت

بیمارستان، با صدای خسته و برآمده از گلوی گرفته گفت: «شهدا را فراموش

نکنید. خون شهدا فراموش نشود. امام را فراموش نکنید. در همه دوره‌های تاریخ

پشتیبان ولایت فقیه باشید.»^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۲۱، بر اساس زندگی سردار حاج اکبر آقابابایی، به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- فخر سرداران، یادنامه سردار رشید اسلام شهید حاج اکبر آقابابایی، ص ۲۲.

۳- همان. با اندکی تصرف در عبارت.



تحلیل و نتیجه:

حضرت امام خمینی؛ در اهمیت ولایت فقیه می‌فرماید: «ولایت فقیه، همان ولایت رسول ﷺ است. پشتیبان ولی فقیه باشید تا به این حکومت آسیبی نرسد». مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ولایت فقیه و رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه اثنی عشری است، که ریشه در اصل امامت دارد». در بسیاری از وصیت‌نامه‌های شهدا، بر تقویت و اطاعت از ولی فقیه سفارش شده است. و این رمز پیروزی ما در برابر دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی است.



۹۰. فرمانده جدید

دوستان شهید

توی شهر پیچیده بود که فرماندهی جدید برای سپاه سقر آمده است. فرماندهی سپاه جوان و دارای قد بلندی بود. اسمش مصطفی طیاره بود و همه برادر طیاره صدایش می‌کردند.

آن روزها سقر ناآرام‌ترین منطقه در کردستان بود. دمکرات و کومله، بیشترین نفوذ را آنجا داشتند، اما مصطفی طیاره بدون سلاح و محافظ بین مردم می‌رفت. توی مسابقات ورزشی شان شرکت می‌کرد، به مشکلاتشان رسیدگی می‌کرد! کم‌کم بین مردم جا باز کرد و شد محبوب دل‌هایشان. خیلی از جوان‌های شهر مجذوب همین اخلاق و رفتارهایش شده بودند. حاصل تلاش‌هایش بازگشت آرامش و امنیت به شهر بود.^۱

مصطفی طیاره، آستین‌هایش را بالا زده بود برای وضو. همین‌طور که به طرف شیر آب می‌رفت، می‌خواند: «طیاره صد پاره شد، دیگر نمی‌آید!» چهره نورانی و گام‌های استوارش خبر از سر درویش می‌داد. دو روز بعد در عملیات پاکسازی جاده بانه سردشت روز ۱۳۶۱/۲/۳ روی پل ربط تیری بر قلبش نشست و به حالت سجده بر خاک افتاد و روحش به سوی محبوب پرواز نمود.^۲

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان ۵۳، مجاهدان غرب ۲، شهید مصطفی طیاره، ص ۲۱، ب کوشش مهدی داوری.

۲- همان، ص ۲۴ و ۲۶.



تحلیل و نتیجه:

تلاش و کوشش در برآورده نمودن نیازها و خواسته‌های مؤمنین مورد تأکید قرآن و روایات است.

سوره توبه، زنان و مردان مؤمن را اولیاء و یاور یکدیگر دانسته است: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ).^۱

در سوره مائده می‌فرماید: «بر نیکی‌ها و پرهیزکاری کمک یکدیگر باشید»: (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى).^۲

اهمیت خدمت‌رسانی و یاری‌رسانی به مردم مخصوصاً مردم نیازمند و ستم‌دیده تا به آن حد است که حضرت سجّاد می‌فرماید: «... وَ أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقُهُ بِالْمَنْ ...»^۳ [خدایا] بر دستانم خیر و خدمت را برای همه مردم جاری کن و کمکم کن عملم را با منت گذاری نابود نکنم (...).

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «عابدترین مردم کسی است که نسبت به مردم خیرخواه‌تر و نسبت به تمامی مسلمانان باصفاتر از بقیه باشد».^۴

و فرمود: «کسی که مشکلی از مشکلات برادر دینی خود را حل کند مانند کسی است که همه‌ی عمر را عبادت نموده است».^۵

خدمت‌رسانی به مردم و محرومین فواید و آثار زیادی دارد، از جمله:

۱- خداوند متعال به ازای هر حاجتی که از مؤمن برآورده شود، صد هزار

۱- توبه / ۷۱

۲- مائده / ۲

۳- صحیفه سجّادیه، دعای ۲۰، ص ۱۹۵.

۴- نهضت خدمت‌رسانی در نگاه قرآن و معصومین (علیهم السلام)، ص ۴۵.

۵- همان.



به طرز کروت باران

حاجت در آخرت برآورده می‌سازد که اولین آن دخول در بهشت است،

۲- وحدت و عزت مسلمین،

۳- یگانگی و دوستی آنان،

۴- تقویت مؤمنین،

۵- تضعیف منافقین،

۶- راحت جان دادن،

۷- رشد اقتصاد و پویایی جامعه،

۸- توفیق و نصرت الهی،

۹- بدست آوردن ثواب سعی بین صفا و مروه،

۱۰- باز شدن گره و گرفتاری از قلب و روح آدمی در قیامت.^۱

۱- بهشت اخلاقی، ج ۲، ص ۵۱۱.



۹۱. وقت نماز

دوستان شهید

عملیات والفجر ۸ بود. موقعیت جاده البحار، کارخانه نمک. آتش دشمن سنگین بود. ظهر که شد شهید علی قوچانی در میان بچه‌ها می‌دوید و با صدای بلند می‌گفت: «ظهر شده و وقت نمازه. به نوبت نماز بخوانید. نکنه بی نماز شهید بشید. بچه‌های رزمنده با سر و روی خونی تیمم کردند و تک تک به نماز ایستادند.»^۱

خوشا روزی که گرم جنگ بودیم	میان رنگ‌ها بی‌رنگ بودیم
دل هر کس شهادت را طلب داشت	حدیث عشق و مستی را به لب داشت
خوشا تنهایی شب‌های سنگر	که دل بود و تمنا بود و دلبر
ز زرق و برق دنیا دور بودیم	سر و پا مست عشق و شور بودیم

تحلیل و نتیجه:

دفاع و جنگ ما برای خدا بود، و یکی از مهم‌ترین واجبات الهی خواندن نماز است. رزمندگان ما در سخت‌ترین شرایط جبهه، اقتدا به مولایشان حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین و محبوب دل عاشقان ابا عبدالله الحسین علیه السلام در ظهر عاشورا در خواندن نماز اول وقت می‌نمودند و آنها وارثان مقام عالی بهشت هستند، که خداوند در قرآن فرموده است: (وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ * أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ)^۲ و چنین افرادی مسلماً رستگارانند که خود را تزکیه نموده و نماز بجای می‌آورند. چنانچه قرآن می‌فرماید: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى).^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۱۸.

۲- مؤمنون / ۹ و ۱۰

۳- اعلی / ۱۴ و ۱۵



۹۲. ارتباط معنوی

سید حسین موسوی

قبل از انقلاب سال ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ بود. من خیلی دلم می‌خواست خواب امام زمان(عج) را ببینم، تا بالاخره خواب دیدم. در خواب چند خواسته داشتم. دامن امام زمان(عج) را گرفتم که این چند خواسته را دارم. حضرت به من اشاره کرد از امام خمینی، این خواسته‌ها را بخواه. از خواب بیدار شدم انقلاب شد، وارد سپاه شدم به برکت امام و انقلاب تمام خواسته‌هایم در سپاه عملی شد!

من یقین دارم که امام؛ با امام زمان(عج) در ارتباط بود!

تحلیل و نتیجه:

رفت آن یاری که از انفاس قدس با امام غائبش دیدار بود! نمونه‌هایی در زندگی امام خمینی؛ وجود دارد که مستقیم یا غیرمستقیم انسان متوجه ارتباط ایشان با امام زمان(عج) می‌شود.

برای مثال روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ که امام در مدرسه علوی تهران بودند از طرف دولت شاهنشاهی اعلان حکومت نظامی در ساعت ۴ بعد از ظهر شد. امام دستور دادند همه مردم به خیابان‌ها بریزند! آیت الله طالقانی با تلفن با امام تماس می‌گیرد، و با دلسوزی تمام می‌گوید: آقا چرا حکومت نظامی را دستور دادید شکسته شود! و مردم به خیابان‌ها بریزند! شما ۱۷ شهریور تهران نبودید مردم را به رگبار بستند و حدود ۴ هزار نفر شهید شدند. و خلاصه از امام خواهش می‌کند که اعلان

۱- حجة الاسلام عبدالرحیم حسینی، از کتاب: در سوگ خورشید، ص ۳۷



کند مردم به خانه‌هایشان بازگردند. امام مجبور می‌شود در پاسخ آقای طالقانی فرمودند: آقای طالقانی اصرار نکن، احتمال بده که این دست‌وراز طرف امام زمان (عج) است!

آقای طالقانی به قدری متعجب می‌شود که نقل شده گوشی از دستش به نشانه‌ی تسلیم رها می‌شود. روز ۲۲ بهمن انقلاب پیروز می‌شود و بعداً افشاء می‌شود که رژیم اعلان حکومت نظامی کرده بود تا خیابان‌ها خلوت شود و بوسیله توپ و تانک مدرسه‌ی علوی را مورد حمله و امام و اطرافیانش را به شهادت برساند و انقلاب را سرنگون کند! و با این دستور امام؛ نقشه آنها نقش بر آب شد و در نتیجه فردای آن روز انقلاب بحمدالله پیروز گشت. !!

در سایه ایمان و استقامت در راه خدا و رعایت تقوا همراه با اخلاص خداوند متعال بعضی بندگان خاص خود را از راه الهام فرشتگان و یا امام زمان یاری می‌رساند.

در قرآن کریم آمده است: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ...**

همانا کسانی که گفتند پروردگار ما خداست. پس بر این عقیده مقاومت نمودند فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند...
بعضی از پیام‌های این آیه:
- استقامت در کنار ایمان ارزش دارد.

۱- به نقل از آیت‌الله خزعلی، سایت مهرداد و مرحوم حاج مرتضی محمود مرتضایی فر معروف به وزیر شعار، سایت مشرق



به طرزوت باران

- استقامتی ارزشمند است که طولانی باشد .
- انسان در اثر ایمان و مقاومت فرشتگان را به خود جلب می کند.
- فرشتگان بر غیر پیامبران نیز نازل می شوند .
- بر مومنان مقاوم فرشتگان نازل می شوند.^۱

۱- تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۳۳۶



۹۳. همدلی

یکی از دوستان شهید

یک روز به ستاد لشکر هشت برای ملاقات با شهید محمدعلی اربابی که رئیس ستاد بود رفتم. تابستان بود و گرما بیداد می کرد. از پشت پنجره ستاد که رد می شدم، دیدم کولر گازی اتاق او خاموش است. با خود گفتم: حالا هم که در این گرمای طاقت فرسا تا این جا آمدم، اربابی نیست.

دستگیره در را فشار دادم، با تعجب متوجه شدم که در باز است و اربابی داخل اتاق مشغول کار است. پیشانی و اطراف چهره اش از عرق خیس بود و موهای جلوی سرش به پیشانی چسبیده و لباسش از عرق نقش گرفته بود.

اول فکر کردم برق نیست یا کولر خراب است. وقتی از اربابی پرسیدم که این اتاق که کولر گازی دارد چرا روشن نمی کنی؟! با دستمال عرق هایش را پاک کرد و گفت: الآن بچه ها در داخل چادر از گرما نفس هایشان حبس شده، اگر من کولر را روشن کنم، مرتکب گناه شده ام.^۱

تحلیل و نتیجه:

مواسات و هم دردی از نشانه های مردان خداست. این افراد در مکتب امام خمینی؛ درس گرفته بودند که نقل شده است: امام هنگامی که به فرانسه در دهکده «نوفل لوشاتو» بودند، رژیم ایران نفت را به روی مردم ایران در زمستان ۱۳۵۷ بست و صف های نفت در ایران طولانی شد. امام؛ فرمودند که بخاری مرا

۱- عاشقان بی ادعا، ص ۷۷، به نقل از: آبشار ابدیت، ص ۱۰۷.



به طرزوت باران

خاموش کنید و یک پتو برایم اضافه کنید! اطرافیان امام گفتند: آقا اینجا فرانسه است و مشکل نفت وجود ندارد. امام فرمودند: این را می دانم لکن می خواهم با ملتّم که در سرما هستند، همدردی کنم!

رسول خدا ﷺ فرمودند: «بنده‌ای در بین امت من نیست که برادرش را برای خدا مورد لطف قرار دهد، مگر اینکه خداوند متعال از خدمتگزاران بهشتی برای او مقرر کند».^۱

همدردی و مساوات با مردم، فواید و آثاری دارد از جمله:

- ۱- نزول رحمت الهی بر انسان،
- ۲- تحکیم روابط اجتماعی،
- ۳- رشد و بالندگی فرد و جامعه،
- ۴- رفع کینه‌ها و بددلی از قلوب،
- ۵- استجاب دعا،
- ۶- پاداش اخروی،
- ۷- تسکین آلام دیگران،
- ۸- توسعه رزق از جانب خدا،
- ۹- راحت جان دادن^۲

۱- بهشت اخلاقی، ج ۲، ص ۵۶۵، ح!، به نقل از: الکافی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۴.
۲- همان، ص ۵۶۶



اقسام همدردی و مساوات با مردم

- ۱- با مال،
- ۲- با مقام،
- ۳- با خدمتگزاری،
- ۴- با نصیحت و ارشاد،
- ۵- با دعا و استغفار،
- ۶- با همدردی،
- ۷- با دفع دشمن از دوست^۱.

۱ همان، با کمی تصرف در عبارات



۹۴. اوج صبر در عشق به امام!!

حمیدرضا پورقربان

شبکه ۵ تهران در مورخهٔ دوشنبه ۹۵/۲/۱۳ ساعت ۱۰ شب برنامه‌ای داشت تحت عنوان دوستت دارم مادر.

مادر شهیدان خالقی پور که مادر سه شهید بود را نشان داد که به همراه آخرین پسرش در برنامه آمده بود. او تعریف می‌کرد: جنازه هر دو پسر را با هم درب منزلمان آوردند، همه گریه می‌کردند و تنها من لبخند می‌زدم.

و این مادر می‌گفت ای کاش به تعداد موهای سرم پسر می‌داشتم و همه را در راه اسلام و انقلاب و امام خمینی^(ع) در جنگ فدا می‌کردم.

این مادر می‌گفت: هیچگاه نشد که سفره‌ای پهن کنم و شوهر و پسرانم همه با هم دور سفره جمع شده باشیم زیرا یا یکی یا دو تا یا سه تا یا همه در جبهه به سر می‌بردند!!

این مادر می‌گوید مقام معظم رهبری^(مد ظله العالی) سر زده منزل ما آمدند. تنها پسر را جلوی ایشان آوردم و گفتم اگر اسلام اجازه می‌داد این پسر را در زیر قدم‌های شما برای شما قربانی می‌کردم!

این مادر می‌گوید به اتفاق شوهرم به دیدار امام خمینی^(ع) در جماران رفتیم و شوهرم بعد از دیدار با امام در راه به من گفت ارزش دارد آدم سه فرزند خود را در راه اسلام و امام بدهد و یک دیدار با امام داشته باشد!!



تحلیل و نتیجه:

نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردها و پیشبرد اهداف آن [و در دوران هشت سال دفاع مقدس]، نقش اساسی و چشمگیر است. در دوران مبارزه و فعالیت سیاسی علیه رژیم شاهنشاهی، زنان به صورت مستقیم و غیرمستقیم ایفای نقش می‌کردند: کارهای عملیاتی و مسلحانه، چاپ و تکثیر و توزیع اعلامیه، نوار و کتاب، شرکت در کلاسهای آموزشی (قرآنی، اعتقادی، احکامی، سیاسی) مطالعات مذهبی، سیاسی و اجتماعی، حضور در جلسات و محافظت از تشکیلات مذهبی، فعالیت‌های مخفی، جذب هوادار و عضو، کمکهای مالی، سخنرانی و تبلیغات، حضور در راهپیمایی و تظاهرات اعتراض آمیز، برقراری ارتباط‌های سری با افراد و تشکیلات و سازمان‌ها، حتی رهبری گروه و دسته، و بالتبع دستگیری، شکنجه شدن و مسائل زندان، تبعید و هجرت را از جمله رویکردهای مستقیم زن در عرصه مبارزه دانست و از جمله فعالیت‌های غیرمستقیم زنان می‌توان به تربیت فرزندان آگاه و معتقد، ترغیب شوهر، برادر و فرزند به حضور در مبارزه، سرپرستی خانواده و فرزندان به وقت فرار و تبعید و زندان پدر، تأمین معاش خانواده و نیز ایجاد فراغ خاطر برای مردان مبارز اشاره کرد.^۱

نقش زنان در دفاع مقدس نیز اساسی و مهم بود. آنان بیشترین نقش را در تربیت فرزندان اسلامی و آگاه و انقلابی داشتند. در بدرقه آنان و همسر به جبهه کار بس عجیبی داشتند و مثل حالا آنها این بیت شعر از سعدی است که:

۱- خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)، به کوشش کاظمی، محسن، ص ۹ و ۱۰.



در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن

من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می‌رود^۱
زنان و پشتیبانی از دفاع مقدّس، در مراکز درمانی، جمع‌آوری کمک‌های
مردمی و آماده‌سازی آن کمک‌ها برای جبهه‌ها در درگیری‌های مستقیم و
غیرمستقیم با دشمن، حضوری فعّال داشتند و حدود ۳٪ شهدای کل کشور بانوان
هستند^۲. و در حقیقت رشادت‌های رزمندگان را باید بر اثر تربیت والدین مخصوصاً
مادران دید. در این میان والدینی که دو یا سه شهید در راه خدا دادند حق بیشتری
به گردن انقلاب و همه ما دارند و از جهات مختلف شایسته تکریم هستند از
جمله به دلیل نقشی که در تربیت و همراهی و همسویی که با شهیدشان داشتند و
به خاطر نسبتی که با شهید دارند و... والدین شهدا با دیداری که با امام داشتند
چنان مجذوب معنویت و رفتار مهربانانه ایشان و مقام معظم رهبری می‌شدند که
آرزو می‌کردند ای کاش پسران دیگری داشتند و آنها را در راه اسلام و انقلاب و
رهبری فدا می‌کردند!!

۱- غزلیات سعدی، مصلح بن عبدالله، ۱۳۷۵، غزلیات سعدی، مقدمه و شرح: بهالدین اسکندری، تهران: قدیانی
۲- در طول جنگ تحمیلی ۶۴۲۸ نفر از زنان این سرزمین به شهادت رسیدند، باشگاه خبرنگاران جوان



۹۵. جذب و هدایت

دوستان شهید

هر کدام از بچه‌هایی که با حاجی (شهید ابراهیم جعفرزاده) آمده بودند به جبهه، به اندازه ده نفر کار می‌کردند. با قدرت و شجاعت مقابل دشمن می‌جنگیدند. همان‌هایی که تا چندی پیش جزو افراد شرور محل بودند.

اصفهان که می‌رفت، با آنها رفیق می‌شد بعد هم راه را برایشان باز می‌کرد. می‌گفت: «اینها مسیر را اشتباهی می‌روند، اگر حقیقت را درک کنند، بهتر از خیلی از رزمنده‌ها در جبهه می‌جنگند چون هم ایمان وهم شجاعت دارند.»^۱

تحلیل و نتیجه:

پیوند ظاهر و باطن و به دیدار یکدیگر رفتن و انس با یکدیگر در آیات و روایات بر آن تأکید شده است. قرآن کریم می‌فرماید: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)^۲ (و همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق و پراکنده نشوید). حضرت محمد ﷺ فرمودند: «خِيارُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا، الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيَأْلَفُونَ»^۳ (بهترین شما خوش‌اخلاق‌ترین شماست، آنان که الفت می‌گیرند و الفت می‌پذیرند).

و حضرت علی عليه السلام فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ يَأْلَفُ وَيَأْلَفُونَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ»^۴ (خوشا آن که در راه اطاعت خدا، با مردم انس گیرد و مردم نیز با او الفت یابند).

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۱۱، ص ۲۰.

۲- آل عمران / ۱۰۳

۳- بهشت اخلاق، ج ۲، ص ۵۲۶، به نقل از: مشکاة الانوار، ص ۱۸۰.

۴- همان، از: بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۵۶، ح ۱۱۲.



به طراوت باران

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «بهترین مؤمنان کسی است که مؤمنان به او الفت گیرند و در کسی که با دیگران الفت نگیرد و دیگران نیز با او الفت نگیرند، خیری نیست».^۱

فوائد و آثار الفت با دیگران

- ۱- دافع حسد و عداوت بین مومنین،
- ۲- موجب اصلاح امور دنیا و آخرت،
- ۳- کسب پاداش های معنوی الهی،
- ۴- کوری چشم دشمن،
- ۵- سلامت اخلاق و ایمان،
- ۶- زمینه تعاون در نیکی ها و خیرات،
- ۷- بخشش گناهان،
- ۸- قبولی عبادات،
- ۹- نشاط و سرور،
- ۱۰- زمینه رشد فضائل در آدمی.^۲

۱- همان، از: بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۵، ح ۹.

۲- از مضاف



۹۶. موقّیّت به برکت مکتب امام حسین علیه السلام

حمیدرضا پورقربان

آقای بهاء‌الدین امینی از پیش‌مرگان مسلمان کردستان و جانباز از طرفداران و رزمندگان جمهوری اسلامی در کردستان از سقز در جمع راویان استان اصفهان از رشادتها و خاطرات شهید حاج اکبر آقابابایی و شهید افیونی و شهید طیّاره و شهید کاظمی و... سخن گفت و اضافه کرد اگر این شهدا و رزمندگان استان اصفهان و سایر مناطق ایران در کردستان نبود گروهک‌های دموکرات و کوموله و ۸۰ حزب دیگر در کردستان که با پشتیبانی آمریکا و برخی دول خارجی، کردستان از ایران جدا شده بود و یک اسرائیل دوّم علیه اسلام و جمهوری اسلامی تشکیل می‌شد و این رشادتهای رزمندگان و شهدا مخصوصاً از استان اصفهان بود که دشمن موقّف به این کار نشد... . در پایان آقای امینی گفت: من اهل سنّت هستم ولی به شما می‌گویم: تمام موقّیّتهای رزمندگان شما در کردستان از برکت مکتب امام حسین علیه السلام بود.^۱

تحلیل و نتیجه:

حضرت امام خمینی؛ می‌فرماید: «تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام است».^۲

۱- پنج‌شنبه ۹۴/۵/۸، سقز، بعد از نماز صبح در جمع راویان استان اصفهان.

۲- درسهایی از وصیت‌نامه امام خمینی، شفیعی مازندرانی، سید محمد، ص ۴۵، از: تیان، دفتر سوم، ص ۹۵.



به طرزوت باران

و امام فرمودند: «این مجالس عزا [سیدالشهدا علیهم السلام] یک سازماندهی سراسری... کشورهای اسلامی است».^۱

وی می‌فرماید: «ما هرچه داریم از محرم است و باید به عمق تأثیر آن در عالم توجه داشت و ما با همین عزا و گریه [بر سالار شهیدان حسین بن علی علیهم السلام] قدرت ۲۵۰۰ ساله را شکستیم».^۲

امام (ره) مراسم اباعبدالله الحسین علیه السلام را موجب وحدت مسلمین می‌داند و می‌فرماید: ... آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین به ویژه شیعیان ائمه اثنا عشری علیهم صلوات الله و سلم است.^۳

از نظر امام خمینی آغاز و پیروزی انقلاب اسلامی با نهضت امام حسین علیه السلام گره خورده است.^۴

ادامه نهضت اسلامی و عبور انقلاب از تنگناهای دشوار و مراحل بسیار صعب العبور نیز با تمسک به امام حسین علیه السلام و حرکت عاشورا بوده است.^۵

۱- همان، از: همان.

۲- همان، ص ۴۶، از صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۰۹.

۳- رهیافت تحلیلی به وصیت نامه سیاسی الهی امام روح الله، ص ۸۰، از صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۹.

۴- همان، از جواد آملی، بنیان مرصوص امام خمینی، ص ۲۰۸.

۵- همان، ص ۸۱.



۹۷. لیست ترور!

دوستان شهید

شهید حاج علی قوچانی، زمانی که مرخصی می‌آمد به عنوان نیروی نظامی در شهر از شناسایی منافقان گرفته تا درگیری و دستگیری آنها فعالیت می‌کرد. حتی یک بار از مادرش خواست در شناسایی منافقین او را یاری کند. مادرش چادر مشکی‌اش که به سرخی می‌زد، بر سر کرد و به عنوان گدایی در کوچه نشست. همه افراد و تردها را زیر نظر گرفت و به علی گزارش داد. دیگر مطمئن شده بود. منافقان بودند. همه‌شان را دستگیر کردند. اسمش در لیست منافقان برای ترور بود. چند باری که در مرخصی بود می‌خواستند ترورش کنند. یکی دو بار هم به برادرش که شبیه علی بود و مصطفی نام داشت سوء قصد کردند.^۱

تحلیل و نتیجه:

مجاهدات همه‌جانبه از هوشیاری و هوشمندی برخی از رزمندگان ما بود. تا در جبهه بودند به جهاد با نفس (جهاد اکبر) و جهاد با دشمن (جهاد اصغر) می‌پرداختند و وقتی به مرخصی می‌آمدند، به جهت هوشمندی و هوشیاری که داشتند با دشمن داخلی و در رأس آنان منافقین به مبارزه و دفاع و جهاد می‌پرداختند که یکی از آن مراحل جهاد با آنان شناسایی و دستگیری آنها بود. آنها لحظه‌ای را به غفلت و بطالت نمی‌گذرانند و حتی زمان مرخصی که در حقیقت زمان استراحت و تفریح آنها بود را در راه خدا در مسیر مبارزه با دشمن پنهان، منافقان

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۱۱ و ۱۹.



به طرزوت باران

صرف می کردند! و این خود دلیل بیداری و هوشمندی و سخت کوشی آنان بود. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بیدار شدن نسبت به امور دینی، نعمتی است بر کسی که خدا بیداری را روزی اش نموده است».^۱

با تمام تلاشی که رزمندگان ما، در شناسایی و دستگیری منافقین داشتند، با این حال منافقان ۱۷ هزار نفر از رزمندگان و مردم حزب اللّهی و مؤمن را به شهادت رساندند!!^۲ و این بیانگر این است که تا چه حد دشمنان اسلام و انقلاب، برای مبارزه با اسلام و انقلاب اسلامی، روی منافقان سرمایه گذاری کرده بودند!!

۱- بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۳، از: غررالحکم، ج ۱، ص ۳۷.
۲- خبرگزاری تسنیم



۹۸. از خود گذشتگی تا شهادت

محمد عباس شفیعی

علاقه شدیدی به کارکردن داشت و هرگز در او حالت خستگی به چشم نمی خورد. موقعی که سوار دستگاه بولدوزر می شد، به سختی راضی می شد کار را رها کند و پایین بیاید.

صبح عملیات فتح المبین، باغ شماره ۷ و پاتک شدید دشمن یعنی بود و شهید حسین رفیعی بر فراز دستگاه، بی اعتنا به گلوله های مستقیم و موشک های پی در پی دشمن، در میان گرد و غبار و دود حاصل از انفجار گلوله ها، خاکریز می زد. هرچه به او اصرار کردیم بیا پایین کمی استراحت کن، قبول نمی کرد و می گفت: «من هرچه کار کنم، سرحال تر می شوم.» آن قدر ماند و ادامه داد تا با فرود گلوله ای بر روی صندلی دستگاه، به ملکوت اعلی پیوست.^۱

تحلیل و نتیجه:

بسیاری از رزمندگان ما، تلاشی عظیم در دفع و رفع دشمن داشتند و از درگیر شدن و مبارزه با او هیچ هراسی بدل نداشتند. و با کوشش و حفظ آمادگی برای مبارزه با دشمن از کشته شدن و شهادت در راه خدا استقبال می نمودند. قرآن کریم می فرماید: (و هر آینه شما آزمایش می کنیم تا رزمندگان و صبرکنندگان از شما را بدانیم و اخبار شما را آزمایش می کنیم).^۲

۱- موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، از خود گذشتگی، ص ۳۶، از: دزافرنیان، شفیعی، محمدعباس.

۲- محمد/۳۱



۹۹. مقام رضا و تسلیم

حمیدرضا پورقربان

وضع جسمی حاج اکبر به علت شیمیایی شدن روز به روز وخیم تر می شد. دکترها گفته بودند: اگر متوجه اوضاع وخیم جسمی اش بشود ممکن است، روحیه اش را از دست بدهد و از لحاظ جسمی وضعش نامساعدتر شود.

وقتی این خبر را شنید، هیچ عکس العملی نشان نداد، همه تعجب کردند، او وابسته به هیچ چیز و هیچ کس نبود، او به مقام رضا و تسلیم رسیده بود!

گفته بود: «همه مسائل برام حل شده آماده ام، آماده شهادت هستم. فقط یک نگرانی دارم، آن هم اینکه آیا خدا از دستم راضی شده یا نه؟».

در طول زندگیش آرزوی شهادت داشت، اما در مقام رضا آنقدر رشد کرده بود که در او آخر عمرش که از ناحیه شیمیایی شدن خیلی درد و رنج می کشید، وقتی دوستان از وی می پرسیدند حاجی دوست داری بمانی و درد بکشی یا شهید شوی؟ حاج اکبر می گفت: هر جور خدا می خواهد من به همان راضیم!!

در آخرین روزهای حیات ملکوتیش دل از دوستان هم بریده بود و خواهش کرده بود کمتر سراغش بیایند تا بیشتر با خدایش نجوا و ذکر داشته باشد!

تحلیل و نتیجه:

مقام رضا مرحله ای از مراحل عرفان اسلامی است و عبارتست از: خشنودی بنده از خدای متعال و خواست او. سراج طوسی گوید: رضا آن است که بنده در



تحت حکم و قضای الهی آرام گیرد».^۱

ذوالنون گوید: «رضا، شادمانی قلب به گذر حکم و قضای الهی است». رضا از بالاترین مقامات سالکان است. عارفان رضا را بزرگ‌ترین دروازه قرب و شهود و بهشت دنیا می‌نامند.

خواجه عبدالله انصاری، برای رضا سه درجه قائل است:

۱- رضا به ربوبیت خداوند،

۲- رضا به قضا و قدر الهی،

۳- رضا به رضا و خشنودی خداوند متعال. (که بنده برای خود نه خشمی می‌بیند و نه خشنودی... اراده حق تعالی جایگزین اراده‌ی بنده، و رضای او جایگزین رضای بنده، و خشم او جانشین بنده می‌گردد).^۲

امام خمینی؛ در شرح نخستین رتبه رضا گوید:

«رضا به ربوبیت خدای متعال به این است که بنده سالک خود را از سلطنت شیطان خارج و در تحت تربیت خدای متعال قرار دهد و بدان خشنود باشد. نشانه این مرتبه از رضا آن است که سختی تکالیف الهی برداشته شود و از دستورات الهی حُرْم و با جان دل از آن استقبال کند».^۳

رتبه دوم رضا آن است که سالک از پیش آمدهای گوارا و ناگوار خشنود باشد، و همه این پیش آمدها نزد او یکسان باشد و همه را نعمتی از سوی خدای تعالی بداند.

۱- عرفان اسلامی، حسینی سیاه‌کردی، سید قوام‌الدین، ص ۲۱۸.

۲- شرح منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری، شیروانی، علی، ص ۱۱۴ تا ۱۱۷.

۳- عرفان اسلامی، ص ۲۱۹، از: شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، امام خمینی، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.



رتبه سوم رضا ویژه اهل محبت و جذبه است، آنان که از پیش خود رضایت و خشنودی ندارند و رضایت آنان در رضایت خدای متعال است.^۱

باباطاهر چه نیکو در وصف رضا گوید:

یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد
 من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندد
 خواجه عبدالله انصاری «تسلیم» را دارای سه درجه می‌داند:

۱- سالک آنچه از غیب می‌رسد و با عقل تراحم [و تنافی] دارد، تسلیم کند و بداند که این امور با خواست و اراده و مشیت خدا تحقق یافته است، و مشیت الهی تابع حکمت اوست.

۲- آن است که سالک علم را به حال تسلیم کند و قصد را به کشف تسلیم کند و رسم را به حقیقت تسلیم نماید. بدین نحو که مشاهده کند این حق تعالی است که او را به خویشتن تسلیم کرده است. توضیح آن که [در این مراحل] باب فنای فی الله بر سالک گشوده می‌شود، پس مشاهده می‌کند که همه رسوم و خلائق فانی و مضمحل در حقند... چرا که هرگاه حق تعالی تجلی کند، نور او چیزی از ظلمت‌های حجاب‌ها (اغیار) باقی نمی‌گذارد، و هیچ نام و نشانی از غیر او باقی نمی‌ماند... تنها حق تعالی و صفات و افعال اوست».^۲

در حقیقت رضا ثمره‌ی یقین است که در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است: «الرِّضَا ثَمَرَةُ الْيَقِينِ».^۳

۱- همان.

۲- شرح منازل السائرين، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳- اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، «خطبه متقین»، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱، ص ۱۹۹، به نقل از: میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۴۵، نقل از غررالحکم.



قابل توجه اینکه علماء اخلاق، فرموده‌اند: «بالتر از مقام رضا، مقام تسلیم و تفویض است، زیرا در مقام رضا انسان لحاظ و منظور شده، و می‌گوید: هرچه محبوب برایم پسندد، من می‌پسندم و راضی به آن هستم، ولی در مقام تسلیم، طبع و میل و مشیت و تعلقات انسان لحاظ نمی‌شود، بلکه طبع و موافقت و مخالفت آن را به خدا واگذار می‌کند و گویا اصلاً طبعی و تعلقی به امورات برای آن نمی‌بیند، که: افعال خداوند موافق و مرضی آن باشد»^۱.

این مقام تسلیم از توکل هم بالاتر است، زیرا که توکل اعتماد کردن به خداست در امورات، به منزله توکیل (وکیل کردن) است، و گویا خداوند را وکیل خود قرار می‌دهد، پس هنوز تعلقی به امور برای خود می‌بیند، و خود را به منزله موکل می‌پندارد، ولی در مرتبه تسلیم تمام علائق گسسته شده، و جمیع امور به خداوند متعال واگذار می‌شود.^۲

بعضی از رزمندگان ما که به مقام رضا و تسلیم رسیده بودند مانند شهید سردار حاج اکبر آقابابایی، الگویشان حضرت حسین بن علی بود که در مرتبه عالی رضا و تسلیم بود و وقتی روز عاشورا از اسب بر زمین قرار گرفت فرمود: «الهی رضاً بِقِضَاک، تَسْلِیماً لِأَمْرِک، لَا مَعْبُودَ سِوَاک، يَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ»^۳ (الهی راضیم به آنچه برای من می‌خواهی و تسلیم امر توأم و ای فریادرس دادخواهان، معبودی جز تو نمی‌یابم).

۱- همان، ص ۲۰۲.

۲- همان، ص ۲۰۳، از: جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۱۳.

۳- همان.



۱۰۰. دوری از حُبّ دنیا

حجّت الاسلام فلسفی

شهید حاج مصطفی طیاره فرمانده سپاه سقز که روی پل رَبط نزدیک بانه اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ شهید شد.

یکی از دوستان هم‌رزمش از مشهد برایش تسیح شاه مقصود هدیه آورده بود. وقتی او را دید به او هدیه کرد و گفت این را برای شما از مشهد سوغاتی آوردم. شهید طیاره تسیح را از او گرفت، تسیحات حضرت زهرا علیها السلام را با آن گفت و سپس گفت: من حتّی به اندازه یک تسیح شاه مقصود نمی‌خواهم دلم را به دنیا بسپارم. خواهش می‌کنم، تسیح را از من بگیر! و با اصرار تسیح را به او بازگرداند!!^۱

تحلیل و نتیجه:

سالک راه خدا برای رهایی از حُبّ دنیا و پیآمدهای زیانبار آن راهی جز زهد و بی‌رغبتی به دنیا و مظاهر آن ندارد... زهد به معنای نداشتن امکانات مادی نیست، بلکه به معنای بی‌رغبتی و دل بسته نبودن به امکانات مادی است، زیرا ممکن است کسی با همه‌ی امکانات دنیایی بدانها دل نبندد و دیگری به اندکی از دنیا دل بسته گردد.^۲

از امام سجّاد علیه السلام درباره زهد پرسیدند. آن جناب در پاسخ فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ

۱- حاج آقا فلسفی، سقز، روز پنج‌شنبه ۱۳۹۴/۵/۸، راهبان نور غرب، در جمع راویان استان اصفهان.

۲- عرفان اسلامی (پژوهشکده تحقیقات اسلامی)، ص ۱۷۳.



الرُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ: (لِكَيْلَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَقْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ) «آگاه باشید که حقیقت زهد در یک آیه از کتاب خدا آمده است: «تا بر آنچه از دستتان می‌رود اندوهگین نباشید و به آنچه به دستتان می‌آید شادمان نگردید».^۲

برخی از رزمندگان ما، مثل شهید حاج مصطفی طیاره به بالاترین مراتب زهد رسیده بودند؛ زیرا زهد را دارای مراتبی است از جمله چشم‌پوشی از دنیا گاه به انگیزه‌هایی از عذاب‌های آخروی و رسیدن به نعمت‌های آخرت است و این پایین‌ترین مرتبه زهد و زهد عوام است، گاه نیز برای رسیدن به لذت‌های روحانی و عقلانی است و این زهد خواص است و گاهی برای شهود جمال الهی است و این بالاترین مرتبه زهد و نخستین مقام از مقامات اولیای خداست. زهد حقیقی همین رتبت است و آن ترک غیرخدا برای خداست.^۳

از نظر امام خمینی (ره)، زهد مقدمه‌ای است برای وصول به جمال جمیل است. بنابراین خود زهد مطلوب نهایی و مقصد اصلی نیست. بلکه واسطه‌ای است برای رسیدن به مقصد اصلی و استقلالی.^۴

امام (ره) زهد حقیقی را از بزرگترین جنود عقل می‌دانند که انسان به واسطه آن به عالم قدس پرواز می‌کند و انقطاع الی الله برای او حاصل می‌شود.^۵

۱- حدید / ۲۳

۲- عرفان اسلامی (پژوهشکده تحقیقات اسلامی)، ص ۱۷۴، از: اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳- همان، از: شرح حدیث «جنود عقل و جهل» امام خمینی، ص ۲۹۵ و ۲۹۶.

۴- سایت پرتال امام خمینی (ره)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۹۹

۵- همان، ص ۳۰۳



۱۰۱. دعا در بقیع

مادر شهید

مادر بر سر سجاده نشسته بود. حاج علی قوچانی چند روزی بیشتر نبود که از مگه برگشته بود. نشست جلوی مادر و گفت: می‌تونم چندتا سؤال بپرسم؟ مادر دستان پسر را گرفت و گفت: «پرس عزیزم».

علی گفت: «وقتی روح از بدن جدا شد آیا دیگه بدن به درد می‌خوره؟ آن وقت اگر جسمی در کار نباشد که به خاک بسپارند ناراحتی داره؟ یعنی مفقودالاثَر؟

آره مادر. مفقودالاثَر.

... مادر سؤال کرد: برای چی می‌پرسی؟

اشک توی چشمای علی حلقه بست و گفت: «تو بقیع از حضرت زهراء علیها السلام خواستم که از بدنم هیچ نمونه که حتّی به اندازه قبری از این دنیا را اشغال کنم.»^۱

تحلیل و نتیجه:

خواجه عبدالله انصاری زهد را دارای سه درجه می‌داند:

- ۱- ترک حرام و دوری نمودن از شبهات.
- ۲- از معاش و خوراک زاید بر نیاز و فراتر از مقدار کفاف دوری جستن.
- ۳- زهد از زهد که با سه چیز حاصل می‌شود:

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۲۱.



الف: کوچک شمردن آنچه نسبت به آن زهد ورزیده است، ب: یکسان بودن حالات نزد زاهد، ج: گذر از شهود اکتساب با نظر به وادی حقایق.

توضیح اینکه: سالک بدین سبب زهد خود را در نظر می‌آورد و بدان توجّه می‌کند که در قلب و میل به دنیا است و در عین حال نعمت‌های آخرت را بزرگی می‌شمارد، و از این رو خواسته‌های دنیوی خود را برای کسب نعمت‌های آخروی ترک می‌گوید، اما هنگامی که بنده عظمت حق تعالی را با نور تجلّی درمی‌یابد، آخرت و آنچه در آن است، در نظرش کوچک می‌گردد، چه رسد به دنیای فانی. و در نتیجه دنیا در نظر او کوچک‌تر از آن خواهد بود که از آن دوری شود و همچنین آخرت، چرا که او در این مقام به ماسوی الله به دیده فنا می‌نگرد، و در نتیجه فقر و غنی نزد او یکسان می‌گردد، و هیچ رغبت و میل و حُبّ و بغضی در دل او باقی نمی‌ماند، بلکه اساساً به وجود و عدم دنیا توجّه‌ی ندارد. و این است حقیقت زهد در زهد.^۱ و این است مثل حال شهید سردار حاج علی قوچانی و بعضی از رزمندگان عزیز دفاع مقدّس که به حقیقت زهد در زهد و کمال انقطاع از دنیا بسوی یکتا خالق معبود، برایشان حاصل شده بود!!

در روایات شیعه برای زهد آثاری آمده است از آن جمله:

۱- نورانیت قلب

۲- گشایش زبان به حکمت

۳- توجه به عیوب دنیا^۲

۱- شرح منازل السائرین، شیروانی، علی، ص ۷۱ و ۷۲.

۲- سایت ویکی شیعه



۱۰۲. محبت حتی به دشمن!!

حمیدرضا پورقربان

آقای جلال ایازی از پیش‌مرگان مسلمان در جمع راویان دفاع مقدّس در کردستان در مورخه ۵۹/۵/۵ گفت: اگر «فیدل کاسترو» با تعجب می‌گوید چگونه جمهوری اسلامی توانست کردستان را پاکسازی کند؟! راز آن این است که رزمندگان شما اعم از بسیجی و سپاهی و ارتشی بر قلب‌های مردم کردستان با محبت حکومت کردند!

برای نمونه «شهید حاج قاسم نصراللهی» فرمانده «سپاه بانه» بود. برای رسیدگی به نیروهای خود به روستای «آلوط» می‌رود و دستور می‌دهد به نیازهای آنها رسیدگی شود و از آن جمله خانواده‌ای را می‌بیند که نفت برای بخاری ندارد و نیازمند مواد غذایی هستند. دستور می‌دهد که به آنها کمک شود. می‌گویند سرپرست این خانواده فردی است به نام «اسماعیل آلوطی» که کومله و ضد انقلاب است و با نظام جمهوری اسلامی ایران در جنگ و ستیز است. حاج قاسم می‌گوید: زن و بچه او گناهی ندارند، به آنها کمک کنید!!

وقتی اسماعیل آلوطی نگران پس از مدتی به منزل خود می‌آید، می‌بیند بخاری روشن است و مواد غذایی در خانه است، هنگامی که از قضیه باخبر می‌شود شرمنده می‌شود. می‌گوید من با یک چنین افرادی می‌جنگم و از کرده خود پشیمان می‌شود و به سپاه می‌آید و اسلحه خود را تحویل می‌دهد و پیش‌مرگ مسلمان می‌شود و از افراد مدافع جمهوری اسلامی ایران می‌گردد!



تحلیل و نتیجه:

رحمت و صفای دل، حالتی است درونی که موجب رقت و نرمی دل و احسان به دیگران می‌شود.

شفقت نسبت به مردم یعنی مصروف داشتن همت و تلاش در برطرف کردن مشکلات مردم و نگرانی از مشکلات مردم در حال و آینده. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «المُحْسِنُ مَنْ عَمَّ النَّاسَ بِالْإِحْسَانِ» (محسن کسی است که احسانش همه‌ی مردم را فرا گیرد).^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود، «ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ»^۲ (به آنان که در زمین هستند رحم کنید تا آن که در آسمان است به شما رحم کند).

و فرمود: «... تَرْحَمَ الْعَامَّةَ»^۳ (... به عموم مردم مهربانی کنید).

خدای مهربان هم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رحمت برای جهانیان و همه‌ی اهل عالم فرستاده است! (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)^۴

قرآن و سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام همه مسلمانان را به مهربانی نسبت به عامه‌ی مردم دعوت می‌کنند.

۱- بهشت اخلاقی، ج ۱، ص ۲۹۳، از: غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹.

۲- همان، ص ۲۹۱، از: نهج الفصاحه، ج ۱۸۱۷.

۳- همان، از میزان الحکمه، ج ۶۹۶۹.

۴- انبیاء / ۱۰۷



۱۰۳. اشک شوق خلبان عباس فرین

انجام طرح‌های مختلف پروازی در دوران جنگ تحمیلی ایجاب می‌کرد که ما هر سه هفته یک بار در پایگاه‌های مختلف حضور داشته باشیم. در یکی از روزها که در جنوب کشور بودم، همسر از پایگاه اصفهان با من تماس گرفت و گفت: «امروز آقای مقدری گوشت و مرغ به منزل ما آورد، من چون ایشان را نمی‌شناختم، از پذیرفتن آن امتناع کردم و اصرار کردم که باید بدانم چه کسی اینها را فرستاده است.

آن شخص گفت که چون همسر شما در مأموریت هستند و امکان این هست که نتوانسته باشید مواد غذایی خودتان را تهیه کنید، به همین خاطر تیمسار بابایی [شهید سرلشگر خلبان عباس بابایی] اینها را برای شما فرستاده‌اند.»

من از شنیدن صحبت‌های همسر اشک شوق در چشمانم حلقه زد. پس از چند روز تیمسار بابایی را دیدم به او گفتم:

«تیمسار! شما علی‌رغم مشغله فراوانی که با آن درگیرید، در زمانی که ما زنده‌ایم به فکر ما خلبان‌ها هستید و ما از این بابت خیلی خوشحالیم، و امیدواریم تا با ایمان و دلگرمی بیشتری وظایفمان را انجام دهیم.»^۱

۱- پرواز تا بی‌نهایت، ص ۲۰۵.



تحلیل و نتیجه:

کسی که تلاش و کوشش در برآورده نمودن نیازها و خواسته‌های مؤمنین کند، برای او پاداش نامحدودی است! برآوردن یک درخواست مؤمن بهتر از دو ماه اعتکاف است. هر قدمش ثواب حج و عمره دارد! ثواب آزاد کردن هزار بنده دارد، ثواب دو ماه روزه‌داری و یک میلیون حسنه برایش منظور می‌گردد.^۱

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «خداوند را در زمین بندگانی است که برای رفع نیازهای مردم می‌کوشند، اینان در روز قیامت در امان هستند».^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدای عزوجل فرموده است: «مردم خانواده‌ی من هستند، پس محبوب‌ترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربان‌تر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند».^۳

۱- بهشت اخلاقی، ج ۲، ص ۵۱۰، از: بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۹.

۲- همان

۳- همان



۱۰۴. راننده

خانواده شهید

شهید حاج ابراهیم جعفرزاده، این بار با ماشین آمده بود مرخصی. پدر گفت:
(بابا در جبهه چه کار می کنی که ماشین بهت داده اند؟).

گفت: «من راننده‌ام، یه نیروی بسیجی‌ام، کاره‌ای نیستم.»

در مراسمی که برای شهادتش گرفتند، داخل اعلامیه نوشته بود، فرمانده تیپ
رزمی الغدیر، حاج ابراهیم جعفرزاده.

آن موقع بود که پدرش باخبر شد که پسرش چه کاره است!

شهادت گلشن زیبای یار است
شهادت شهد شیرین وصال است
شهادت در حقیقت آسمانی است
شهادت سِرِّ موسی، سِرِّ عیسی است
شهادت عشق را تنها دلیل است

شهیدان را شهادت اقتدار است
شهادت مظهر اسم جمال است
شهادت رمز و راز جاودانی است
شهادت لن ترانی را هویدا است
شهادت یک کلام بی‌بدیل است

تحلیل و نتیجه:

مؤمنان حقیقی هر نعمتی را از جانب خدا می‌دانند. قرآن کریم می‌فرماید: (و

مَا يَكُم مِّن نِّعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ).....^۲

انکسار نفس، عبارت است از شکستن هوای نفس و کوچک شمردن آن و
بی‌مقدار دیدن و ناچیز دانستن خویش و کمالات خود و نعمت‌ها و کمالات

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۱۱، ص ۲۱.

۲- نحل / ۵۳



خود را موقتی از جانب خدا دیدن. و رزمندگان امثال سردار شهید حاج ابراهیم جعفرزاده اینچنین بودند و گویا این سخن امام سجّاد علیه السلام در نظرشان بود که فرمود: «خدایا بر محمّد و آل او درود فرست و مرا در نظر مردم بالا مبر، مگر آنکه مرا در نظر نفس خودم به همان مقدار کوچک سازی و عزّت ظاهری برایم نیاور مگر اینکه ذلّتی درونی برایم فراهم سازی».^۱

اهمیت انکسار نفس

هر مرتبه منبع معنوی و علمی با انکسار نفس حاصل می‌شود و هر صاحب مرتبه‌ای با این صفت صاحب رفعت می‌شود.^۲

فوائد و آثار انکسار نفس

- ۱- رفعت یافتن نزد خدا ،
- ۲- رسیدن به کمالات حقیقی ،
- ۳- کسب هویت عالی و واقعی ،
- ۴- پیشرفت های علمی و عملی ،
- ۵- تلاش بیشتر علمی و عملی ،
- ۶- کوشش مستمر داشتن ،
- ۷- احترام و بزرگداشت مقامات دیگران ،
- ۸- کسب فیوضات الهی ،

۱- بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۳۱۹، از: صحیفه سجّادیه.

۲- همان



۹- محبوب دیگران شدن.^۱

راه‌های تحصیل انکسار نفس

الف: راه علمی:

دقت در فوائد و برکات انکسار نفس و آفات عجب.

ب: راه عملی:

۱- همراهی با افراد دارای انکسار نفس،

۲- مطالعه سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرين علیهم السلام در تواضع و انکسار

نفس آنها،

۳- مطالعه سیره اولیا الهی در انکسار نفس آنها،

۴- سجده های طولانی،

۵- صورت بر خاک نهادن در برابر خدا،

۶- گریه بر گناهان^۲.

۱- همان

۲- همان، ص ۳۲۰



۱۰۵. غذای فرمانده

خلیل صراف

زمانی که در قرارگاه رعد بودیم، بنا بر ضرورت‌های پروازی و موقعیت‌های ویژه جنگی، تیمسار شهید سرلشگر خلبان عباس بابایی دستور دادند تا برای خلبانان شکاری غذای مخصوص پخته شد، ولی خود جناب بابایی با توجه به اینکه بیشترین پروازهای جنگی را انجام می‌دادند از غذای مخصوص خلبانان استفاده نمی‌کردند و همان غذای معمولی را می‌خوردند. در پاسخ به اعتراض ما در مورد اینکه گفته بودیم: چرا شما از غذای خلبانان استفاده نمی‌کنید، گفتند: «یک فرمانده باید حتماً از غذایی که همگان استفاده می‌کنند بخورد تا آن سربازی که در خط مقدم است نکوید غذای من با فرمانده فرق دارد.»^۱

تحلیل و نتیجه:

مقتدا و امام امثال سرلشگر خلبان عباس بابایی، مولای متقیان حضرت علی علیه السلام است، که در نامه‌ای به عثمان بن حنیف نوشتند: «... و هم و اندیشه‌ی من در این است که نفس خود را با پرهیزکاری تربیت نموده خوار گردانم تا در روزی (قیامت) که ترس و بیم آن بسیار است آسوده باشد، و بر اطراف لغزشگاه استوار ماند. و اگر بخواهم راه می‌برم به صافی و پاکیزگی این عسل و مغز این نان گندم و بافته‌های این جامه ابریشم، ولی چه دور است که هوا و خواهش بر من

۱- پرواز تا بی‌نهایت، ص ۲۱۷.



به طراوت باران

فیروزی یابد، و بسیاری حرص مرا بر برگزیدن طعامها وادارد...»^۱.
لذا امثال شهید سرلشگر عباس بابایی با الگو گرفتن از سیره عملی حضرت
وصی، مولا علی علیه السلام به کمتر از حق خود اکتفا می کردند تا زبردست آنها احساس
خوبی از آنها داشته باشد و او را هم‌رنگ خود ببیند و در اجرای فرامین با عشق
گردن نهد.

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۹۷۰، نامه ۴۵.



۱۰۶. آینده‌نگری

از یادداشت‌های شهید جعفرزاده

شهید ابراهیم جعفرزاده در وصیت‌نامه خود آورده است:

«برادران و خواهرانم بدانید توطئه‌ها و دسیسه‌های منافقانه‌ای در کار است که اسلام و رهبری انقلاب را تضعیف کند. بدانید انقلاب کردن کار ساده‌ای است و مهم پاسداری از این انقلاب است. شاید امروز اقتضا کند که اسلحه به دست گیریم و از انقلاب محافظت کنیم؛ اما مسلّم بدانید فردا حراست از انقلاب به اسلحه نیازی ندارد بلکه به اندیشه‌ها و استعدادهای نوینی محتاج است که بتواند چرخ‌های زنگ زده کشور را که سال‌ها زیر یوغ استعمار راکد مانده است بچرخاند.»^۱

تحلیل و نتیجه:

این سخنان شهید ابراهیم جعفرزاده در دوران دفاع مقدّس نشانگر دوراندیشی و بصیرت الهی است که رزمندگان ما مثل او در سایه طاعت و بندگی و ترک معصیت و مجاهدت خالصانه در راه خدا، بدست می‌آورند!

یکی از وظایف پیامبر اکرم ﷺ و اولیای الهی مذکّر بودن و بیدار کردن مردم است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بیدار شدن نسبت به امور دینی، نعمتی است بر کسی که خدا بیداری را روزی‌اش نموده است.»^۲

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۱۱، ص ۳۰.

۲- بهشت اخلاقی، ج ۱، ص ۱۵۳، از: غرالحکم، ج ۲، ص ۱۲۳.



و فرمودند: «الْيَقْظَةُ نُورٌ، الْغَفْلَةُ غُرُورٌ»^۱ (بیداری (از خواب غفلت) نور است و غفلت غرور می باشد).

و باز فرمودند: «به وسیله بیداری و هوشیاری با غفلت مبارزه کنید».^۲

اهمیت هوشیاری و بیداری

هوشیاری و بیداری از اولین منازل حرکت و سلوک الی الله بوده و پایه رشد و تکامل انسان است.^۳

فوائد و آثار هوشیاری و بیداری

- ۱- موجب به کارگیری استعدادها و انرژی هاست،
- ۲- موجب شکرگزاری از نعمت هاست،
- ۳- نور دل و چراغ زندگی است،
- ۴- عامل رشد شخصیت و دانش است.
- ۵- مانع رسیدن ضرر به خود و دیگران است،
- ۶- موجب تحصیل سعادت میباشد،
- ۷- توشه آخرت است،
- ۸- موجب دوری از گناه تباهی است،
- ۹- موجب پند پذیری و عبرت گیری است،
- ۱۰- زائل کننده انواع غفلت است.^۴

۱- همان، از: همان، ج ۱، ص ۳۷.

۲- همان، از: همان، ج ۴، ص ۲۳۲.

۳- همان

۴- همان



راه های تحصیل هوشیاری و بیداری

الف: علمی:

- ۱- تدبیر در فوائد آن ،
- ۲- دقت در مفاسد غفلت،
- ۳- مطالعه تاریخ و بررسی هوشیاری و غفلت در آن،
- ۴- مطالعه احوال اولیا و مفاخر .

ب: عملی:

- ۱- قرائت و تدبیر در قرآن،
- ۲- مبارزه با ریشه‌ها و عوامل غفلت زا ،
- ۳- تمرین هوشیاری و استفاده از حواس ادراکی ،
- ۴- حضور در مکان‌هایی که غفلت زدایی می‌کند، مثل: قبرستان، بیمارستان، منازل فقرا و ...!



۱۰۷. نماز و نیایش

محسن شاه‌رضائی

توی فاو بودیم، در عملیات والفجر هشت شب سختی را گذراندیم. دشمن آتش بارانمان می‌کرد. من و دو نفر دیگر از بچه‌ها نماز نخوانده بودیم. دنبال جایی برای خواندن نماز می‌گشتیم. سنگری را گیر آوردیم، پُر از نیرو. مجبور شدیم تک تک برویم آن‌جا، بایستیم به خواندن نماز. نمازمان را که خواندیم، از سنگر بیرون زدیم. در غرب رودخانهٔ اروندرود به یک مجروح بر خوردیم. خوابیده بود توی قایقی، می‌خواست برود آن طرف رُود. توانایی‌اش را نداشت. نگاه به هم کردیم، تصمیم گرفتیم هر جا که می‌خواهد بیریمش. سوار قایق شدیم و زدیم به آب. سکوت عجیبی بود. میان رودخانه بودیم که گفت: «من هنوز نماز نخوانده‌ام».

گفتیم: «با این زخم‌ها و تن و بدن چطور می‌خواهی نماز بخوانی؟!».

گفت: «چیزیم نیست. چند تا زخم کوچولو است، زیاد عذاب نمی‌دهد.» و بلند شد ایستاد و نمازش را ایستاده در قایق خواند! ^۱.

تحلیل و نتیجه:

آری رزمندگان ما پیرو اسدالله الغالبی بودند که در جنگ صفین هنگام نبرد، در میان هر دو صف کارزار مواظب وضع آفتاب بودند تا ببینند کی ظهر می‌شود و نماز ظهر را بخوانند. ابن عباس عرض کرد یا امیرالمؤمنین، این چه کاری است؟ حضرت فرمودند: منتظر زوال هستم تا نماز را بخوانم. ابن عباس گفت: آیا حالا

۱- عاشقان بی‌ادعا، ص ۸۲. از: پیشانی بر خاک، ص ۹۶.



با این همه گرفتاری و جنگ وقت نماز است؟! حضرت علی علیه السلام فرمودند: ما چرا با اینها می جنگیم؟ تنها به خاطر نماز با آنها نبرد می کنیم!^۱
لذا رزمندگان ما هم در سخت ترین شرایط جنگ از نماز غفلت نمی کردند و تا آنجا که ممکن بود نماز را اول وقت و جماعت بجا می آوردند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبَتْهَا...^۲

نماز را در وقت مقرر آن به جای آور...

امام صادق علیه السلام می فرماید: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الصَّلَاةُ لَوْ قَتَبَتْهَا ، وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ وَ

الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ^۳

بهترین اعمال نزد خداوند، نماز اول وقت است. پس از آن نیکی بر پدر و مادر و سپس جهاد در راه خداست.

اکثر رزمندگان ما بر بهترین اعمال مزین بودند، هم نمازشان را اول وقت به جای می آوردند هم کمال محبت و نیکی و تواضع نسبت به والدین خود داشتند. مثل شهید محسن حججی که دست و صورت والدین را می بوسید و حتی خود را روی پاهای پدر و مادرش می افکند و با تواضع تمام، پاهای آنها را بوسه می زد و هم به جهاد در راه خدا با اقتدا به مولایش حضرت حسین بن علی علیه السلام سر و دست خود را به پای حق تعالی فدا نمود و روسفید دنیا و آخرت گردید.

۱- جلوه‌های نیاز (داستان‌هایی از نماز) ترجمی، سید محمدجعفر، ص ۴۷، از: بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۳؛ و سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴؛ و نفایس الاخبار، مجلس ۱۲، ص ۲۵۶.

۲- جامع آیات و احادیث نماز، ج ۱، ص ۳۱۳، از نهج البلاغه، نامه ۲۷

۳- همان، از بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۵



۱۰۸. نگهبانی

دوستان شهید

یک سنگر بزرگ بود پر از نیرو. که به هر کدامشان کمتر از یک ساعت نگهبانی می‌رسید. یک سنگر کوچک با چند نفر نیرو، که به هر کدام بیشتر از دو ساعت نگهبانی می‌رسید. شهید حاج علی قوچانی روزها می‌رفت در سنگر بزرگ تا با نیروهای بیشتری ارتباط داشت باشد، شب‌ها، اما در سنگر کوچک می‌خواستید، تا بیشتر نگهبانی دهد. با آنکه فرمانده بود و وظیفه نگهبانی نداشت.^۱

سلام ای کوکبان آسمانی	سلام ای لاله‌های ارغوانی
سلام ای گل‌رخان خون نشسته	سلام ای کبوترهای بال و پر شکسته
سلام ای رفتگان وادی عشق	سلام ای سرخوشان ساقی عشق

تحلیل و نتیجه:

محبت خدا به کسی عطا می‌شود که از بندگان خدا درگذرد و علاقمندان به خدا را خدمت کند. در حدیث قدسی است که خداوند به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد: «چه شده که تو را گوشه گیر می‌بینم. داوود عرض کرد: بندگان در راه تو مرا خسته کرده‌اند. فرمود: چه می‌خواهی؟ عرض کرد: محبت تو را. فرمود: محبت من به این است که از بندگانم درگذری و خواستار مرا خدمت کنی.»^۲

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۲۲.

۲- بهشت اخلاقی، ج ۲، ص ۵۰۹، از: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۸، ح ۳۴.



امثال حاج علی قوچانی با خدمت به عاشقان الهی در جبهه، چه جذب محبتی از خدا داشتند!! و آنها با خدمت به عزیزان رزمنده گویا همه‌ی روزگار خدا در عبادت خدا بودند!! چرا که حضرت محمد ﷺ فرمودند: «اگر کسی نیاز از برادران مؤمن خود را برطرف کند، گویا همه روزگار خدا را عبادت کرده است»^۱.
حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند بندگان انتخاب شده ای برای رفع نیازمندی شیعیان خلق نموده تا بدین وسیله آنان را بهشتی کند، اگر می توانی از آنان باشی چنین باش^۲.

فوائد و آثار اهتمام به امور مسلمین

- ۱- خداوند متعال به ازای هر حاجتی که از مومن برآورده شود ۱۰۰ هزار حاجت در آخرت برآورده می سازد که اولین آن دخول در بهشت است،
- ۲- وحدت و عزت مسلمین،
- ۳- ایجاد محبت یگانگی و دوستی،
- ۴- تقویت مومنین،
- ۵- تضعیف منافقین،
- ۶- راحت جان دادن،
- ۷- رشد اقتصاد و پویایی جامعه،
- ۸- توفیق نصرت الهی،

۱- همان، از: امالی الطوسی، ص ۴۸۱.

۲- همان، از جامعه استادان، ج ۲، ص ۲۳۰



۹- کسب ثواب رفت و آمد بین صفا و مروه.^۱

راه های تحصیل اهتمام به امور مسلمین

الف: راه علمی:

- ۱- مطالعه سیره اهل بیت علیه السلام در این خصوص و توجه به روایات وارده،
- ۲- توجه به ارزشمندی آن در آیات و روایات.

ب: راه عملی:

- ۱- تمرین نمودن برای خدمت به مردم اگر چه از موارد جزئی باشد،
- ۲- تشکیل خیریه ،
- ۳- شرکت در خیریه های مردمی.^۲

۱- همان، ص ۵۱۰

۲- همان



۱۰۹. کمک به نیازمندان

حمیدرضا پورقربان

هرکس به او مراجعه می کرد، تا آنجا که ممکن بود سعی می کرد مشکل او را حل کند؛ حالا یا مشکل اداری داشت یا مالی یا مشورتی و یا مشاوره. داخل راهروی بیمارستان متوجه بگو، مگویی پرستاران با مردی شد. فهمید که مرد عمل شده و به علت نداشتن هزینه کافی او را مرخص نمی کنند. دوستش را کنار کشید، مقداری پول به او داد و گفت: «برو بین چقدر نیازه که این بنده خدا کارش حل بشه».^۱

از کردستان به اصفهان آمده بود. یک اسکناس ۱۰۰ تومانی از جیب خود درآورد و به من گفت: این همه دارایی یک فرمانده است. پرسیدم: حاج اکبر ۲۲۰۰ تومان حقوق گرفتی پس بقیه چی شد؟! بعد از کلی سؤال از او متوجه شدم در بین راه بقیه پول را خرج بسیجی ها و نیروهای رزمنده کرده است.^۲ سردار حاج اکبر آقابابایی نه تنها در زمان حیاتش راه گشای گرفتاران بود حتی بعد از شهادتش دوستانش به او متوسل می شوند و از او حاجت می گیرند. اینجانب بارها بر سر مزار مطهرش متوسل شدم و به حاجت رسیدم.^۳

۱- ۵ دقیقه با بهشتیان، ص ۲۵، بر اساس زندگی سردار سرلشگر اکبر آقابابایی به کوشش الهه حاجی حسینی.

۲- حمیدرضا پورقربان

۳- حمیدرضا پورقربان



تحلیل و نتیجه:

انسان‌های کریم و بزرگوار همیشه به فکر حل مشکلات دیگر مؤمنان هستند. و این را از دستورات قرآن و سیره نبی مکرم اسلام، محمد مصطفی ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام) الگو گرفته‌اند.

آنان خدمت به مؤمنین را شرط اتصال به ولایت ائمه هدی (علیهم السلام) و شرط اتصال به ولایت الهی می‌دانند! زیرا حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: «کسی که برادر مؤمنش به خاطر نیازی نزد او آمد، در حقیقت آن نیاز رحمتی است از خدا که آن را به سوی او فرستاده است. پس اگر آن را انجام داد، حتماً او را به ولایت ما وصل می‌کند. و ولایت ما، وصل کننده به ولایت خدای عزوجل است، و اگر با آنکه می‌تواند، نیازش را برآورده نکند، به خود ستم و بدی کرده است».^۱

خداوند متعال، از جمله صفات متقین را انفاق و کمک به نیازمندان در قرآن شریف مطرح نموده است: «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَاتِلِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»^۲ [متقین بهشتی همانها در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و بندگی خدا و ترک گناه] استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع و (در راه او) انفاق می‌کنند، و در سحرگاهان، استغفار می‌نمایند).

۱- خدمت به مؤمنین شرط اتصال به ولایت (ترجمه کتاب حقوق المؤمنین)، ص ۲۹، به نقل از بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۱۳.
۲- آل عمران / ۱۷



۱۱۰. جسمی که جان شد

دوستان شهید

عملیات والفجر ۸ بود. سال ۱۳۶۳. سه راه ام‌القصر. شهید علی قوچانی به نیروها دستور عقب‌نشینی داد. خودش در گودال که در اثر اصابت گلوله توپ حفر شده بود، ایستاده بود. غرش گلوله توپ در فضا پیچید. گرد و غبار بلند شد. مکانش، همان اطراف حاج علی بود. گرد و غبار که خوابید، اثری از علی قوچانی نمانده بود. جسم علی هم جان شد و به آسمان صعود کرد.!!
وقتی شهید شد حاج حسین نیروهایش را فرستاد محل شهادت را دقیق ببینند: تا حتی اگر تکه استخوانی هم مانده پیدا شود. منطقه کامل زیر آتش بود. دشمن هم برای جلوگیری از نفوذ نیروها آب را در منطقه رها کرده بود.
وقتی خبر نبودن نشان از حاج علی را به حسین دادند، باز دلش آرام نشد. خود به محل شهادت حاج علی قوچانی رفت: اما هیچ نشانی نیافت. آری دعای در بقیع حاج علی مستجاب شده بود! که در بقیع از حضرت زهرا سلام الله علیها خواسته بود که چنان شهید شود که از بدنش هیچ نماند، که حتی به اندازه قبری از این دنیا را اشغال کند.!

بعد از شهادت حاج علی قوچانی، حاج حسین خرازی گفت: بعد از [شهادت] حاج علی من دیگه حاج حسین نیستم.^۲
تا نیست نگردي ره هستت ندهند
این مرتبه با همت پستت ندهند

۱- برگرفته از ۵ دقیقه با بهشتیان، ش ۸، ص ۳۰. با اندکی تغییر.
۲- مالک اشتر، خاطراتی از سردار شهید، حاج علی قوچانی، ص ۱۲۱.



حاج علی قوچانی در سن ۲۳ سالگی تماشاگر راز شد، و پیکرش در آتش خصم سوخت، اصابت گلوله تانک به جان خسته علی او را مجنون دیگر عشق الهی نمود. او را مالک اشتر لشکر امام حسین علیه السلام لقب دادند و مزاری به یادش در گلستان شهدای اصفهان در ردیف مزار فرماندهی شهید حاج حسین خرازی قرار دادند.^۱

تحلیل و نتیجه:

بعضی مراتب زهد را، پنج مرتبه دانسته‌اند:

- ۱- ترک محرّمات که به آن «زهد واجب» می‌گویند،
 - ۲- ترک شبهات که به آن «زهد سلامت» گفته می‌شود، زیرا موجب سلامت از ارتکاب به حرام می‌گردد،
 - ۳- زهد در مقام بیش از نیاز در آنچه حلال است،
 - ۴- زهد نسبت به آنچه در آن لذتی از نفس است،
 - ۵- زهد ورزیدن و روی گردانیدن از هر آنچه جز خداست حتی از خویش. به گونه‌ای که بهره‌برداری از آنچه در حیات دنیا به آن نیاز دارد از روی ناچاری و ناخشنودی باشد نه از باب لذت‌جویی و کام‌روایی.^۲
- آری برخی از رزمندگان عزیز ما در عنفوان جوانی (مانند سردار شهید حاج علی قوچانی) ره صدساله سالکان را یک شبه طی کردند و در اوج اخلاص به مراتب عالی زهد نایل آمدند!!

۱- همان، ص ۱۲۶.

۲- انسان مطلوب، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ص ۴۸۲ و ۴۸۳.



مهمترین محورهای پیام شهیدان در وصیت‌نامه‌های خود:

- ۱- جلب رضایت خدا.
- ۲- معامله جان و مال با خداوند متعال.
- ۳- فداکاری برای حفظ اسلام.
- ۴- پاسخ به ندای امام حسین (علیه السلام) که فرمود: «کیست مرا یاری کند؟».
- ۵- پشتیبانی از ولایت فقیه و ولایتمدار بودن.
- ۶- توجّه به نماز، مخصوصاً نماز اول وقت.
- ۷- رعایت حجاب.
- ۸- دعوت به نیکی و احسان به والدین.
- ۹- سفارش به اطاعت از حضرت امام^(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی).
- ۱۰- همدلی و همراهی با روحانیت.
- ۱۱- سفارش به شناخت امام خمینی^(ره).
- ۱۲- دعوت به ادامه راه شهیدان و پاسداری از خون شهیدان.
- ۱۳- طلب توفیق شهادت.
- ۱۴- سفارش به اقامه نماز جماعت.
- ۱۵- ساده زیستی و پرهیز از دنیاطلبی.



- ۱۶- برپایی باشکوه نماز جمعه.
- ۱۷- پاسداری از انقلاب اسلامی.
- ۱۸- اشاعه فرهنگ شهادت.
- ۱۹- دعوت به مسئولیت‌پذیری در حفظ اسلام.
- ۲۰- دعوت به انفاق و دوری از دنیا طلبی.
- ۲۱- داشتن بصیرت و آگاهی و دشمن شناسی.
- ۲۲- داشتن روحیه انقلابی و بسیجی.
- ۲۳- دعوت به امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۴- خواندن، تدبیر و عمل به قرآن.
- ۲۵- آشنایی با زندگی و سیره اهل بیت (علیهم السّلام) و الگو قرار دادن آنها در زندگی.
- ۲۶- توجّه به اخلاص در همه امور و کارها.
- ۲۷- درخواست عاقبت به خیری از خداوند متعال.
- ۲۸- دعوت به وحدت و همبستگی
- ۲۹- شکر نعمت جمهوری اسلامی را به جا آوردن و در تقویت آن کوشیدن.
- ۳۰- دعوت به صبر و استقامت تا رسیدن به اهداف عالیه انقلاب اسلامی.
- ۳۱- رسیدگی و توجّه به حل مشکلات محرومان و مستضعفان جامعه.
- ۳۲- دعا برای تعجیل در فرج آقا امام زمان (عج) و اتصال انقلاب اسلامی به ظهور حضرت مهدی (عج).



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۶) آیت الله مکارم، ناصر، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
۳. نهج الفصاحه (۱۳۶۰) پاینده، ابوالقاسم، چاپ پانزدهم، تهران: جاویدان.
۴. صحیفه سجّادیه (۱۳۵۸)، ترجمه: فاضل، جواد، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۵. مفاتیح الجنان (۱۳۷۹)، قمی، شیخ عباس، قم: الهادی.
۶. اکبر، علی وهمکاران (۱۳۸۹)، پرواز تا بی نهایت، چاپ چهاردهم، تهران: اجا.
۷. اکبری، محمود (۱۳۸۵)، نگاهی به حق الناس، چاپ چهارم، قم: گلستان ادب.
۸. امینی، ابراهیم (۱۳۷۲)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۹. پورقربان، حمیدرضا (۱۳۹۷)، لبخند سنگر، چاپ هفتم، اصفهان: ستارگان درخشان.
۱۰. ترابیان، محسن (۱۳۸۶)، برکات شب و سحر در آیات و روایات، کاشان: محتشم.
۱۱. ترجمی، سید محمد جعفر (۱۳۹۰)، جلوه‌های نیاز - داستانهایی از نماز - اصفهان: بهار علم.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد (۱۳۷۳)، شرح غررالحکم و دررالکلم، شارح: جمال الدین محمد خوانساری، دوره ۷ جلدی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. حاجی حسینی، الهه و یوسفی، سعیده و دیگران (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵)، ۵ دقیقه بابشتیان، شماره ۲۰ تا ۲۰، سرداران شهید: حسین خرازی، علی قوچانی، علی موحد دوست، اکبر آقابابایی، ابراهیم جعفرزاده، رضا کریمی، جلال افشار، حسین روح الامین و....، اصفهان: دارخوین.
۱۴. حاجی حسینی، الهه (۱۳۹۵)، ابوریحانه، خاطرات شهید مدافع حرم پویا ایزدی، اصفهان: دارخوین.
۱۵. حاجی حسینی، الهه (۱۳۹۵)، پاکی و پایداری، خاطرات شهید مدافع حرم مسلم خیزاب، اصفهان: دارخوین.
۱۶. حاجی حسینی، الهه (۱۳۹۵)، موجی که آرام گرفت، خاطرات شهید مدافع حرم حمید رضادایی تقی، اصفهان: دارخوین.



۱۷. حسینی سیاهکلرودی، سیدقوام الدین (۱۳۸۸)، - پژوهشکده تحقیقات اسلامی، عرفان اسلامی، قم: زمزم هدایت.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی، تهیه و تنظیم: بانکی پورفرد، امیرحسین، تربیت از منظر ولایت، اصفهان: شهید حسین فهمیده.
۱۹. خمینی، امام روح‌الله (۱۳۶۵)، شوون و اختیارات ولی فقیه، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۲۰. داوری، مهدی (۱۳۹۴) ۵ دقیقه بابهشتیان، شهید مصطفی طیاره، اصفهان: دارخوین.
۲۱. دهقان، اکبر (۱۳۸۴)، هزار و یک نکته ازقرآن، چاپ چهارم، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۲۲. راد لاهیجانی، سید حسین (۱۳۷۳)، نماز از دیدگاه قرآن وحديث، چاپ دوازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۲) راهنمای بهشت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. ری شهری، محمدمحمدی (۱۳۹۳)، میزان الحکمه، دوره ۱۵جلدی، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.
۲۵. سالمی، حسین - غلامرضا- (۱۳۹۳)، جاده‌های بهشتی، اصفهان: مهرزهر(س).
۲۶. سعدی، مصلح بن عبدالله، ۱۳۷۵، غزلیات سعدی، مقدمه و شرح: بهالالدین اسکندری، تهران: قدیانی
۲۷. سعیدی، علی وجمعی از همکاران (۱۳۹۴) انسان مطلوب، تهیه کننده: پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام): قم: زمزم هدایت.
۲۸. سیوندیان، محسن (۱۳۷۵)، تبسم سنگر، اصفهان: ستاد بزرگداشت کنگره سرداران و بیست سه هزار شهید استان اصفهان.
۲۹. شریفی، محمود (۱۳۷۹)، چهل حدیث قرآن، چاپ پنجم، قم: معارف.
۳۰. شکل ابادی، نصرالله (۱۳۹۹) چلچراغ، چاپ ششم، اصفهان: ستارگان درخشان.
۳۱. شفیعی مازندرانی، محمد (۱۳۹۲)، درسهای از وصیت نامه حضرت امام خمینی (ره)، چاپ شخصت وهفتم، قم: دفتر نشر معارف.
۳۲. شمس الدین، سیدمهدی (۱۳۹۵)، روش همسرداری، قم: شفق.
۳۳. شمس الدین، محمدهادی (۱۳۹۴)، رهایی در هور، زندگینامه شهیدسردارابراهیم جعفرزاده، یزد: خط شکنان.



به طرزوت باران

۳۴. شیروانی، علی (۱۳۸۷)، شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری، تهران: آیت اشراق.
۳۵. شیروانی، علی (۱۳۸۷)، برنامه سلوک در نامه‌های سالکان، تهران: دارالفکر.
۳۶. صابری یزدی، علیرضا (۱۳۷۵) الحکم الزاهره، ترجمه: محمدرضا انصاری محلاتی، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۷. طباطبایی، علامه سید محمد حسین (۱۳۶۰)، تفسیر المیزان، دوره ۲۰ جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
۳۸. عزیزی، عباس (۱۳۷۸)، جامع آیات واحادیث موضوعی نماز، دو جلدی، قم: نبوغ.
۳۹. علوی، سید مصطفی (۱۳۹۲)، دایرة المعارف جامع صلوات، تهران: لاهوت.
۴۰. علی پوردهاقانی، فاطمه (۱۳۹۵)، هجرت تا بهشت، زندگینامه شهید مدافع حرم سید یحیی براتی، اصفهان: دارخوین.
۴۱. فولادگر، محمّد (۱۳۷۶)، سیمای اخلاق در این قرآن واحادیث، اصفهان: دانشگاه صنعتی اصفهان.
۴۲. قرائتی، محسن (۱۳۷۷)، تفسیر نور، دوره ۱۲ جلدی، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۴۳. کاظمی، محسن (۱۳۸۷)، خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)، تهران: سوره مهر.
۴۴. کرمانی، هاجر (۱۳۹۰)، مالک اشتر، خاطراتی از سردار شهید حاج علی قوچانی، اصفهان: ستارگان درخشان.
۴۵. کلینی الرازی، ابن اسحاق (۱۳۵۸)، اصول کافی، دوره ۴ جلدی، اصفهان: شریعت.
۴۶. گروه شاعران (۱۳۶۹)، درسوگ خورشید، تهران: وزارت فرهنگ وارشد اسلامی.
۴۷. لطفی، علیرضا (۱۳۹۱)، صلوات سرود آسمانی، دو جلدی، اصفهان: حیات طیبه.
۴۸. لطفی، علیرضا (۱۳۷۵)، فخر سرداران، یادنامه سردار شهید حاج اکبر آقابابایی، تهران: دانشکده افسری سپاه، نمایندگی ولی فقیه در نیروی قدس سپاه پاسداران.
۴۹. لشگر پیاده ۱۷ علی بن ابیطالب (علیه السلام) (۱۳۸۳)، نهضت خدمت رسانی در نگاه قرآن و سیره معصومین (علیهم السلام)، قم: روح.
۵۰. لک آبادی، روح الله (۱۳۹۴)، آیه الکرسی کلید درهای بسته، چاپ ۳، قم: عطش.
۵۱. لک آبادی، مهدی (۱۳۸۹)، عرفان در کلام اولیاء ربانی، چاپ ۳، قم: آخرین وصی.
۵۲. مجلسی، علامه محمدباقر، (۱۳۸۸)، بحار الانوار، قم: نور وحی.
۵۳. مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۹۳)، جهاد بانفس، چاپ ۲، تهران: محبان الحسنین (علیهم السلام).



۵۴. مطهری، آیت الله مرتضی (۱۳۸۹)، قیام و انقلاب مهدی (عج) به ضمیمه مقاله شهید، چاپ چهلیم، قم: صدرا.
۵۵. مطهر، محمد (۱۳۷۶)، گلوژه، چهار جلدی، قم: الهادی.
۵۶. مکارم شیرازی، آیت الله ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴)، پیام قرآن، دوره ۱۰ جلدی، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵)، تفسیر نمونه، دوره ۲۷ جلدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴)، رساله توضیح المسائل، قم: قدس.
۵۹. مکارم شیرازی (۱۳۷۷)، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه - شرح خطبه متقین، دو جلدی، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۶۰. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۲)، عاشقان بی ادعا، تهران: خادم الرضا علیه السلام.
۶۱. موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت (۱۳۸۸)، از خود گذشتگی، (سیره شهدای دفاع مقدس ۸)، تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
۶۲. مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۳)، مثنوی معنوی، به کوشش دکتر توفیق، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۳. نراقی، ملا مهدی (۱۳۶۶)، ترجمه جامع السعادات، دوره ۳ جلدی، تهران: حکمت.
۶۴. نوری همدانی، آیت الله حسین (۱۳۸۴)، جایگاه بانوان در اسلام، قم: مهدی موعود (عج).
۶۵. نبلی پور، مهدی (۱۳۸۷)، بهشت اخلاق، دو جلدی، چاپ چهارم، اصفهان: موسسه تحقیقاتی ولی عصر (عج).
۶۶. ولی ابرقویی، روح الله (۱۳۹۲)، کودک نامه، قم: مشهور.
۶۷. هادوی، مصطفی (۱۳۸۶)، ازهر چمن گلی، اصفهان: پویان مهر.
۶۸. یثربی، دکتر سیدیحیی (۱۳۹۰)، عرفان عملی، قم: بوستان کتاب.
۶۹. یزدی، آیت الله مصباح (۱۳۸۲)، به سوی خود سازی، چاپ سوم، قم: هدف.

سایت ها:

۷۰. ایرنا- www.irna.ir

۷۱. اداره پیام اوران ایثار - تهران



به طرزوت باران

۷۲. باشگاه خبرنگاران جوان - yic. news
۷۳. پرتال امام خمینی (ره)
۷۴. شهید کاوه (خاطرات)
۷۵. مشرق نیوز - mashregnews. ir
۷۶. مهرداد
۷۷. نوشهر به روز - noshah-e-online. ir
۷۸. نوید شاهد-پایگاه اطلاعات رسانی فرهنگ ایثار وشهادت
۷۹. navide shahed. com
۸۰. پایگاه خبری دیار آفتاب - www. diyreaftab. ir
۸۱. یاد لاله‌ها
۸۲. Newsdefapress
۸۳. <http://www.aviny.com>
۸۴. <http://shohada.blogfa.com>
۸۵. <http://www.plake-khamosh.blogfa.com>

نشریه‌ها:

۸۶. المهدی (عج) شماره پنجم، مرداد ۱۳۸۹، ویژه سر لشکر خلبان شهید عباس بابایی.
۸۷. سدید، خرداد ۱۳۸۷، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اصفهان (خوراسگان).
۸۸. هفته نامه حیات طیبه، شماره ۱۱۲- ۱/ ۶/ ۱۳۹۶.



تشکر و قدردانی:

از همه عزیزانی که به نحوی درنوشتن این کتاب بنده را یاری فرمودند کمال تقدیر و تشکر را دارم. برادران گرانقدری که حضوراً از آنها بهره مند شدم از جمله:

- * سردار جواد استکی.
- * سردار سیدعلی بنی لوحی.
- * سردار مجتبی فدا.
- * سردار شهید حاج اکبر آقابابایی.
- * سردار مجتبی شیروانیان.
- * حجت الاسلام، حاج آقامحمد مهدی ماندگاری.
- * حجت الاسلام، حاج آقاسید محمدعلی فلسفی.
- * حجت الاسلام، حاج آقاسیدمحمد رضا علاءالدینی.
- * مرحوم جناب آقای محمدرضا جعفری.
- * جناب آقای جلال ایازی.
- * جناب آقای بهاءالدین امینی.
- * جناب آقای محمد بلندیان.
- * جناب آقای دکتر حسن بهرامی.
- * جناب آقای حسین (غلامرضا) سالمی.
- * جناب آقای نصرالله شکل آبادی.
- * جناب آقای محمد علی فلاحت.
- * جناب آقای اصغر محسنی.
- * جناب آقای حسینعلی محمدی.
- * جناب آقای عباس محمدی.
- * جناب آقای منوچهر معتمدی.



به طر زوت بارزن

در پایان از برادران عزیز (اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان اصفهان) بالاخص جناب آقای یوسف اعلائی که در چاپ و نشر این مجموعه، اخلاقی، عرفانی و معنوی شهدا، رزمندگان، جانبازان و آزادگان، بنده را یاری نمودند، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

امیدوارم توانسته باشم قطره‌ای از اقیانوس مسائل اخلاقی، عرفانی و معنوی عزیزان رزمنده، شهدا، جانبازان و آزادگان عزیز و خانواده‌های محترمشان را بیان کنم و از دعای خیر آنان بهره مند شوم و آرزو مندم این مجموعه مورد رضایت حق تعالی قرار گیرد. (ان‌شالله)

و آخرین دعا را از زبان امام شهیدان حضرت امام خمینی (ره) برای خود و دوستان دارم:

"خداوندا! این دفتر و کتاب شهادت را هم چنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن."

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۳)

(..... رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (بقره - ۱۲۷).

۱۴۰۰/۱۱/۲۶

سیزده رجب - ۱۴۴۳

مصادف با میلاد مسعود و پریرکت مولا امیرسخن، حضرت علی علیه السلام

حمیدرضا پورقربان

به طرز کوت با درازن





**سوالات تستی مسابقه کتاب اول به طراوت باران
لطفا در مقابل گزینه صحیح در پاسخنامه علامت بزنید**

۱- این مناجات از کدام شهید است؟ (پروردگارا آن چنان ما را از دنیا وما فیها بی نیاز کن که درقربانگاه عشق تو همچنان ابراهیم مشتاقانه حاضرشویم تا اسماعیل وجود خود را درهدف مقدّست قربانی کنیم.)

- الف: دکتر مصطفی چمران ب: سپهبد حاج قاسم سلیمانی
ج: سپهبد علی صیاد شیرازی د: سرلشکر حاج حسین خرازی

۲- این شهید سردار، وقتی به خانه بایک کیفدستی آمده بود، تمام وسایل داخل کیف، برچسب داشت، حتی خودکار وکسی نباید به آنها دست میزد و استفاده می کرد. برچسبی که روی آن نوشته شده بود: مال بیت المال. وقتی آمد به تیپ الغدیر، سرجمع داری را راه انداخت. برای اولین بار توی تیپ برچسب وشماره کالا درست شد.

- الف: حاج ابراهیم جعفرزاده ب: حاج اکبر آقابابایی
ج: حاج محمد ابراهیم همت د: حاج علی موحد دوست

۳- او از شهیدان مدافع حرم بود که وقتی همه خسته بودند با همه خستگی که داشت می رفت برای هم رزمانش آب می آورد. هیکل رشید و قشنگی داشت، عباس وار، در عملیاتی روز تاسوعای حسینی، جواب سقایی کردن هایش را گرفت، بر اثر اصابت موشک از روی تانک به پایین پرتاب شد، درست مثل حضرت عباس (ع) که از مرکب به زمین افتاد، عصر تاسوعا بود که در حلب سوریه به شهادت رسید.

- الف: حمیدرضا دایی تقی ب: پویا ایزدی
ج: سیّد یحیی براتی د: مسلم خیزاب



۴- این سردار شهید از فرماندهان قرارگاه حمزه سیدالشهداء (ع) بود، وقتی پدرش به او گفت: چرا به ما زنگ نمی‌زنی؟ گفت: شما پول بدهید تا از تلفن آزاد زنگ بشما بزنم، من نمی‌توانم هزینه پول تلفن خود را برگردن بیت المال بیندازم.

الف: مهدی باکری
ب: محمد رضا مغزیان
ج: محمد ابراهیم همت
د: محمد افیونی

۵- در عملیات طریق القدس رزمنده‌ها در حال پیش روی به معبر سیم خاردار دشمن رسیدند. همه نگاه می‌کردند و نمی‌دانستند چه کنند. این سردار شهید معطل نکرد، خودش را روی سیم‌های خاردار انداخت، پلی برای عبور شد، فریاد زد: معطل نکنید، همه رد شوید، بچه‌های رزمنده تک تک از روی تنش رد شدند.

الف: علی موحد دوست
ب: علی قوچانی
ج: اکبر آقابابایی
د: محمد ابراهیم همت

۶- این سرلشکر خلبان شهید با همسرش برای سفر حج به فرودگاه رفتند، اما پای پلکان هواپیما به همسرش گفت: شما برو ولی من نمی‌توانم بیایم، مگه من این مرز و بوم است. مگه من آبهای گرم خلیج فارس و کشتی‌هایی است که باید سالم از او عبور کنند.

الف: عباس بابایی
ب: سید علی اقبالی دوگانه
ج: جواد فکوری
د: احمد کشوری

۷- بسیار ساده زیست بود، و در حفظ بیت المال بسیار کوشا بود. همسر این سردار شهید، می‌گوید: هنگامی که همسرم در شهرداری خدمت می‌کرد، یا حقوق نمی‌گرفت و اگر می‌گرفت، به افرادی که نیاز داشتند می‌داد. بنز صفر



کیلومتر در شهرداری بود وایشان استفاده نمی‌کرد. وقتی یکی از دختران بی سرپرست پرورشگاه عروسی می‌کند، آن بنز را را می‌دهد و می‌گوید تزئین کنند و برای اولین بار در عروسی این دختر بی سرپرست استفاده می‌شود.

الف: محمّد ابراهیم همت
ب: مهدی باکری
ج: حسن باقری
د: محمّد جهان آرا

۸- این سردار شهید در قسمتی از وصیت نامه خود آورده است: "..... عزیزانم بدانید که دفاع از ولایت فقیه و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، دفاع از علی (علیه‌السلام) و فرزندان اوست و این محقق نمی‌شود مگر با تلاشی صادقانه در اجرای اوامر برحق ایشان، عزیزانم بدانید که دشمنان قسم خورده انقلاب وقتی مایوس می‌شوند که بدانند شما مردانه در پشت

سر رهبر و قائد خود ایستاده اید و از او پیروی می‌کنید."

الف: محمّد رضا دستواره
ب: علیرضا موحد دانش
ج: محمود شهبازی
د: اکبر آقابابایی

۹- بدن کدام شهید بعد از ۱۶ سال بعد از شهادتش سالم بود و صدام دستور داده بود سه ماه بدن او را در آفتاب گرم عراق بگذارند، اما هیچ آسیبی پیدا نکرده بود، به دستور بعضی از فرماندهان عراقی، پودر آهک روی آن ریخته بودند، باز بدن او هیچ تغییری پیدا ننموده بود. بدن مطهرش را

صحیح و سالم برای مادرش به شهر قم آوردند.

الف: محمّد رضا شفیعی
ب: رسول هلالی
ج: یدالله تقی یار
د: احمد رضا نعمتی



۱۰- میرزا اکرم زمانی نقل می‌کند: شهید..... همیشه به فکر مردم بی بضاعت بود. در فصل تابستان به کمک کشاورزان پیر ناتوان می‌رفت و زمستانها وقتی برف می‌بارید پارو یی بر می‌داشت و پشت بامهای خانه‌های در ماندگان را پارو می‌نمود. مدتی قبل از شهادتش، اورادر حال عبور از خیابان دیدم که معلولی را که از هر دو پا عاجز بود، بردوش گرفته بود و برای آن که شناخته نشود، پارچه ای نازک بر سر کشیده بود. من اورا شناختم و از او سوال کردم، گفت: پیرمرد را به حمام می‌برم. او کسی را ندارد و مدتی است که به حمام نرفته است.

الف: جواد فکوری

ب: عباس بابایی

ج: علی صیاد شیرازی

د: سردار مهدی باکری

۱۱- این جمله از کیست؟ " در اردوگاه موصل ۴، یک شب به یکی از بچه‌ها که نگهبان شب بود، سفارش کردم که مرا برای نماز شب بیدار کند، وقتی سر موقع مرا بیدار کرد، متوجه شدم که بیش از نود درصد بچه‌ها مشغول خواندن نماز شب هستند، با دیدن این صحنه از خودم خجالت کشیدم.

الف: عبدالرضا مجیری

ب: ولی الله رحمتی

ج: محسن شاه رضایی

د: مجتبی کلاهدوزان

۱۲- حجت الاسلام..... در سخنرانی خود گفتند: " جسد پسر شهید سوخته شده را وقتی به مادرش دادند، دودستش را زیر جنازه‌اش برد و او را بلند کرد و گفت: خدایا این چهارمین قربانی را از من قبول کن. این سخنران افزوده: در قیامت خوب‌ها هم حسرت می‌خورند که چرا بهتر نبودند. من و شما درمقابل این مادر شهید حسرت می‌خوریم و خود را عقب می‌دانیم و این مادر با چهار فرزند شهیدش خود را در مقابل حضرت زینب (س) عقب می‌داند و به او حسرت می‌خورد.

الف: محمدمهدی ماندگاری

ب: مسعود عالی

ج: شیخ حسین انصاریان

د: علیرضا پناهیان



۱۳- عملیات والفجر ۸ بود. موقعیت جاده البحار، کارخانه نمک، آتش دشمن سنگین بود. این سردار شهید در میان بچه‌های رزمنده می‌دوید و با صدای بلند می‌گفت: " ظهر شده ووقت نماز است. به نوبت نماز بخوانید. نکند بی نماز شهید بشوید. بچه‌های رزمنده باسر و روی خونی تیمم کردند و تک تک به نماز ایستادند.

الف: حاج حسین همدانی
ب: حاج حسین خرازی
ج: حاج علی قوچانی
د: حاج احمد کاظمی

۱۴- کدام شهید بود که دختری که از پارتی ورقص وشراب خواری به مرقد او پناه برد و با گریه گفت: " اگر تو شهید هستی ودر نزد خدا وند اجر وقربی داری، مرا هدایت کن و از گناه نجاتم بده. " شب آن روز آن شهید در خواب به در منزل این دختر آمد وهدیه ای برایش آورد. در یک سینی برای او چادر وسجاده و قرآن آورده بود.این دختر گوید: از خواب که بیدار شدم از همان روز حجابم را درست کردم ونمازهایم را مرتب خواندم و با قرآن انس گرفتم، هدایت شدم.

الف: حاج رضا تورجی زاده
ب: حاج علیرضا موحددانش
ج: حاج یونس زنگی آبادی
د: حاج سجاد ناجی اصفهانی

۱۵- او یکی از فرماندهان در آزاد سازی خرمشهر بود، وقتی مشاهده می‌کند عراقی ها، هزار، هزاردر حال تسلیم شدن هستند، با بی سیم باقرار گاه کربلا تماس می‌گیرد و به سردار رشید می‌گوید: " خدا خرمشهر را آزاد کرد . "

الف: حاج حسین خرازی
ب: حاج محمود شهبازی
ج: حاج احمد کاظمی
د: حاج سیّد محمّد رضا دستواره



۱۶- مرد آهنین لشکر امام حسین (علیه السلام) عنوانی بود که به این سردار شهید گفته می‌شد. اولین دلیلش استواری و استقامت و صف ناشدنی او بود و دوم ترکش‌های ریز و درشت آهنی زیادی که در داخل بدنش جاگرفته بود.

الف: حاج حسین خرازی
ب: حاج علی قوچانی
ج: حاج مهدی مظاهری
د: حاج علی موحد دوست

۱۷- آقای جلال ایازی از پیش مرگان مسلمان گُرد، در جمع راویان دفاع مقدس اصفهان، گفت: "اگر" فیدل کاسترو" با تعجب سوال می‌کند که: چگونه جمهوری اسلامی ایران توانست کردستان را پاکسازی کند؟ راز آن این است که رزمندگان شما اعم از بسیجی، سپاهی و ارتشی،.....

الف: بایستکار فراوان این کار را نمودند.
ب: با رهنمودهای امام خمینی (ره) این کارا کردند.
ج: با خلاقیت فنون نظامی موفق شدند.
د: بر قلب‌های مردم کردستان با محبت حکومت کردند.

۱۸- آقای محمود نجیمی می‌گوید: بعد از عملیات خیبر از..... پرسیدم: وقتی مجروح شدی و دستت قطع شد و بیهوش شدی چه وضعیتی برایت پیش آمد؟ او ابتدا طفره می‌رفت ولی با اصرار زیاد من گفت: وقتی دستم قطع شد و بیهوش شدم، ملائکه به من گفتند: "می‌خواهی ترا به بالا به بهشت ببریم؟" به آنها گفتم: نه می‌خواهم امام خود را یاری کنم و به محض گفتن این حرف به هوش آمدم.

الف: حاج حسین خرازی
ب: حاج احمد کاظمی
ج: حاج علی صیاد شیرازی
د: حاج محمود شهبازی



۱۹- آقای بهاء الدین امینی از پیش مرگان مسلمان کردستان، در جمع راویان دفاع مقدّس در سقر گفتند: اگر رشادتهای شهدای شما مثل شهید آقابابایی، افیونی، طیاره، کاظمی و بروجردی و..... نبود، کردستان با پشتیبانی آمریکا و برخی از دول خارجی از ایران جدا شده بود و یک اسرائیل دوم در کنار جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شد. در پایان اضافه نمود: من اهل سنت هستم ولی به شما می‌گویم موفقیت‌های رزمندگان شما در کردستان از..... بود.

الف: فرامین امام خمینی (ره)

ب: مجاهدت‌های رزمندگان بسیجی، سپاهی و ارتشی

ج: برکت مکتب امام حسین (علیه السلام)

د: روحیه شهادت طلبی رزمندگان اسلام

۲۰- پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، کدام آیه را عظیم‌ترین آیه

قرآن، دانستند؟

الف: آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) ب: آیه ولایت (مائده/ ۵۵)

ج: آیه غفران (طه/ ۸۲) د: آیه الكرسي (بقره/ ۲۵۵)

(موفق باشید)



پاسخنامه سوالات تستی مسابقه کتاب اول (به طراوت باران)

نمره آزمون:

تلفن ثابت:

تاریخ آزمون:

نام و نام خانوادگی:

مقطع تحصیلی:

تلفن همراه:

آدرس:

د	ج	ب	الف	ردیف
				۱۱
				۱۲
				۱۳
				۱۴
				۱۵
				۱۶
				۱۷
				۱۸
				۱۹
				۲۰

د	ج	ب	الف	ردیف
				۱
				۲
				۳
				۴
				۵
				۶
				۷
				۸
				۹
				۱۰